



سپاس از خوانندگان و کاربران
ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک
برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌ی خودتان
می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.
تنها پشتیبانان کیهان لندن
شما خوانندگان و کاربران هستید.
روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن

آینده‌های بدون گذشته و اکنون

معروف است که می‌گویند کودکان آینده‌ی ما هستند. اما «آینده» تنها زمانی می‌تواند حامل امید و ماندگاری باشد که از گذشته و اکنون تغذیه‌ی مناسب دریافت کند.

با سه نمونه که در همین چند روز اخیر مطرح شده می‌توان دریافت که با کمال تأسف کودکان ایران از هر قشر و طبقه‌ای که باشند از نظر مادی و معنوی در وضعیت خوبی بسر نمی‌برند و «آینده» را با تردید روبرو می‌کنند. نمونه‌ی نخست، طرح «جمع‌آوری» کودکان کار و خیابان است. این طرح که با مخالفت و انتقاد فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق کودکان روبرو شده، چنان از «جمع‌آوری» این کودکان حرف می‌زند که انگار اشیای زیادی هستند که می‌بایست آنها را از برابر چشم پنهان کرد. حال آنکه معضل کودکان کار و خیابان با هزار حلقه به ده‌ها و صدها مشکل دیگر وصل است که بدون حل و یا کاهش آنها نمی‌توان به موضوع کودکان کار و خیابان پرداخت. مهم‌ترین مشکل، همانا فقر و تنگدستی خانواده‌هایی است که کودکان‌شان را به جای تحصیل و آموزش راهی خیابان‌ها می‌کنند و یا حتی آنها را اجاره داده و یا به فروش می‌رسانند!

گذشته و اکنون این کودکان هیچ آینده‌ی روشنی برای کشور ترسیم نمی‌کند.

نمونه‌ی دوم، سیستم آموزشی کشور و کتاب‌های درسی مدارس است که به غیر از علوم پایه مانند ریاضی و فیزیک که نمی‌توان آنها را به سادگی با انواع سموم عقیدتی و ایدئولوژیک آلوده کرد، مجموعه‌های سنگین از دروس مختلف را بدون کارشناسی‌های لازم تعلیم و تربیت بر کودکان و جوانان تحمیل می‌کند. مواد تحصیلات ابتدایی و متوسطه که هر سال هزینه‌ی سنگینی را نیز به خانواده‌ها تحمیل می‌کند، همگی از صافی عقیدتی حاکم عبور کرده و از هر فکر و پرسشی «پاکسازی» می‌شوند.

از این پاکسازی ایدئولوژیک و مذهبی می‌رسیم به نمونه‌ی سوم که بمباران تبلیغاتی از سوی رژیم است. تبلیغاتی که ظاهراً تفریح و سرگرمی است و بسیاری از خانواده‌ها نیز ندانسته و ناخواسته در شستشوی فرزندان‌شان با آنها همراهی می‌کنند. اما در پس این تبلیغات، سایه‌ی شوم جنگ و ستیز همیشگی را که با خون جمهوری اسلامی عجین شده می‌توان تشخیص داد. به مناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق نمایشگاهی در تهران برگزار شد تا جوانان به همراه خانواده‌هایشان در جبهه‌های نمایشی «شهادت» را تمرین کنند.

فقط همین سه نمونه را که کنار هم بگذاریم می‌بینیم فراتر از همه‌ی مشکلات عملاً موجود، آینده‌ی ایران در رابطه با فرزندان نامعلوم است زیرا گذشته و اکنون کودکان کشور از یک سو به فقر و تنگدستی دچار است و از سوی دیگر به زهر آموزشی و فکری آلوده است. تنها یک بنیهِ تاریخی و فرهنگی می‌تواند این کودکان را به آن آینده‌ی تبدیل کند که نشانی از گذشته و اکنون‌اش نداشته باشد.

آینده اقلیم کردستان عراق در گروی مذاکرات است

- این همه‌پرسی در حقیقت یک نظرسنجی بود که از نظر قانونی هیچ‌گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند
- نه تنها مسعود بارزانی بلکه آیت‌الله سیستانی و مقتدی صدر هم به درخواست‌های جمهوری اسلامی اعتنا نکردند
- اگر همه طرفین درگیر به مردم خود فکر می‌کنند، راهی جز مذاکره ندارند



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

گردهمایی زنان مدیر ایرانی در لندن



بنیاد زنان ایرانی - آمریکایی، پانزدهمین کنفرانس خود را ۲۳ سپتامبر در لندن برگزار کرد. این کنفرانس، که دومین نشست این بنیاد خارج از قاره آمریکا بود، با همکاری بنیاد پرشیا برگزار شد. کنفرانس چهاردهم در تورنتو در همکاری با «بنیاد ترکان» برگزار شده بود. موضوع کنفرانس لندن که چندین میزگرد را شامل می‌شد «الهام، قدرتمندی و ارتباط» بود. در صفحه ۲

نگاهی همراه با گفت‌گوبه اعتراضات علیه حسن روحانی در نیویورک

در صفحه ۱۶

در این شماره می‌خوانید:

- | | |
|---|---|
| <p>صفحات ۸ و ۹</p> <ul style="list-style-type: none"> ● «زن روز» و «مرد روز» <p>صفحه ۱۲</p> <ul style="list-style-type: none"> ● دوقرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۸) ● جنبش سبز به عنوان مخالف و جایگزین - داریوش همایون <p>صفحه ۱۳</p> <ul style="list-style-type: none"> ● سرگرمی - جدول - سودوکو <p>صفحه ۱۴</p> <ul style="list-style-type: none"> ● داستان دلدادگی و شکست عشقی شهریار (۳) ● آمدی جانم به قربانت، ولی حالا چرا... <p>صفحه ۱۵</p> <ul style="list-style-type: none"> ● گفتگو با بابک کلهر درباره‌ی «مرگ یک پادشاه» | <p>صفحه ۳</p> <ul style="list-style-type: none"> ● موانع سازمان ملل و اعضای آن در مبارزه با تروریسم <p>صفحه ۴</p> <ul style="list-style-type: none"> ● پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیران زن ایرانی در لندن برگزار شد <p>صفحه ۵</p> <ul style="list-style-type: none"> ● تقویم را در ماه شهریور چه رنگ است؟ - رضا مقصدی ● تک مضراب - آوازه <p>صفحه ۶</p> <ul style="list-style-type: none"> ● رضاشاه، مردی که چهره ایران را دگرگون ساخت (۴) ● آتش‌بهاختیارها چگونه دودمان پرسیولیس را به باد دادند |
|---|---|

پنجمین بازی‌های آسیایی وزنه‌برداری: مرادی رکورد جهان را شکست

تیم ملی کشتی فرنگی ایران قهرمان مسابقات عشق آباد شد

فدرر و نادال قهرمان دونفره تنیس پراگ

کتاب خاطرات شارا پووا:

وقتی وارد نیویورک شدم جانداشتم بخوابم

کدام فوتبالیست بهترین بازیکن سال می‌شود؟ نیمار، رونالدو یا مسی؟

گابات ۲۰۱۷ فاتزه رفسنجانی:

صیغه همان دوستی دختر و پسر است!

بن سلمان، نایب امام زمان و آیت‌الله‌ها را غافلگیر کرد: هم با حضور خانم‌ها در ورزشگاه و هم با صدور مجوز رانندگی!

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

آینده اقلیم کردستان عراق در گروی مذاکرات است

- این همه‌پرسی در حقیقت یک نظرسنجی بود که از نظر قانونی هیچ‌گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند
- نه تنها مسعود بارزانی بلکه آیت‌الله سیستانی و مقتدی صدر هم به درخواست‌های جمهوری اسلامی اعتنا نکردند
- اگر همه طرفین درگیر به مردم خود فکر می‌کنند، راهی جز مذاکره ندارند

اجرای بودن این همه‌پرسی است.

سفرهای ناکام مقامات جمهوری اسلامی

دفتر آیت‌الله سیستانی در پاسخ به پرسش کیهان لندن در این رابطه اعلام کرد: «تفاهلی نیافتاده است که ایشان موضعی بگیرند. کردهای عراق تمایلات خود را اعلام کردند و این حق هر انسانی است که نظرات خود را بیان کند. البته ایشان معتقدند که اقلیم کردستان عراق باید در چارچوب قانون اساسی عمل کند». جمهوری اسلامی ایران، چند هفته قبل از برگزاری این همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، محمود هاشمی شاهرودی را برای دیدار با آیت‌الله علی سیستانی راهی نجف کرده بود. هدف از دیدار با رهبر شیعیان عراق، که البته حاضر به ملاقات با محمود هاشمی شاهرودی نشد، گرفتن فتوایی علیه همه‌پرسی بود.

همزمان با سفر محمود هاشمی شاهرودی به بغداد و نجف، قاسم سلیمانی نیز به اربیل، سلیمانیه و کرکوک سفر کرده بود. این سفر نیز بی نتیجه ماند. فرمانده نیروهای قدس نه تنها نتوانست مسعود بارزانی را متقاعد به عدم برگزاری همه‌پرسی کند، بلکه نتوانست حتی همراهی احزاب کردی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران چون حزب «گوران» و یا «جماعت اسلامی» را به دست آورد. این دو حزب، ساعاتی قبل از باز شدن حوزه‌های رای‌گیری، در دو بیانیه جداگانه هواداران‌شان را دعوت به شرکت در همه‌پرسی و گفتن «آری» به استقلال کردستان کردند.

صداهای متفاوت در ایران

اگر در جمهوری اسلامی ایران مقامات رسمی سیاسی و نظامی از ادبیات تهدید نظامی و تحریم استفاده می‌کنند، برخی نیز این سیاست را به باد انتقاد گرفته‌اند. علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، معتقد است جمهوری اسلامی «باید از حساسیت خود بکاهد و از اعمال خشونت خودداری کند». داود هرمیداس باوند، دیپلمات سابق و استاد علوم سیاسی، شک ندارد که استقلال کردستان عراق «در درازمدت می‌تواند به نفع ایران باشد». بنابراین جمهوری اسلامی، به گفته این استاد دانشگاه، «باید به نوعی عمل کند که کردهای ایران را مرجع و پناهگاه خود بدانند».

صادق زیباکلام، یک استاد دیگر دانشگاه، نیز مخالف سیاست کنونی جمهوری اسلامی ایران در قبال همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق است.

بستن مرزها کرده است: «وقتی مرزها را بستیم و گرسنه شدند خواهند فهمید استقلال چیست». البته مرزهای ترکیه نیز هنوز باز هستند و محصولات این کشور چون گذشته راهی بازارهای اقلیم کردستان می‌شوند. نهاد زیبکچی، وزیر اقتصاد ترکیه در گفتگو با روزنامه حریت می‌گوید «این همه‌پرسی تأثیری بر روابط اقتصادی ما با اقلیم کردستان نخواهد داشت و این روابط مانند گذشته ادامه پیدا خواهند کرد». نهاد زیبکچی می‌افزاید: «منافع ملی ما حکم می‌کند که روابط اقتصادی با اقلیم کردستان را حفظ کنیم و تاکنون نیز در دولت هیچ‌گونه تصمیمی برای تغییر این روابط در دستور کار هم قرار نگرفته است». ترکیه در بازار اقلیم کردستان عراق با مبادلاتی برابر با دو نیم میلیارد دلار در سال، حرف اول را می‌زند. ماهیر نوای، سخنگوی «آک پارتی»، حزب رجب طیب اردوغان، نیز می‌گوید «ما با اقلیم کردستان همیشه روابط خوبی داشتیم و به همان شیوه ادامه خواهیم داد». یگیت بلوت، مشاور ارشد رجب طیب اردوغان نیز معتقد است «استقلال کردستان در نهایت به نفع ترکیه خواهد بود».

اقدام نظامی نامتعمد

کارشناسان امور منطقه اقدام نظامی ترکیه در اقلیم کردستان عراق را نیز نامتعمد می‌دانند. وضعیت در شمال عراق قابل مقایسه با سوریه نیست. ترکیه در شمال عراق، برخلاف سوریه، دارای متحدین بومی نیست و از حمایت روسیه نیز برخوردار نخواهد شد، چون روسیه به این همه‌پرسی با نظر موافق نگاه می‌کند. الکساندر نوآک، وزیر انرژی روسیه صحبت از «لزم دوام پروژه‌های نفتی با کردستان» می‌کند و معتقد است «ترکیه نیز نفعی در توقف صدور نفت از اقلیم ندارد».

علاوه بر این عوامل، نباید از نظر دور داشت که اقدام نظامی ترکیه علیه اقلیم کردستان عراق، با توجه به جمعیت بالای کردها در این کشور، می‌تواند بحرانی داخلی را دامن بزند. آمریکا، اروپا، روسیه و جهان عرب نیز اگرچه زمان برگزاری این همه‌پرسی را مناسب نمی‌دانستند ولی تأکید دارند که واکنش‌های دولت‌های بغداد، تهران و آنکارا نباید از مرز تهدید عبور کرده و به خشونت بیانجامد.

چشم‌انداز مذاکرات

فلاح مصطفی بکر، وزیر خارجه اقلیم کردستان عراق از کشورهای غربی خواست به آغاز روند گفتگو با دولت فدرال عراق برای یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز کمک کنند «زیرا ما نه اولین ملتی هستیم که خواهان استقلال است و نه آخرین خواهیم بود». یان کوبیس، نماینده ارشد سازمان ملل متحد در عراق، در خاتمه ملاقات با ابراهیم ال‌جعفری، وزیر خارجه دولت حیدر العبادی، گفت سازمان ملل آماده میانجیگری «برای حل مشکلات بین بغداد و اربیل است». هدر ناوورت،

گردهمایی زنان مدیر ایرانی در لندن

صدای زنان ایرانی در جهان

بنیاد زنان ایرانی - آمریکایی، پانزدهمین کنفرانس خود را ۲۳ سپتامبر در لندن برگزار کرد. این کنفرانس، که دومین نشست این بنیاد خارج از قاره آمریکا بود، با همکاری بنیاد پرشیا برگزار شد. کنفرانس چهاردهم در تورنتو در همکاری با «بنیاد ترکان» برگزار شده بود. موضوع کنفرانس لندن که چندین میزگرد را شامل می‌شد «للهام، قدرتمندی و ارتباط» بود.

کنفرانس یک روزه لندن، که بیش از ۳۰۰ نفر در آن شرکت کردند، با سخنرانی آریتا راجی، سفیر سابق آمریکا در سوئد آغاز شد. آریتا راجی اولین زن ایرانی تباری است که به عنوان سفیر آمریکا خدمت کرده است. آریتا راجی در سخنرانی‌اش



ندا نبوی و سیما کندی

خودمان را در اختیار نسل بعدی قرار دهیم، اگرچه مشکلات آنها متفاوت است». هدف دیگر این بنیاد همکاری با زنان مدیر و موفق در داخل کشور است.

در نشست پایانی کنفرانس لندن که با مدیریت شهرزاد اردلان برگزار شد، چهار زن جوان ایرانی (لیلی متحدان، رکیسی جهانشاهی، لیلی یارچانی و شیرین گرامی) که هر کدام با پشتکار در حرفه‌ی خود موفقیت‌هایی را به ثبت رسانده اند شرکت داشتند. شیرین گرامی اولین و تنها زن ایرانی است که در رقابت‌های جهانی تریالتون یا ورزش‌های سه‌گانه حضور دارد.

سنت و تابو

بعد از ظهر شنبه سه میزگرد دیگر نیز برگزار شدند. گفتگو درباره «هنرهای معاصر ایران» با مدیریت لیلی فخر و شرکت شرلی القابیان، دننا ناصر خدیوی، افسون و بیتا قزل‌ایاغ، برگزار شد. «مولفین و توان ادبیات» میزگرد دیگری بود که در آن نینا انصاری نویسنده «جواهرات الله: داستان ناگفته زنان ایرانی»، بحث‌های آن را با حضور رامیتا نوئی، زهره قهرمانی و اشلی دارتلن نویسنده آمریکایی-



دانش (مدیر اجرایی بنیاد پرشیا)، رکسانا زند و فی ارجمند شرکت کردند. خانم ارجمند در سال ۲۰۱۴ میلادی به عنوان یکی از زنان کارآفرین موفق در جنوب کالیفرنیا انتخاب شده بود.

نقش زنان در رسانه‌ها

مدیریت میزگرد «زنان در رسانه‌ها» با نازنین انصاری، مدیرعامل کیهان لندن بود. در این میزگرد پونه قدوسی از بی‌بی‌سی، فرح نییری همکار نیویورک تایمز، و مریم صالحی نایب رئیس گروه انتشاراتی «آن آر جی» حضور داشتند. «نقش زنان در میراث فرهنگی» یکی دیگر از میزگردهایی بود که قبل از ظهر برگزار شد.

در نشست همگانی‌ای که همزمان با صرف ناهار برگزار شد و تمامی شرکت‌کنندگان در آن حضور داشتند، انوشه انصاری اولین جهانگرد فضایی، نازی افتخاری، اوید لاریزاده و فاطمی نراقی در رابطه با «اهمیت جنسیت در فرهنگ مدیریتی» صحبت کردند. قبل از آغاز این میزگرد، مریم خسروانی، بنیانگذار بنیاد زنان ایرانی - آمریکایی صحبت کرد.



سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز از آمادگی این کشور برای «تسهیل مذاکرات بین دو طرف» می‌گوید. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تأکید دارد که با وجود مخالفت کشورش با برگزاری این همه‌پرسی، «روابط ما با کردها تغییر نخواهد کرد». دولت فرانسه نیز آمادگی خود را برای تسهیل مذاکرات بین مسعود بارزانی و حیدر العبادی اعلام کرده است.

یاد علوی، معاون ریاست جمهوری عراق که رهبری «وفاق ملی عراق» را عهده‌دار است، طرحی را برای بازگیری مذاکرات بین بغداد و اربیل تهیه کرده است. جزئیات این طرح، که مسعود بارزانی، رئیس حکومت اقلیم کردستان، پنجشنبه موافقت خود را با آن اعلام کرد، افشا نشده است. منابعی در بغداد می‌گویند این طرح برگزار یک همه‌پرسی برای استقلال کردستان با موافقت پارلمان بغداد را در بر می‌گیرد و در ازای آن کردستان مستقل متعهد می‌شود که با عراق کنفدراسیونی را تشکیل دهد. در صورتی که این گمانه‌زنی واقعیت داشته باشد، تا حدی نگرانی ایران و ترکیه نیز که از عواقب تأثیر استقلال کردستان بر کردهای این دو کشور واهمه دارند، برطرف خواهد شد.

احمد رأفت

همه‌پرسی در مورد جدایی اقلیم کردستان از عراق، با وجود مخالفت‌ها و هشدارها، برگزار شد. ۷۳ درصد از ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری که در سه استان تشکیل‌دهنده این اقلیم و مناطق کردنشین مورد مناقشه، واجد شرایط بودند رای خود را به صندوق انداختند. آرای موافق جدایی از عراق بر اساس آنچه اعلام شده، نزدیک به ۹۳ درصد است.

در برهه‌های همه‌پرسی، پرسش «آیا می‌خواهید منطقه کردستان و مناطق کردنشین خارج از اقلیم، کشوری مستقل شود» به چهار زبان کردی، عربی، ترکی و سورانی نوشته شده بود. در اقلیم کردستان عراق، و مناطق مورد مناقشه، تنها کردهای سنی، شیعه، ایزدی، یهودی، زرتشتی و مسیحی زندگی نمی‌کنند. بخشی از ساکنان این منطقه را عرب‌ها، ترکمن‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ارمنه نیز تشکیل می‌دهند.

بخشی از جمعیت این اقلیت‌ها، به ویژه ترکمن‌ها و آشوری‌ها، نگران حقوق خود در آینده هستند، و نمایندگان آنها در پارلمان اقلیم کردستان عراق مخالفت خود را با این همه‌پرسی اعلام کرده بودند. برخی دیگر، چون عرب‌های این منطقه که همگی سنی هستند، از این تصمیم اقلیم حمایت می‌کنند. دو روز بعد از برگزاری همه‌پرسی، شماری از رهبران قبایل و عشیره‌های عرب سنی، نه تنها به نمایندگی از ساکنان اقلیم و مناطق مورد مناقشه چون کرکوک و صلاح‌الدین، بلکه نینوا، انبار و حتی حومه بغداد، در اربیل جمع شدند و حمایت خود را از همه‌پرسی اعلام کردند.

حمایت عرب‌های سنی از همه‌پرسی

دلیل حمایت عرب‌های سنی از همه‌پرسی در اقلیم کردستان را باید در نارضایتی آنها از عملکرد دولت شیعی در بغداد یافت. دولت‌های شیعه‌ای که پس از سقوط رژیم صدام حسین در بغداد بر سر کار آمدند، نقشی برای عرب‌های سنی در این کشور قائل نیستند. پس از ورود داعش به صحنه سیاسی عراق و تشکیل حکومت اسلامی، در برخی از مناطق این کشور، چند میلیون عرب سنی مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. بیش از یک میلیون از این عرب‌های سنی به اقلیم کردستان پناه بردند و هنوز هم، اگرچه بخش عمده مناطق تحت اشغال حکومت اسلامی آزاد شده است، به شهرها و روستاهای خود باز نگشته‌اند.

دلیل عدم بازگشت این آوارگان جنگی، واهمه از حضور حشدالشعبی در مناطق آزاد شده است. این شبه‌نظامیان شیعی که به گفته رهبران‌شان از حمایت کامل نیروهای قدس و قاسم سلیمانی برخوردار هستند و او را فرمانده خود می‌دانند، بنا بر گزارش‌های رسانه‌های محلی و سازمان‌های بین‌المللی چون دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل سرگرم پاکسازی مناطق آزاد شده از عرب‌های سنی و متهم به جنایات بسیاری هستند.

همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، بحران جدیدی را در منطقه‌ی آشوب‌زده خاورمیانه رقم زده است. بحرانی که اگر مهار نشود، شاید جبهه جنگ دیگری را بگشاید. البته بسیاری معتقدند که فضای برالتهاب این روزها در هفته‌های آینده فروکش خواهد کرد. سخت‌ترین مواضع در رابطه با این همه‌پرسی را دولت‌های بغداد، تهران و آنکارا اتخاذ کرده‌اند.

همه‌پرسی بدون تعهد

در مورد این همه‌پرسی باید گفت که در حقیقت یک نظرسنجی بیشتر نبوده و نیست. این همه‌پرسی، چنانکه بارها و بارها مقامات اقلیم کردستان عراق، قبل و بعد از برگزاری آن اعلام کرده‌اند، از نظر قانونی هیچ‌گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند. اقلیم کردستان، به گفته نخبه‌وران بارزانی، رئیس دولت خودگران اربیل، بخشی از جمهوری فدرال عراق است و تا زمانی که که گفتگوها برای جدایی از این کشور با دولت بغداد به نتیجه نرسند، این چنین خواهد ماند. در نشست‌های مطبوعاتی روزهای بعد از همه‌پرسی مقامات کرد نیز همیشه پرچم عراق در کنار پرچم اقلیم دیده شده است.

یک حقوقدان عراقی، عرفان الشیبانی، به کیهان لندن می‌گوید «ادعای حیدر العبادی مبنی بر غیرقانونی بوده همه‌پرسی از نظر قانونی بی اساس است، زیرا سنسختن افکار نمی‌تواند غیرقانونی باشد. این ادعا در صورتی می‌توانست صحت داشته باشد که این همه‌پرسی با هدف اعلام جدایی بلافاصله پس از انجام آن صورت می‌گرفت». دلیلی هم که عالی‌ترین مرجع شیعیان عراق، آیت‌الله علی سیستانی، با وجود تقاضاهای مکرر مقامات جمهوری اسلامی ایران و برخی رهبران سیاسی عراق، سکوت کرد غیر

ایران در سوریه پالایشگاه نفت می سازد



● **ایران در کنار کمک مستشاری و نظامی به دولت سوریه، مسئولیت ساخت یک پالایشگاه نفت و بازسازی پالایشگاه‌های قدیمی در این کشور را نیز به عهده گرفته است.**

● **ظرفیت پالایشگاه جدید ۱۴۰ هزار بشکه در روز و خروجی آن LNG، بنزین، نفت کوره و گازوئیل و نفت سفید خواهد بود.**

بود و ساخت این پالایشگاه به صورت کنسرسیوم و با مشارکت ایران، ونزوئلا و سوریه انجام می‌شود. رئیس پردیس پژوهش و توسعه فناوری‌های پایین‌دستی پژوهشگاه صنعت نفت می‌گوید این پالایشگاه دارای ۹ واحد است که ۵ واحد آن تحت لیسانس و ۴ واحد با دانش فنی ایران راه‌اندازی می‌شود. به گفته مقامات وزارت نفت ایران زمان احداث این پالایشگاه بعد از جنگ و در دوران آرامش است و ۲ پالایشگاه دیگر این کشور نیاز به بازسازی دارد که آن نیز از سوی ایران صورت خواهد گرفت.

پژوهشگاه صنعت نفت نیز درباره جزئیات ساخت این پالایشگاه گفته است: «ظرفیت این پالایشگاه ۱۴۰ هزار بشکه در روز است که در فاز اول ظرفیت این پالایشگاه ۷۰ هزار بشکه در روز برنامه‌ریزی شده است.» به گفته این مسئول پژوهشگاه صنعت نفت، خوراک این پالایشگاه نفت خام و نفت سبک و سنگین است که از کشور سوریه تامین خواهد شد و محل احداث آن نیز در نزدیکی شهر حمص است. او همچنین افزوده است خروجی این پالایشگاه LNG، بنزین، نفت کوره و گازوئیل و نفت سفید خواهد

منصور بزمی معاون فناوری و امور بین‌الملل پژوهشگاه صنعت نفت از ساخت پالایشگاه نفت در سوریه توسط ایران خبر داد. منصور بزمی گفته است: «ما به کشور سوریه کمک مستشاری و نظامی می‌کنیم و با توجه به تخریب زیرساخت‌ها، این کشور نیاز به پالایشگاه دارد که برنامه ساخت آن به صورت تمام ایرانی طراحی و آماده احداث شده که با سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی اجرایی خواهد شد.» همچنین رئیس پردیس پژوهش و توسعه فناوری‌های پایین‌دستی

موانع سازمان ملل و اعضای آن در مبارزه با تروریسم



حقوق بین‌المللی به اجرا درآید. با رشد گروه‌های تروریستی غیر دولتی که فلسفه وجودی سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به مبارزه طلبیده‌اند، توانایی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم آزمون برای کارایی آن در آینده به شمار می‌رود. مبارزه با تروریسم به اولویت اصلی جامعه بین‌المللی تبدیل شده و به میزان بی‌سابقه‌ای از همکاری بین کشورهای عضو منجر شده است. این همکاری را می‌توان در گسترش نهادی و بوروکراتیک، در تصویب دهه‌ها قطعنامه در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، و راه‌بردها و چارچوب‌های مربوط به راهنمایی در زمینه مبارزه با تروریسم مشاهده کرد. این وضعیت به پیدایش مجموعه‌ای چند سر از نهادها و اداره‌های سازمان ملل با وظیفه‌های مربوط به مسائل ضد تروریستی منجر شده که در حقیقت به تحقق مقصود کمی نمی‌کنند. در عین حال، توجه برانگیز است که شمار کوچکی از کشورها از جمله روسیه، عربستان سعودی، مصر و متحدان آنها از طریق تامین مالی یا از طریق اشغال سمت‌های اصلی، رهبری نهادهای ضد تروریسم سازمان ملل را در اختیار گرفته‌اند. شماری از کشورها به نام مبارزه با «تروریسم» قانون‌های به شدت بی‌رحمانه‌ای را تصویب کرده‌اند که به سرکوب جامعه مدنی، تعقیب و آزار مخالفان سیاسی و فعالان حقوق بشر و ارتکاب جرائم جدی علیه مردم غیر نظامی منجر شده است. چنین وضعیتی، از سوی دیگر، می‌تواند به «افراطی‌گرایی خشونت‌بار» بیشتر دامن بزند و به اقدام‌های تروریستی بیشتری بیانجامد.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در گزارشی که به تازگی که منتشر شده است، نشان می‌دهد که چگونه دو پدیده‌ی اساسی مانع موثر بودن سازمان ملل و کشورهای عضو آن در مبارزه با تروریسم هستند. مانع نخست ساختار چند شاخه‌ای بوروکراتیکی است که بر اساس آن اختیارات نهادها گاهی به جای این که یکدیگر را تکمیل کنند، در هم تداخل دارند و این وضعیت در نهایت به تضعیف موثر بودن سازمان ملل و همکاری اساسی بین کشورها می‌انجامد. دوم، رهبری کنونی نهادهای اصلی ضد تروریسم در دست چند کشور عضو است که کارنامه‌ی حقوق بشر آنها به شدت تردیدبرانگیز است. این کشورها از موقعیت قدرتمند خود در این ساختار برای پیش بردن برنامه‌ی مشخص سیاسی خود که اغلب ویرانگر آزادی‌های مدنی است، در داخل و خارج استفاده می‌کنند. این پیامدها می‌تواند بسیار گسترده باشند و بر اساس یافته‌ها به نفرت پراکنی و روایت تروریست‌ها کمک کرده‌اند. فدراسیون گزارش خود را روز چهارشنبه ۲۷ سپتامبر به دبیرکل سازمان ملل آنتونیو گوترش ارائه خواهد کرد.

در شرایطی که هفتاد و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل آغاز می‌شود و معاون تازه‌ی دبیرکل در امور ضد تروریسم در سمت خود قرار می‌گیرد، فدراسیون گزارش تازه‌ای را منتشر و در آن نحوه‌ی سازمان‌دهی در سازمان ملل برای مبارزه با مصیبت تروریسم را در ۱۵ سال گذشته تحلیل می‌کند. این گزارش پیامدهای زیان‌بار و ضدسازنده‌ی اقدام‌ها و برنامه‌هایی را محکوم می‌کند که برای مردمانی تدوین شده که قرار است در این برنامه‌ها همکاری کنند و مورد محافظت قرار بگیرند.

پس از حمله‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تهدیدهای تروریستی با رشد و گسترش داعش و گسترش گروه‌های وابسته به القاعده در سراسر جهان با استفاده از تاکتیک‌های تازه برای انجام حمله‌های شان افزایش یافته است. جامعه بین‌المللی ناگزیر از تغییر مداوم در راه‌برد خود برای جلوگیری از درگیری‌ها و حل و فصل آنها بوده است. از چشم‌انداز حقوق بشری، بسیار ضروری است که این راه‌برد به منظور محافظت از حقوق بشر همگان موثر باشد و بر اساس

ایران، اسرائیل، حماس و حزب‌الله: جمهوری اسلامی چگونه دشمنان اسرائیل را دور هم جمع می‌کند



تعدادی از شبه‌نظامیان وابسته به گروه عزالدین قسام شاخه نظامی حماس

باعث شده آنها به گروه‌های رقیب مثل فتح نزدیک شوند و همچنین روابط با ایران را تقویت کنند و مذاکرات با مصر را ادامه دهند. در حال حاضر در تحریم اقتصادی اسرائیل و مصر است که ادعا می‌کنند می‌خواهند جلوی حماس را برای واردات اسلحه بگیرند. فشار اقتصادی از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس بر قطر، روی حماس نیز تاثیر زیادی گذاشته چون دوحه یکی از حامیان پر قدرت حماس بود. حماس از سال ۲۰۰۸ که در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا قرار گرفت سه جنگ علیه اسرائیل به راه انداخته است.

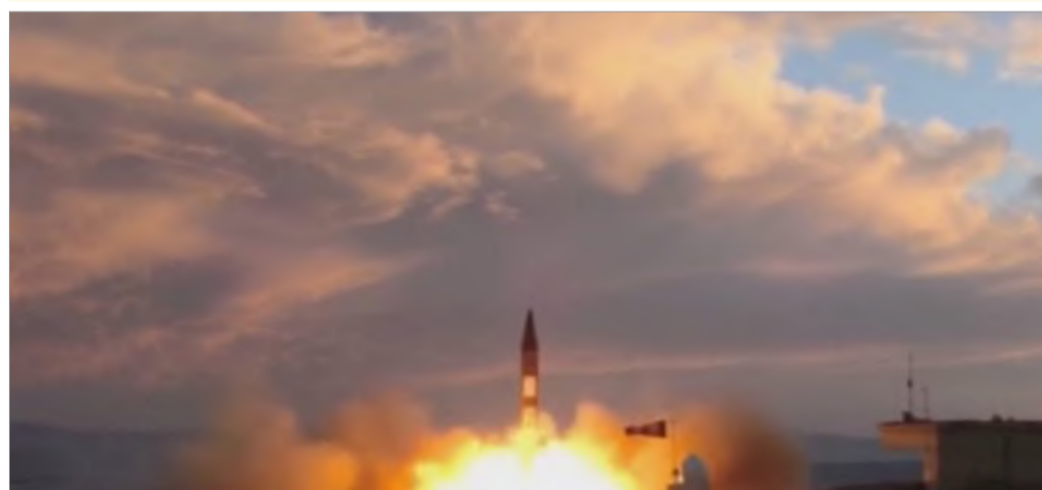
که در دمشق افتاد ایران پشتیبانی مالی خود را از حماس را قطع کرد. یک سیاستمداران لبنانی که رابطه نزدیکی با دولت سوریه دارد گفته مقام‌های رسمی حماس سه جلسه با حسن نصرالله رهبر حزب‌الله داشتند و روابط آنها پس از آن بهتر شد که مناسبات خود را با رژیم سوریه بهبود بخشیدند. این تلاش‌ها برای بازسازی و تقویت گروه حماس با رهبری یحیی سینوار صورت می‌گیرد. حمزه ابوشناب، کارشناس مسائل حماس به خبرگزاری فرانسه می‌گوید، «این تلاش‌ها به سینوار کمک می‌کند تا توانایی‌های حماس را افزایش دهد.» این خبرگزاری می‌نویسد بحران اقتصادی و انزوای روزافزون حماس

● **بحران مالی حماس رهبران این گروه را به رقبای خود نظیر سازمان فتح نزدیک کرده است.**

● **حکومت ایران تلاش می‌کند تا حزب‌الله، حماس و شبه‌نظامیان حامی اسد را زیر چتر خود داشته باشد.**

ایران می‌خواهد با آشتی دادن شبه‌نظامیان فلسطینی حماس با نیروهای مسلح حامی بشار اسد، نقش خود را در کشورهای خاورمیانه پررنگ‌تر کند، دو گروهی که بعد از جنگ داخلی سوریه از هم دور شدند. پایگاه خبری نیوزویک در گزارشی می‌نویسد، نیروهای حماس پایگاه قدرتمندی در سوریه در شهر دمشق داشتند که بسیاری از رهبران آن حتی بعد از قدرت گرفتن این گروه در نوار غزه در سال ۲۰۰۷، باز هم در دمشق ماندند. جنگ داخلی سوریه باعث شد روابط حماس، این گروه شبه‌نظامی سنی وابسته به اخوان المسلمین با رییس جمهور علوی سوریه خراب شود و حماس شبه‌نظامیانی را حمایت کند که قصد سرنگونی رژیم بشار اسد را داشتند. این سیاست باعث شد این گروه دفتر خود را از دمشق به قطر منتقل کند. بر اساس گزارش اسوشیتدپرس ایران یکی از مهم‌ترین پشتیبانان سوریه است که دمشق را از نظر اقتصادی و نظامی حمایت می‌کند و نیروهای حزب‌الله را برای پشتیبانی از اسد تقویت کرده، اما پس از اتفاقاتی

فاکس نیوز: خبر پرتاب موشک بالستیک «خرمشهر» جعلی است



ایران در استان مازندران رونمایی شد، تصاویری در رسانه‌های رسمی منتشر شده که نشان می‌دهد، موشک‌ها قلابی هستند. این موشک‌ها با سیم بکسل حرکت می‌کردند. نمایی از سیستم دفاعی اس ۳۰۰ قلابی و جنگنده‌های قاهر که هرگز پرواز نمی‌کنند و ماکت هواپیماهای بدون سرنشین بخشی از این دوز و کلک‌های مرسوم در سپاه است. پس از انتشار خبر آزمایش این موشک، سرتیپ امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی گفته بود موشک «خرمشهر» با بردی مؤثر و ویژگی‌هایی منحصر به فرد موشکی فوق‌العاده چابک است و تا لحظه انهدام هدف قابل هدایت است.

دولتی آمریکا گزارش داده آنچه در تلویزیون ایران به نمایش درآمده مربوط به آزمایش موشکی هفت ماه پیش ایران است که در ژانویه ۲۰۱۷ پرتاب شد و آزمایش آن موفق نبود و احتمالاً در آسمان منفجر شده است. جمعه ۳۱ شهریور ایران در مراسم رژه نیروهای مسلح که به مناسبت سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق برگزار شده بود از موشک خرمشهر رونمایی کرد و فردای آن روز بخش‌های مختلف خبری صدا و سیما از آزمایش موفق این موشک خبر دادند. سپاه سابقه‌ی پرتاب جعلی موشک دارد. ۱۶ مردادماه ساعتی پس از آنکه با حضور فرمانده نیروی هوافضای سپاه از نخستین روستای موشکی

● **مقام‌های آمریکایی می‌گویند موشک خرمشهر جعلی بوده. کاری که سپاه در آن سابقه دارد.**

مقام‌های آمریکایی می‌گویند پرتاب موشک اخیر توسط سپاه با نام «خرمشهر» جعلی است و هیچ مدرکی وجود ندارد که ایران دست به آزمایش چنین موشکی زده باشد، این در حالیست که دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا برای انجام این آزمایش موشکی به شدت به ایران حمله کرد. شبکه خبری فاکس نیوز از قول منابع

دارالترجمه بین‌المللی فریسی

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:
020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

تراموهای فرانسوی در بازار تهران: شهرداری آری، شورای شهر نه!



تراموهای فرانسوی در محدوده بازار تهران

● سفیر فرانسه در ایران می‌گوید برای راه‌اندازی تراموا در بازار تهران وام می‌دهد. ● شورای شهر تهران گفته که تراموا مصوبه این شورا نیست. ● فرانسه در پی گرفتن تأیید پروژه‌های دوران قالیباف از سوی شهرداری تهران است. ● احیای قنوات قدیمی، تبادل فرهنگی و همکاری در جهت کاهش آلودگی هوا از برنامه‌های دیگر فرانسه برای تهران.

سفیر فرانسه در ایران از آمادگی شرکت‌های فرانسوی برای احداث خطوط تراموا در محدوده بازار تهران خبر داد و گفت: دولت فرانسه آمادگی دارد تا در این زمینه یک وام خزانه‌داری به دولت ایران بدهد. شورای شهر تهران پیش اعلام کرده بود که راه‌اندازی تراموای تهران مصوبه این شورا نیست و شهرداری مجوز اجرای آن را ندارد. فرانسوا سنمو سفیر فرانسه در ایران، در اولین دیدار دیپلماتیک و رسمی خود با امین عارف‌نیا رئیس مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران، خواستار تداوم تفاهم‌نامه‌های مدیریت قبلی شهرداری تهران در ساختن تراموا، احیای قنوات قدیمی، تبادل فرهنگی و همکاری در جهت کاهش آلودگی هوا در تهران شد. او با توجه به انجام مطالعات اولیه توسعه قطارهای ریلی سبک شهری از سوی کشور فرانسه در منطقه ۱۲، خواستار مشارکت فرانسه در ساخت تراموا و LRT در منطقه ۱۲ شد.

سنمو از آمادگی شرکت‌های فرانسوی برای احداث خطوط تراموا در محدوده بازار تهران خبر داد و اعلام کرد دولت فرانسه آمادگی دارد تا در این زمینه یک وام خزانه‌داری به دولت ایران برای تأمین مالی اجرای این

پروژه ارائه کند. این در حالیست که اوایل شهریور ماه الهام فخاری در جلسه شورای شهر تهران گفته بود که ایجاد خط تراموا در تهران مصوبه شورای شهر را ندارد و بدون اجازه شورا شهرداری نمی‌تواند اقدامی در این زمینه داشته باشد. محسن هاشمی رفسنجانی رئیس شورای شهر تهران نیز در پاسخ گفته بود: «سخن شما درست است و ایجاد تراموا مصوبه شورای شهر را ندارد و درخواست می‌شود تذکرتان را مکتوب ارائه دهید تا به اطلاع معاون مربوطه برسانم.» سفیر فرانسه در ایران با انتقال پیام شهردار پاریس در خصوص افزایش همکاری‌های بین این دو شهر اعلام کرد در زمینه کیفیت هوا، همکاری‌های دوجانبه خوبی بین دولت ایران و فرانسه در جریان است و مسئولان فرانسوی به طور مداوم به ایران سفر می‌کنند و در زمینه اندازه‌گیری و کنترل آلودگی هوا فعالیت می‌کنند. نگاه ویژه فرانسوی‌ها به منطقه ۱۲ نکته قابل اهمیت در صحبت‌های سفیر فرانسه، تأکید بر اجرای تفاهم‌نامه‌های شهرداری تهران در منطقه تاریخی ۱۲ تهران، یادآور شد: «یکی از توافقات نام‌های پاریس با تهران در زمینه احیای قنوات و باغ‌شهرهای تهران است که در مرکز تهران به اجرا در می‌آید. تمایل داریم در این زمینه

پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیران زن ایرانی در لندن برگزار شد



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و با به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

موضوع پانزدهمین کنفرانس بنیاد زنان ایرانی - آمریکایی که در لندن در همکاری با بنیاد پرشیا برگزار شد، «الهام، توانمندی و ارتباط» بود. موضوع پانزدهمین کنفرانس بنیاد زنان ایرانی - آمریکایی که در لندن در همکاری با بنیاد پرشیا برگزار شد، «الهام، توانمندی و ارتباط» بود. در میزگرد پایانی این کنفرانس که برای اولین بار خارج از قاره آمریکا برگزار می‌شد، چهار زن جوان ایرانی که هر کدام در حرفه خود دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند حضور داشتند. در کنفرانس لندن، بنا بر تأکید برگزارکنندگان، حضور مردان بیش از کنفرانس‌های قبلی بود.

رییس پیشین اتاق اصناف زنجان به جرم «لواط» به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد



حاج‌نایبی در دفتر کارش

● حاج‌نایبی در سال ۱۳۹۴ با زور و وعده به یک جوان در منزل شخصی خود بارها تجاوز کرده. ● اتهام او «لواط» بوده، اما چون «دخول» ثابت نشده. ● قاضی حکم برائت داده است. ● اطلاعات سپاه پرونده او را به دست گرفته بود تا حکم سنگین صادر نشود. ● شاکي پسر است تنگ‌دست که دنبال کار می‌گشته.

حکم رییس پیشین اتاق اصناف زنجان که به اتهام «لواط» در زندان بود در شعبه اول دادگاه کیفری این شهر صادر شده است. رحیم حاج‌نایبی، رییس اتاق اصناف استان زنجان و رییس هیات امنای مسجد حسینیه این شهر اسفند سال ۱۳۹۵ به اتهام «تجاوز» به یک پسر جوان دستگیر شد. او از با نفوذترین سرمایه‌داران ایران است که اطلاعات سپاه پیگیر پرونده‌اش بوده و برای تخفیف در مجازات‌اش سفارش شده است. ماجرا به سال ۱۳۹۴ بازمی‌گردد.

به گفته‌ی شاکي به او «تجاوز» می‌کند. حاج‌نایبی، با سوء استفاده از تصاویر لخت و فیلم‌های پسر ماساژور بارها با او مرتکب «لواط» می‌شود و در عوض به او قول حل مشکلات خانوادگی‌اش را می‌دهد. حاج‌نایبی در دادگاه اتهامات را قبول نمی‌کند و مدعی می‌شود که این توطئه‌ی از پیش طراحی شده برای اخذی از اوست. در نهایت با دخالت دوستان و آشنایان حکومتی و به بهانه فقدان دلایل کافی برای اثبات جرم با استناد به ماده ۴ آیین دادرسی کیفری و «عدم اثبات دخول» حکم برائت متهم از جرم «لواط» صادر می‌شود.

با این حال قاسم کرمی، رییس دادگاه با توجه به شواهد و قرائن موجود اثرات سوء آن در سطح شهر زنجان و جریحه‌دار شدن احساسات مردم، که بی‌توجه به ملاحظات عمومی همچنان در سمت خود فعالیت داشته و موضوع را به کل منکر شده به اقامت اجباری به مدت دو سال در شهر دامغان محکوم کرده است. مشهورترین پرونده لواط مربوط به سعیدطوسی قاری بیت رهبری است که قوه قضاییه به واسطه ارتباط طوسی با بیت خامنه‌ای از رسیدگی به آن طفره می‌رود. مهر ماه سال ۱۳۸۶ محمود احمدی‌نژاد رییس جمهوری پیشین ایران در جریان یک سخنرانی در دانشگاه کلمبیا آمریکا در پاسخ

شستشوی مغزی «در مسیر خورشید»: نمایشگاهی که در آن کودکان و خانواده‌ها تمرین شهادت می‌کنند!



تمرین شهید شدن با اجرای زنده موسیقی

● دانشگاه افسری سپاه نمایشگاهی برگزار کرده که در آن کودکان و نوجوانان با لحظات شهادت خودشان آشنا شوند! ● خانواده‌های آنها در مسیر نمایشگاه از نزدیک با مراحل جنگیدن و مردن فرزندان‌شان همراهی می‌کنند. ● بچه‌ها تمرین می‌کنند چطور در شب‌های عملیات توسل و راز و نیاز کنند و مدافع حرم باشند. ● منظور از «در مسیر خورشید» قرار گرفتن کشته شدن یا به روایت مدیر اجرایی نمایشگاه شهادت است.

دانشگاه افسری و تربیت پاسداری «امام حسین» سپاه به مناسبت سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق (هفته دفاع مقدس) اقدام به برگزاری نمایشگاهی کرده که به گفته مسئول اجرایی آن حال و هوایی «خاص» و «ویژه» دارد. دکور این نمایشگاه که در بیابان‌های اطراف دانشگاه «امام حسین» تهران برپا شده بازسازی صحنه‌های جنگ ایران و عراق و همچنین جنگ کنونی سوریه است. مهرداد پاکر مسوول اجرایی نمایشگاه «در مسیر خورشید» است که می‌گوید بخش ویژه این نمایشگاه برنامه‌ای با عنوان «سنگرهای آسمانی» ویژه کودکان و نوجوانان است که بعد از ظهرها، یک ساعت قبل از آغاز می‌شود. در این برنامه کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۳ ساله لباس رزم می‌پوشند، سلاح تحویل می‌گیرند و به گفته مهرداد پاکر «با نقش آفرینی در مسیر رویت خورشید قرار می‌گیرند!»

او می‌گوید: «در برنامه سنگرهای آسمانی گوشه‌های از رشادت‌های شهدای نوجوانی همچون بهنام محمدی

و حسین فهمیده توسط کودکان و نوجوانان اجرا می‌شود و بعد کودکان در لحظات از حرم حضرت زینب نقش ایفا و مدافع حرم می‌شوند.» پاکر تأکید می‌کند: «بهترین صحنه در این مراسم لحظه خداحافظی کودکان و نوجوانان با مادران‌شان است تا هم مادران و هم فرزندان به یاد لحظه خداحافظی شهدا با مادران‌شان باشند و لحظه‌ای از دلهره‌های مادران شهدا و رزمندگان را درک کنند و بدانیم چه کسانی رفتند تا ما بمانیم.» در بخشی از این نمایشگاه کودکان و نوجوانان رزمنده در مسیر تعیین شده با نوحه و مدیحه‌سرایی وارد خاکریز می‌شوند، فرمانده نیروها را توجیه می‌کنند، رزمندگان سربندهای‌شان را می‌بندند و مانند شب‌های عملیات باید به اتمه توسل کنند و بروند که شهید بشوند! مدیر اجرایی این نمایشگاه می‌گوید: «مردم همراه رزمنده‌ها حرکت می‌کنند و می‌بینند که این نوجوانان چطور از موانع، پل‌های شناور، تونل و کانال‌ها عبور می‌کنند و با تیراندازی و انفجارهایی که انجام می‌شود گوشه‌هایی از دلهره‌ها، توسل‌ها، مناجات‌ها و حماسه‌های شب‌های عملیات به نمایش در می‌آید.»



این بریده روزنامه‌ها مربوط به کیهان، اطلاعات و روزنامه جمهوری اسلامی است که خبر اعدام متهمین به لواط را منتشر کردند. بعضی تیرباران شدند، بعضی از بلندی پرتاب شدند و بعضی با طناب دار اعدام شدند و گروهی هم به شلاق محکوم گردیدند

شاکي او یک پسر جوان بوده که از حاج‌نایبی تقاضای کار و کمک مالی کرده بود و او در چند مرحله به این جوان کمک می‌کند. شاکي به فون ماساژدرمانی آشنایی داشته و متهم از او می‌خواهد که در منزل او را ماساژ دهد، که به زور و وعده کار و موقعیت خوب لباس‌های شاکي را از تن در می‌آورد و از جمله پیامک‌های ارسالی و تصاویر، حاج‌نایبی را به اتهام سوء استفاده جنسی و «همجنس‌گرایی» به استناد ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری به تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش و با ملاحظه نحوه دفاعیات متهم، آثار اجتماعی اتهام و به سوازی در مورد تزییع حقوق «همجنس‌گرایی» مدعی شده بود «در ایران همجنس‌باز نداریم.» سید محمد خاتمی رییس دولت اصلاحات نیز موافق مجازات اعدام برای همجنس‌گرایان بود و پرسش درباره آن را حتی از سوی خبرنگاران خارجی خارج از ادب و نزاکت می‌دانست!

تقویم را در ماه شهریور چه رنگ است؟



ناصر اخوان و طیبه دهباشی در شب عروسی شان

نه...
باور نمی‌کنم
این شعله‌ی شکفته‌ی زیبا را
در دست‌های مرگ...

رضا مقصدی - از پس این همه سال، ناصر اخوان، هنوز با من است. حتا پاره‌ای از خواب‌های خونین‌ام را چهره‌ی جوانانه و جانانه‌ی او رقم می‌زند.

در سال ۵۳ در زندان قصر، در گام زندان‌های عصرانه، معنای گسترده‌ی این شعر شاملو را برای نخستین بار از زبان او دریافتیم. در آنجا بود دانستم تا چه مایه، معنا در این شعر، منزل کرده است.

«بی آنکه دیده بیند

در باغ

احساس می‌توان کرد

در طرح پیچ پیچ مخالف‌سرای باد
یاس موقرانه‌ی برگ‌ی که
بی شتاب
بر خاک می‌نشیند».

او را با ادبیات، شعر و تصویر در سینما، پیوندی پیوسته و پویا بود و در راستای آرزوهای سربلند انسانی، جانی شیفته و فرهیخته داشت.

اینجا و اکنون، در این غربت غریب غرب، «بی آنکه دیده بیند»، جسم و جان خونچکان او را در قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷،

«احساس می‌توان کرد»
چنین احساسی، از سال‌ها پیش در خواب و بیداری من، تا هنوز ورق می‌خورد و فریاد و یاد معطرش را در خاطرات تیرباران شده و چکامه‌های چاک چاک‌ام، همواره زنده نگه‌می‌دارد.

تقویم را در ماه شهریور چه رنگ است؟

در ماه شهریور ترا از من ربودند.
بیدادها ز زیبایی فصل ترا باز
تا زردهای سرد هر پاییز بردند.
من ماندم و آوازهای پاره پاره
من ماندم و افسوس سنگین ستاره.
من ماندم و نمناکی چشمان آن خاک.
با هر چه غمناک.

بی‌برگ.
یک سوی من، آواز غمگین
سیاه پوشان خاموش.
آنسوی تر، یک باغ تپیا خورده‌ی
تلخ.
اینسوی تر، مرگ.
آواز را آهسته و پیوسته
می‌خواند -
آن باغبان باغ افسوس.

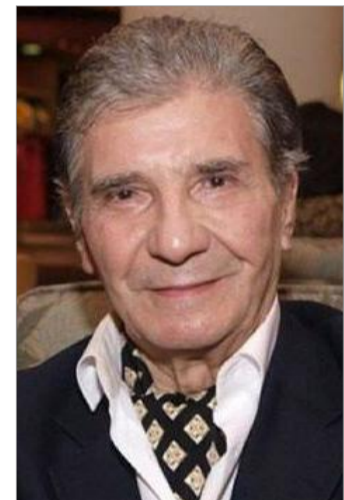
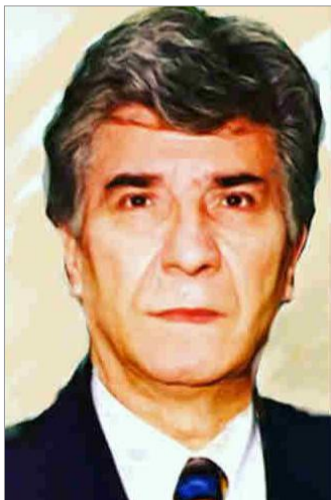
اما چه باید گفت با آن دل که یک‌شب
با آرزومندان باران خواند و جان داد.
یعنی غم شهریور شیون سُر را
بر آسمان بیخ زده، بر ما نشان داد.

تقویم را در ماه شهریور چه رنگ
است؟

آبی؟ شرابی؟ زرد؟ یا سرخ؟
یا رنگ ناپیدی مرگ است.

یک سوی من، اشک انارستان

نادر گلچین خواننده موسیقی ملی ایران در گذشت



● خرم آن نغمه که مردم
بسپارند به یاد.
● گلچین با تصنیف‌های
«من دیگه بچه نمیشم» و
«آمد نوبهار» شهرت داشت.

استاد نادر گلچین خواننده موسیقی ملی و پاپ سنتی قبل از انقلاب و خواننده ترانه‌های ماندگاری چون «آمد نو بهار» در سن ۸۱ در تهران درگذشت.

نادر گلچین از خوانندگان آواز ملی و پاپ سنتی و از پیشکسوتان فرهنگ و هنر و رادیوی قبل از انقلاب، امروز جمعه ۳۱ شهریورماه پس از تحمل ۱۰ سال بیماری سرطان درگذشت. از این خواننده تنها یک آلبوم موسیقی «گریز» با آهنگسازی فریدون شهبازی پس از گذشت ۳۵ سال از انقلاب منتشر شد.

گلچین در مصاحبه‌ای با اشاره به ممنوعیت فعالیت‌اش پس از انقلاب

وقتی چنین کارهایی به من پیشنهاد می‌شد آنها را نمی‌پذیرفتم. از طرف دیگر مسئولانی که در رأس کار قرار گرفتند - چون شناخت دقیقی از موسیقی نداشتند - هنرمندان زیادی را ممنوع‌الکار کردند، در این بین من هم مورد بی‌مهری‌های این‌چنینی



نادر گلچین و علی تجویدی

قرار گرفتیم»
وی خود را خواننده ملی و نه سنتی ایرانی می‌دانست و همواره بر این نکته تاکید داشت.

گلچین متولد ۱۶ آذر سال ۱۳۱۵ رشت بود و برای سال‌های متمادی خواننده شماره یک ارکستر گیلان بود. او پس از آمدن به تهران در سال ۱۳۳۹ با اداره هنرهای زیبا و وزارت فرهنگ و هنر همکاری می‌کرد. گلچین همچنین از سال ۱۳۵۰ تا

گلچین در برنامه‌های مختلف رادیو، به ویژه برنامه «گلها» فعالیت چشمگیری داشت و با هنرمندانی چون فرامرز پایور، منصور صارمی، پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، علی‌اصغر بهاری، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، فضل‌اله توکل، جهانگیر ملک، امیرناصر افتتاح، محمد اسماعیلی، آبتین اجاللی و منصور نریمان همکاری کرد.

از کارهای او که بسیار مورد استقبال شنوندگانش واقع شد، اجرای آهنگ «آمد نوبهار» اثر مهدی خالقی بود که به رهبری فرهاد فخرالدینی بازسازی و با گروه کر رادیو اجرا شد.

نادر گلچین بر اساس قراردادهای فرهنگی - هنری بین ایران و دیگر کشورها، همراه با ارکستر فرامرز پایور، به الجزایر رفت و موسیقی سنتی ایران را به هنردوستان آن کشور معرفی نمود. از دیگر کارهای برجسته این هنرمند، کنسرتی بود که به نفع زلزله‌زدگان بوشین‌زهر، همراه با ارکستر عماد رام برگزار کرد.

نادر گلچین در طول فعالیت‌های هنری خود، متجاوز از ۳۰۰ آواز و آهنگ اجرا کرد اما پس از انقلاب پس از ۳۵ سال کناره‌گیری تنها یک آلبوم به نام «گریز» که کار مشترک با فریدون شهبازیان است را منتشر کرد.

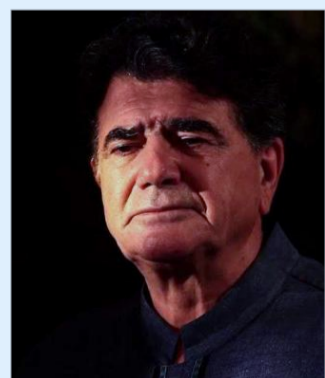
سعدی و سنفونی قالی!

انقلاب اسلامی که به ظهور پیوست هنرمندان ایرانی به ویژه موسیقیدانان در جستجوی راه‌گزینی از محدودیت‌ها به مشورت با یکدیگر پرداختند. از همان نخست اختلاف نظر مشهود بود. گروهی فکر می‌کردند که این نیز خواهد گذشت و به زودی اوضاع به روال عادی باز خواهد گشت به همین جهت معتقد بودند که در برابر هیجانات انقلابی صبور باید بود و در طی زمانی کوتاه موسیقیدانان ما نیز به کار خود باز خواهند گشت.

عده‌ای از موسیقیدانان برعکس معتقد بودند که باید مقاومت کرد و نیروی خود را در یک سندیکای حرفه‌ای متمرکز ساخت و علیه محدودیت‌ها شورید. آهنگساز ساده‌دلی چون علی تجویدی پیشنهاد می‌کرد که از میان خودشان نمایندگانی انتخاب کنند و برای مذاکره با اعوان و انصار خمینی آماده شوند. سعدی حسینی مفسر موسیقی و سرپرست تالار رودکی از وزیر فرهنگ وقت، آقای حسن حبیبی، قرار دیدار گرفت و خوش‌بین بود که چون حبیبی را از دوره تحصیل در پاریس می‌شناسد و رفاقتی بین‌شان جاری است حتما مراعات حال تالار رودکی را خواهد کرد و با شرط و شروطی هم که شده اجازه برنامه‌های تالار رودکی را صادر خواهد کرد. دیدار و گفتگو با حبیبی فردای آن روز نتیجه داد؛ نتیجه‌ی منفی. حبیبی با نهایت وقاحت گفته بود دوستی من و شما آقای حسینی در پاریس هیچ ربطی به انقلاب اسلامی ندارد. ما مسلمانیم و از قواعد اسلامی تبعیت می‌کنیم. من حالا وزیر فرهنگ دولت اسلامی هستم و رفتار و گفتارم با دوره پاریس فرق می‌کند. حالشما می‌توانید حال و وضع حسینی را با شنیدن این جملات حدس بزنید. سرخورده و پریشان به دفتر خود در تالار آمد و کیف و مدارک‌اش را برداشت و برای همیشه با تالار رودکی وداع کرد. و دیدیم که چه بر سر تالار رودکی آمد. جای هنرمندان طراز اول را ملایان گرفتند و به جای موسیقی اصیل و میهنی مراسم مذهبی برپا کردند.

جامعه موسیقی ایران همیشه از حضور کسانی که آینده‌نگر باشند و جامعه شناسی موسیقی را بشناسند خالی بوده‌است. در رشته موزیکولوژی نیز به زحمت می‌توان در آثار باقی مانده اشارات قرص و محکمی پیدا کرد. سعدی حسینی که از یاد کردیم

در فراز و فرود آوازها

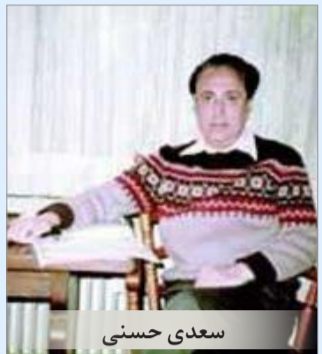


حوزه موسیقی سنتی در ایران پس از مشروطیت فراز و فرودهایی داشته است. اهمیت این فراز و فرودها از آنجاست که صدای خواننده نقشی بسزا در تغییرات موسیقایی ایجاد کرده‌است. آنچه موسیقی دوره قاجار می‌نامیم و تا دهه اول پس از دوره پهلوی ادامه داشته است، برخاسته از همان گوشه‌های برگزیده خاندان هنر بود و تغییر عمده‌ای در آن به وجود نیامد. آوازخوان برجسته کسی بود که طابق النعل بالنعل خواننده‌های استاد را تکرار می‌کرد.

از اوایل دهه نخست قرن جاری با حضور علینقی وزیری و شاگردان او دگرگونی شگرفی در آوازخوانی ایران به وجود آمد. اگرچه وزیری و دیگران در مکتب همان استادان ردیف سنتی را فرامی‌گرفتند در عین حال رگه‌هایی از نوآوری نیز کم و بیش در کارشان ظاهر می‌شد. در دوره وزیری تعداد خوانندگان موسیقی سنتی افزایش یافت. نخست عبدالعلی وزیری خوشاوند علینقی خان وارد میدان شد و نوآوری در آوازخوانی را

آوازها

آنرا مشابه با فرم سونات و سنفونی تشخیص می‌دهد. وقتی هنر قالی‌بافی که اصیل‌ترین هنر ایرانی است چنین ساختاری دارد چرا موسیقی ایرانی آن را نداشته باشد. در قالی‌ها معمولا یک نقش بزرگ در وسط و دو نقش کوچک متقارن در بالا و پایین است



سعدی حسینی

و در اطراف قالی نیز حاشیه‌هایی ریز می‌آید. سعدی حسینی حاشیه‌ها را به مقدمه سنفونی تشبیه می‌کند که چند ضربه و آکورد را در خود دارد. نقش وسط قالی، تم اصلی سنفونی است که تا آنجا که می‌تواند بسط پیدا می‌کند و بعد به دو بخش متقارن منتهی می‌شود که با برگشت تم اصلی در سنفونی برابر است.

نقش‌های ریز و درشت بین اینها نیز نقش پاساژهای معمول در سنفونی نویسی را ایفا می‌کنند. تفاوتی که او میان فرم قالی و سنفونی می‌بیند در تناوب تم‌ها است. به همین جهت اگر کسی یک سنفونی را کاملا از روی طرح قالی تصنیف کند شخصیت تازه‌ای در موسیقی به وجود خواهد آورد. به ویژه اگر معادل رنگ‌آمیزی‌های قالی، سنفونی نیز از سازآرایی‌های رنگینی برخوردار شود. با این کار اصالت هنر ایران نیز کاملا محفوظ می‌ماند.

سعدی در مورد موسیقی و آهنگسازان ایرانی نیز نظر ویژه‌ای داشت. او معتقد بود که موسیقی محلی ایران سازگارترین محتوا را برای جامعه ایران می‌سازد. تنها برای سازآرایی باید هارمونی ویژه موسیقی ایران را کشف کرد. بعد از آهنگسازانی چون امین‌الله حسین، هوشنگ استاد، مرضی حنانه و تمین یاغچه‌بان یاد می‌کند که فعالانه در یافتن راه حل برای آینده موسیقی ایران کوشا بوده‌اند. سعدی حسینی همان‌طور که اشاره کردیم به مرگ دردانگیزی از دنیا رفت. او گرفتار بیماری شد که به زبان عامه با شدن ماهیچه‌ها نامیده می‌شود. حسینی برای مداوا به برلین رفت ولی در همان مقر زندگی دانشجویی خود درگذشت.

بعدها شاگردان خود او دنبال کار را پیگیرانه گرفتند و به ویژه با آفرینش تصنیف‌های نوآورانه حوزه آوازخوانی سنتی را به کلی دگرگون کردند. ولی هیچ‌گاه از اهمیت ردیف سنتی غافل نشدند. این شاخه قدیمی از موسیقی ایران هیچ‌گاه بی یار و پاور نمانده است و همیشه، اگرچه کند و ملایم به سوی نوآوری رفته است. نگرانی برخی از اصولگرایان سنتی که روش‌های جدید به اصالت سنت‌های موسیقی لطمه می‌رساند، هیچ‌گاه درست از آب در نیامد و زمین از حجت خالی نماند. تقارن دو سالروز تولد محمدرضا شجریان و عبدالوهاب شهیدی و از سوی دیگر درگذشت نادر گلچین این نکته را به یاد ما آورد که هر کس که می‌رود جایش خالی نمی‌ماند و چرخه هنری در مدار همیشگی خود می‌چرخد.

در همگامی با مردم

در مورد شجریان بیش از آنکه تصور شود، مطلب نوشته و گفته شده است. شاید او به شناخته‌شده‌ترین هنرمند ایرانی در قرن ما حتی در برون‌مرز تبدیل شده است. از اینها گذشته شجریان به زیور دیگری نیز آراسته است. زیوری که خوانندگان دیگر از آن بهره زیادی نبرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۵

بود هر دو با هوش و خستگی ناپذیر بودند. پشتکار و جدیت در کارها در خون هر دو عجین شده بود هر دو قضایا را جلوتر از زمان می‌دیدند اما جهات افتراق آنها بیشتر بود. رضاشاه بغایت خسیس و صرفه‌جو بود ولی در عوض تیمورتاش بذال، ولخرج و در بعضی مواقع متلف. در زندگی تیمورتاش، زن، مشروب الکلی و قمار نقش اساسی داشت بعکس شاه از هر سه بیزار بود. تیمور رفیق‌باز و در مورد دوستان پاک‌باختگی داشت در حالی که رضاخان دوستان را فقط پلکان ترقی خود می‌دانست و در این مورد هیچگونه عاطفه‌ای نداشت شاید از همان ماه‌های اول سلطنت رضاشاه تشخیص داد که بعضی از صفات تیمورتاش مورد پسند و رضایت او نیست ولی در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسید که فعلاً "وجود او در کنارش لازم و ضروری است مخصوصاً" قاطعیت در کارها که فقط از تربیت نظامی سرچشمه می‌گیرد فوق‌العاده مورد رضایت شاه بود. مذاخله دادن تیمورتاش در تمام کارها موجب شد غرور عجیبی در او به وجود آید و گاهی این غرور در انظار مردم نسبت به شاه اعمال می‌شد» (برگ ۲۳۳، تیمورتاش).

رضاشاه نیز چون همه انسان‌ها جنبه‌های مثبت و منفی داشته است ولی همه چیز نشان از تدبیر، تیزبینی، هوش، لیاقت و دلبری او داشته است و بی‌سبب او از سربازی ساده به سرداری سپه نمی‌رسد و این خلاف آن دیدگاه‌هایی را نشان می‌دهد که یک بند بر بی‌سوادی رضاشاه تاکید می‌کنند بی آن که توجه کنند که او مردی آبا دیده، رزم‌دیده و سرد و گرم چشیده در کوران رخدادها بود که فراوان روشنفکران درس خوانده، در کار و برنامه‌ریزی و سماجت در اجرای آنها به گردش هم نمی‌رسیدند. بی سبب نیست که ماکسیم گورکی نویسنده پرآوازه روسی که هرگز در دانشگاهی درس نخواند، میدان کار و کوشش و رنج‌هایش در دوران کودکی و جوانی خود را که با فقر، کارهای سخت و مشقت‌بار گذرانده «دانشکده‌های» خود می‌نامد.

رضاشاه نیز مردی ساخته‌ی «دانشکده‌های» خود بود که با هر انتقادی نیز که بر او داشته باشیم، خدمت‌های ارزنده‌ای به ایران نمود.

وضع ایران پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه

پیش از این شمه‌ای درباره وضع ایران پیش از رسیدن رضاشاه به قدرت بیان شد. اگر تلویزیون «من و تو» یک کار خوب انجام داده باشد، آن می‌تواند فیلمی باشد که درباره رضاشاه تهیه نموده است که تا اندازه فراوانی منصفانه است گرچه همه رویدادها را نمی‌توانسته در بر داشته باشد. دیدن این فیلم جالب، بخش زیادی از هدف این نوشته را برآورده می‌کند. بنا بر این اگر خوانندگان گرمی این فیلم را ببینند، از دیدن من خود تصویر کوتاهی از دوران قاجار، وضع کار و پوشش مردم، فقر، بیماری، درهرم ریختگی و از هم گسیختگی و به شکل کلی وضع نابسامان زندگی مردم را خواهند دید که خود بسیار گویاست و نیازی به تفسیر بیشتر ندارد.

همان گونه که در آغاز این نوشته اشاره شد، رضاشاه دمکرات نبود و هم به سبب دیسیپلین نظامی که با آن رشد کرده و بزرگ شده بود، هم به سبب بی اعتمادی به اهل سیاست و وابستگی‌هایی که بین آنان به بیگانگان دیده بود و هم خیل چاپلوسان و دست‌بوسان نگاهی پر شک و تردید به پیرامون خود داشته و در اجرای کارها خشونت نیز به کار برده است و برای حفظ پادشاهی خود نیز شماری از همراهان خود را قربانی نموده و اندک، اندک بر همه چیز از دولت و مجلس گرفته تا نشریه‌ها و اهل قلم و اندیشه زمانه تسلط یافته است، ولی او فرزند زمانه‌ی خود نیز بوده است و در آن سوی دیگر کار و کوشش و زندگی، کارهایی بزرگ و ماندگار برای برون‌رفت ایران از درهرم‌پاشیدگی، سستی، ناامنی، فقر، بی‌سوادی و پس‌افتادگی از دنیای متمدن آن روزگار و تسلط بیگانگانی چون انگلستان و روسیه بر ایران، انجام داده و به‌حق مردی است که چهره‌ایران را دگرگون نموده است!

پایان

رضاشاه، مردی که چهره‌ایران را دگرگون ساخت (۴)

شوروی می‌گذراند) بدون اینکه آگاه باشد که مأموران انگلیس گزارش این ملاقات خصوصی را به رضاشاه رسانده‌اند. بخوانیم نوشته دکتر قاسم غنی در این باره را که در کتاب «تیمورتاش» آمده:

«رضاشاه مرد پخته، متحمل، مدبر و دوراندیش عجیبی بود [قابل توجه مسعود بهنود] شنیدم در طی صحبت‌های او از روسیه بطور خیلی ساده و با ظواهر استعلام و استطلاع از تیمور می‌پرسد که قشون و قوای روسیه چطور است و جواب‌هایی می‌دهد خیلی ساده می‌گوید وزیر جنگ آنها کیست، می‌گوید ورشلیف، از خصوصیات او می‌پرسد که قشون و قوای روسیه چطور است و جواب‌هایی می‌دهد خیلی ساده می‌پرسد به تفصیل او را دیده‌ای تیمور عرض می‌کند بلی در مجالس پذیرایی که سایر وزراء بودند او را دیده و هم‌سخن شده است در حالی که رضاشاه به وسیله همان عمال بریتانیایی خبر داشت که تیمور با ورشلیف به طور خصوصی هم ملاقات کرده است... (پاراگراف آخر برگ ۲۶۸ و سطر نخست ۲۶۹، تیمورتاش).

همه این موردها دست به دست هم می‌دهد و تصویری چون یک خائن به اعتماد و دوستی و زد و بند با بیگانگان علیه او در ذهن رضاشاه ایجاد می‌کند. علی‌دستی که با تیمورتاش دوستی داشته، در نوشته‌ای که در همین کتاب آمده نقل می‌کند که در دیداری که پس از بازداشت تیمورتاش با رضاشاه داشته و می‌خواسته به گونه‌ای سخن را به تیمورتاش بکشاند تا شاید راه چاره‌ای به جوید، شاه را در باره او بسیار خشمناک می‌بیند؛ وی



تیمورتاش، فروغی، رضاشاه

می‌نویسد: «... با لهجه‌ای که نهایت خشم ایشان را نشان می‌داد سخن گفت. عین این عبارت هنوز در ذهنم نقش بسته است که «از اول خلقت، چنین آدم خائنی وجود نداشته است. دستور دادم او را توقیف کنند...» (برگ ۳۶۹، تیمورتاش). و چنین است که عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه از آذرماه ۱۳۰۴، در روز سوم دی‌ماه ۱۳۱۱، پس از هفت سال از کار بر کنار شده، نخست در خانه خود زیر نظر پلیس قرار گرفته و در ۲۹ بهمن ماه همان سال به زندان برده می‌شود و پس از دو محاکمه «سرانجام در ۹ مهرماه ۱۳۱۲ در زندان قصر او را از بین می‌برند» (همان، برگ ۳۳۱).

با مقایسه خصوصیات رضاشاه و تیمورتاش، این بخش از نوشته را به پایان می‌برم: «... رضاشاه و تیمورتاش هم جهات اشتراک داشتند و هم جهات افتراق. هر دو نظامی بودند و تابع دیسیپلین و انضباط شدید، نهایت تیمورتاش در عالیترین مدرسه نظامی روسیه تعلیمات علمی و عملی دیده بود ولی رضا خان تحت نظر صاحب‌منصبان روسی در قزاقخانه‌های تهران تربیت یافته



سراسری و... در ایران به توافقی‌هایی می‌رسد. انگلیسی‌ها که از سرسختی او و توجه شاه به او آگاه هستند، تصمیم به نابودی او می‌گیرند و این برنامه را در همان روزها که او لندن بود به اجرا در می‌آورند:

«دستگاه‌های اطلاعاتی انگلستان نخست در صدد ایجاد اختلاف بین شاه و تیمورتاش بر آمدند یعنی می‌بایستی موجباتی فراهم سازند که رضاشاه به شدت با آن مخالف بود (که خواهد آمد)؛

۳ - وجود بدگویان و دیگرانی که چشم دیدن مقام و موقعیت او را نداشتند و از او نزد رضاشاه بدگویی می‌کردند؛

۴ - توطئه‌ی به ویژه انگلستان در سفر آخر تیمورتاش به اروپا با

آن پرداخت در هر اداره‌ای بدون اشکال هزار عیب و نقص دید و ایراد گرفت تا بالاخره فریاد کرد «این وزیر بی‌عرضه لیاقت اداره اینجا را ندارد از قول من به او بگویید دیگر نیاید...» (برگ ۲۵۳، تیمورتاش).

۲ - گزارش‌های شب‌زنده‌داری‌ها، قماربازی‌ها، خوشگذرانی‌ها و سودجویی‌های حتا مالی تیمورتاش که رضاشاه به شدت با آن مخالف بود (که خواهد آمد)؛

۳ - وجود بدگویان و دیگرانی که چشم دیدن مقام و موقعیت او را نداشتند و از او نزد رضاشاه بدگویی می‌کردند؛

۴ - توطئه‌ی به ویژه انگلستان در سفر آخر تیمورتاش به اروپا با

سوم ۱۳۷۷).

در همین نوشته چند نکته مهم آمده

توسط او رتق و فتق می‌شد. سمت او در حقیقت قائم مقامی شاه بود در حالی که در پشت پرده معلمی شاه را نیز بر عهده گرفته بود... تیمورتاش از به دست آوردن آن همه قدرت مغرور شد و تدریجاً عوارض غرور دامن او را گرفت و دشمن‌هایی در گوشه و کنار برایش فراهم شد نقطه‌چین‌ها از من است و برای کوتاه شدن مطلب، جمله‌هایی نیامد.

ولخرجی‌های او از بودجه دربار از یک طرف و اخذ وام‌های متعدد از بانک ملی و بانک پهلوی و بعضی از تجار از طرف دیگر در روحیه شاه اثر نامطلوب گذاشت. خوشگذرانی‌های مداوم و قمارهای کلان و استعمال مواد الکلی و افیون نیز مزید بر علت شد. مجالست با اشخاص ناباب نیز تا حدی شاه را از او دور کرد. عدم توفیق وی در مسئله نفت در آخرین سفرش به اروپا در سال ۱۳۱۰ و مطالب روزنامه‌های اروپایی در باره او و اشاره به لیاقت و درایتش فاصله او را با شاه بیشتر کرد و سرانجام شاه به این استنباط رسید که تیمورتاش ممکن است پس از مرگ او سلطنت را به ولیعهد نسپارد. تحریکات آیرم رئیس شهربانی و سعایت‌های تقی‌زاده و فروغی موجب گردید شاه تصمیم بگیرد او را از صحنه روزگار محو کند و سرانجام کرد آنچه را که تصمیم گرفته بود. تیمورتاش برکنار شد، محاکمه‌اش کردند، محکومیت‌های جزایی و حقوقی سنگین پیدا کرد و بالاخره در زندان از بین رفت و طومار زندگیش پایان یافت» (برگ ۷، تیمورتاش، دکتر باقر عاقلی، چاپ سوم ۱۳۷۷).

در همین نوشته چند نکته مهم آمده

تیمورتاش پس از شش سال زندگی در میان لایه اجتماعی بلندپایگان روسی و آشنایی با بسیاری از آنان که در آینده مورد استفاده او قرار می‌گیرد، پیش از آغاز مشروطیت به ایران باز می‌گردد. با توجه به زمینه مالی و دانش‌اندوزی با رتبه عالی، زیاندانی و آشنایی به شیوه زندگی بزرگان، نظامیان و سیاستمداران، هوش، کاردانی و زیرکی و توانایی خود در سخن‌وری، به زودی جایگاه مهمی در ایران، در مجلس و نزد سردار سپه می‌یابد و در رسیدن رضاشاه به پادشاهی نیز یاور او بوده و مراسم تاجگذاری را نیز او به سبک دربارهای اروپایی سازماندهی می‌کند.

رضاشاه با او دوستی نزدیک داشته و به او اعتمادی فراوان می‌یابد و او را وزیر دربار خود می‌کند. تیمورتاش در این پُست، چنان قدرتی به‌هم می‌زند که در همه کار دولت و مجلس نیز دخالت و آن‌گونه عمل می‌کند که رضایت شاه را داشته باشد. مقام او چنان است که سیاستمداران و سفیران به ویژه کشورهای غربی به دلایل زیاندانی و مقام او، همه کانال‌های ارتباطی‌شان به او ختم می‌شود. شرح داستان زندگی او در این جا نمی‌گنجد. این پایگاه بلند و قدرت فراوان در جامعه‌ای با زیرساخت‌های فرهنگی ایران به نوبه خود «فسادآور» نیز هست (همان‌گونه که دیروز دیده شده و امروز نیز شورویخانه بیش از هر زمان دیگر به خوبی دیده و تجربه می‌شود).

دکتر باقر عاقلی بررسی ارزنده، بی‌طرفانه و همه‌جانبه‌ای درباره زندگی تیمورتاش انجام داده است. وی در این کتاب مهم و تاریخی، دیدگاه‌های گوناگون درباره او، زندگی و کارهایش، همه جریان دو دادگاه و محاکمه و مرگ او را به تفصیل آورده و در این بررسی‌نمایی از آن دوران را نیز به خوبی ترسیم می‌کند. من در اینجا بخش‌هایی از مقدمه کتاب ایشان را بدون دست بردن در انشای آن می‌آورم:

«عبدالحسین تیمورتاش، از همان روزهای اول سلطنت رضاشاه مرد قدرتمندی شد. کلیه امور کشور از سیاست خارجی و سیاست داخلی

تیمورتاش مهم است و او در به قدرت رسیدن رضاشاه و چند سال نخست پس از آن به عنوان وزیر دربار نقش ویژه‌ای داشته است و برکنار شدن او پس از هفت سال، محاکمه و مرگ او بحث‌های زیادی به دنبال داشته و کسانی کوشش کرده‌اند که آن را تنها در اثر خشونت و دیکتاتوری رضاشاه نشان دهند، به آن می‌پردازم تا روشن شود انگیزه‌های دیگر و مهمی نیز در کار بوده است. یادآور شوم که شگفت است که مسعود بهنود در کتاب «از سید ضیاء تا بختیار» درباره چگونگی مرگ تیمورتاش شرحی نداده و به یاد «تزیق آمپول سم» و دکتر «علیم‌الدوله» نیفتاده است!

نیاز است کوتاه گفته شود که سه تن به ویژه در پیشبرد کارهای سودمند در ایران به رضاشاه یاری فراوان کردند: علی اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی پیشین) و فیروز میرزا نصرت‌الدوله بزرگترین فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما، فئودال بزرگ آن دوره‌ی ایران؛ فروغی هم در برنامه‌ریزی برای تنها سفر شاه در دوران پادشاهی به برون‌مرز، یعنی ترکیه، دیدن پیشرفت‌های آن کشور نسبت به ایران آن روزگار و تأثیر مثبت این سفر بر رضاشاه نقش بسزایی داشته است. آن سه تن در چندین سال نخست پادشاهی رضاشاه مقام‌های بالای وزارت و وکالت داشتند. در این میان تیمورتاش (۱۳۱۲ - ۱۲۶۰) به سبب سخندان و سخنران بودن، تسلط به دو زبان روسی و فرانسوی و آشنایی در اندازه پیشبرد کار به زبان انگلیسی، و تربیت نظامی در روسیه نقش ویژه‌تر و مهم‌تری داشته است (او از سن ۱۷ سالگی برای تحصیل به روسیه رفته و مدت شش سال دوره نوجوانی و جوانی خود را در یکی از بهترین مدرسه‌های سواره‌نظام به نام «مدرسه سواره‌نظام نیکولای» گذراند. مدرسه‌ای که «قطب شاهزادگان و فرزندان اعیان و اشراف با اجازه امپراطور روسیه حق ورود به آن مدرسه و تحصیل را داشتند» (تیمورتاش، برگ ۱۵، دکتر باقر عاقلی).

تیمورتاش پس از شش سال زندگی در میان لایه اجتماعی بلندپایگان روسی و آشنایی با بسیاری از آنان که در آینده مورد استفاده او قرار می‌گیرد، پیش از آغاز مشروطیت به ایران باز می‌گردد. با توجه به زمینه مالی و دانش‌اندوزی با رتبه عالی، زیاندانی و آشنایی به شیوه زندگی بزرگان، نظامیان و سیاستمداران، هوش، کاردانی و زیرکی و توانایی خود در سخن‌وری، به زودی جایگاه مهمی در ایران، در مجلس و نزد سردار سپه می‌یابد و در رسیدن رضاشاه به پادشاهی نیز یاور او بوده و مراسم تاجگذاری را نیز او به سبک دربارهای اروپایی سازماندهی می‌کند.

رضاشاه با او دوستی نزدیک داشته و به او اعتمادی فراوان می‌یابد و او را وزیر دربار خود می‌کند. تیمورتاش در این پُست، چنان قدرتی به‌هم می‌زند که در همه کار دولت و مجلس نیز دخالت و آن‌گونه عمل می‌کند که رضایت شاه را داشته باشد. مقام او چنان است که سیاستمداران و سفیران به ویژه کشورهای غربی به دلایل زیاندانی و مقام او، همه کانال‌های ارتباطی‌شان به او ختم می‌شود. شرح داستان زندگی او در این جا نمی‌گنجد. این پایگاه بلند و قدرت فراوان در جامعه‌ای با زیرساخت‌های فرهنگی ایران به نوبه خود «فسادآور» نیز هست (همان‌گونه که دیروز دیده شده و امروز نیز شورویخانه بیش از هر زمان دیگر به خوبی دیده و تجربه می‌شود).

دکتر باقر عاقلی بررسی ارزنده، بی‌طرفانه و همه‌جانبه‌ای درباره زندگی تیمورتاش انجام داده است. وی در این کتاب مهم و تاریخی، دیدگاه‌های گوناگون درباره او، زندگی و کارهایش، همه جریان دو دادگاه و محاکمه و مرگ او را به تفصیل آورده و در این بررسی‌نمایی از آن دوران را نیز به خوبی ترسیم می‌کند. من در اینجا بخش‌هایی از مقدمه کتاب ایشان را بدون دست بردن در انشای آن می‌آورم:

«عبدالحسین تیمورتاش، از همان روزهای اول سلطنت رضاشاه مرد قدرتمندی شد. کلیه امور کشور از سیاست خارجی و سیاست داخلی

آتش به اختیارها چگونه دودمان پرسپولیس را به باد دادند



● چه عواملی سبب شد پرسپولیس امتیاز میزبانی را از دست بدهد؟
● چگونه کانون‌های قدرت، فوتبال را درگیر می‌کنند و فساد اقتصادی و باورهای مذهبی آن را به شکست مفتضحانه می‌کشاند؟
● در زنجیره‌های متشکل از افراطی‌ها و چند هویتی‌ها و بی‌هویتی‌ها، چگونه از یکدیگر تغذیه می‌کنند و ورزش را به باد می‌دهند؟
● روابطی که یک سرش به هیات‌های عزاداری و مداحان می‌رسد، و یک سر دیگرش به تبلیغات جنگ در سوریه چطور در فوتبال رسوخ کرده است؟

چه برسد روحانیتی که خود تا گلو در سیاستی بیمار و سرکوبگر غرق است. پس از انقلاب ۵۷ و تسلط سیاست مذهبی بر ارکان کشور، مداحان توانستند این قشر را از زیر چتر روحانیت بیرون کشیده و پای روضه‌ی خود بنشانند. نه تنها این، مداحان حتی چهره‌ها و به اصطلاح سلبریتی‌های فوتبال و سیاست را هم به نمایش‌های خود جذب کردند.

عبدالکریم سروش در مقاله‌ای با عنوان «پای مداحان در نعلین روحانیان» می‌نویسد «مداح‌های رهبری از موفق‌ترین تولیدات جمهوری اسلامی‌اند که سال‌هاست به دقت از میان جوانان گلچین می‌شوند و پس از تربیت و تمشیت به عرصه رقابت با خطیبان و عالمان گسیل می‌شوند و با مفری تهری و دهانی پر به خدمت استبداد در می‌آیند و زیر نام شهیدان و قدیسان خرافه می‌پراکنند و باوه می‌سرایند و مدح قدرت و بسط جهالت می‌کنند و سقف معیشت بر ستون خرافات می‌زنند و دست در دست نیروهای ولایی و خودسر، خونریزی و خانمانان سوزی می‌کنند.

نزدیک‌ترین مداحان و از نخاله‌ترین چهره‌های اجتماعی هستند که با بعضی فوتبالیست‌ها ارتباط دارند و کرکری خوانی‌های آنها در حمایت از این دو تیم حتی به هیات‌ها و در بین هواداران آنها هم کشیده می‌شود.

خط دادن این لیدرهای اوباش و وابسته به دستجات حکومتی به تماشاگران آفت کهنه‌ی فوتبال ایران در سه دهه‌ی گذشته است. لیدرهای که سرشان در همین هیات‌های مذهبی است و کنترل و نظم‌دهی آنها در دست نهادهای امنیتی مثل شورای تامین استان و نیروی انتظامی و حراست فدراسیون و استادیوم‌هاست.

آنها اگر تشویق کنند رقم قراردادها بالا می‌رود، اگر حمایت نکنند بازیکن به خاک سیاه می‌نشینند، کلید آن هم «باج» است!

میلیون تومانی بود که حسین هدایتی اسپانسر مسئله‌دار باشگاه به طارمی داده بود تا به باشگاه ترکیه‌ای بدهد و خلاص شود، اما سر از محرومیت و ناکجا آباد درآورد.

همه اینها به کنار، شب قبل از بازی، طارمی در مصاحبه با برنامه نود وقتی از او می‌پرسند، پول‌ها چه شد و چرا وضعیت اینطور شد می‌گوید: «حتما خیرتی بوده!» جمله‌ای که بر مغز و روان پرسپولیسی‌ها بیشتر سوهان کشید.

پرسپولیسی که امسال عطر خوش قهرمانی در آسیا را نوید می‌داد، در یک بازی ضعیف در استادیوم ابوظبی چهار بر صفر از الهلال عربستان رقیب سنتی باشگاه‌های ایران شکست سختی خورد تا ناامیدانه چشم به بازی برگشت بدوزد، آن هم در شرایطی که به لطف آتش‌به‌اختیارها نه خبری از ۱۰۰ هزار هوادار هست و نه فضای بی‌مثال استادیوم آزادی.

تیم‌ها با این جماعت رفت و آمد دارند و دست‌کم در صفحات شخصی و اجتماعی آنان، چندین برابر بازیکنان دیگر تیم‌های فوتبال



حسین هدایتی عضو سپاه، اسپانسر باشگاه پرسپولیس و دوست نزدیک بابک زنجانی که او نیز به دلیل اتهامات مالی سابقه بازداشت دارد. هدایتی مشهور به «آقای عابر بانک»، ثروتی سه برابر بابک زنجانی دارد. او یک میلیارد و ششصد میلیون تومان به طارمی داد تا قراردادش با ریزه اسپور ترکیه را لغو کند، اما طارمی پول را در جیب خودش گذاشت و مسوولان باشگاه پرسپولیس تاریخ قراردادش با این تیم را جعل کردند (تصویر خوش و بش هدایتی و منصور عرضی)

باشگاه به عنوان نیروی مدافع حرم سر از جبهه‌های سوریه درآورد! او یکی از چهره‌های شناخته‌شده سکوه‌ای استادیوم آزادی است که

این موضوع شهرت تیم‌های ایرانی شده بود که در بازی برگشت، به پشتوانه‌ی جو سنگین ایرساز‌ی یادگار از دوران پهلوی، در «استادیوم صدهزار نفری» برنده‌ی مطلق باشند. روز موعود فرا رسید و ۸۰ هزار پرسپولیسی که در «استادیوم آزادی» جهنم قرمز به پا کردند و معجزه رقم خورد و نماینده ایران با پنج گل پیروز شد.

همین اتفاق همان سال برای استقلال دیگر نماینده‌ی فوتبال ایران افتاد. آبی‌پوشان که در بازی رفت در ازبکستان برابر تیم نوف باخور با حساب چهار بر یک شکست خورده بودند، با این امید که بازی برگشت سرنوشتی مشابه پرسپولیس داشته باشند دل به حمایت هواداران بستند

و در روزی که ۱۲۰ هزار تماشاگر به استادیوم آزادی رفته بودند با نتیجه سه بر صفر پیروز بازی شدند. نمایندگان ایران در رقابت‌های



مهدی رحمتی کاپیتان تیم استقلال که این روزها به خاطر اختلاف با باشگاه استقلال از این تیم به طور موقت کنار گذاشته شده، یکی دیگر از بازیکنانی است که پای ثابت هیات‌های مذهبی است. کارلوس کیروش از همان سال‌های ابتدایی حضورش در ایران گفت او بازیکن مشکل‌داری است و کنارش گذاشت. مهدی رحمتی همانند مهدی طارمی بازیکنی است که از نظر فنی سطح بالایی دارد، اما بارها آن حواشی که برای

کسانی است که میلیاردی پول پارو می‌کنند! با این اوصاف و اوضاع و احوال، دیگر چه می‌توان گفت؟! پرسپولیس تهران سال‌ها تحت مدیریت امنیتی‌ها و سپاهی‌هایی مثل اکبر غمخوار فرمانده سابق لجستیک سپاه، سردار محمد رویانین فرمانده پلیس راه و حبیب‌کاشانی مشاور فرماندهی سپاه ناحیه غرب تهران و عضو پیشین شورای شهر بوده است. غیرنظامیانی هم که در پرسپولیس مدیریت کردند بودار و مسئله‌دار بودند از جمله عباس انصاری‌فرد که سابقه بازداشت به خاطر مسائل مالی دارد. ارتباط سردار رویانین، بابک زنجانی و حسین هدایتی یکی از زنجیره‌های فساد در پرسپولیس است و آنهایی که امروز به عنوان لیدرها و اسپانسرهای حکومتی اطراف این باشگاه هستند همه میوه‌های مسموم این جریان هستند. جریانی که هواداران اصیل پرسپولیس را هم آزار می‌دهد. هیچ تعجبی ندارد که «پرسپولیس» ایران در برابر «الهلال» عربستان چنان مفتضحانه ببازد!

نه تنها به هتاک‌ی و درگیری مشهور است بلکه با کمک تعدادی دیگر از لیدرهای بدسابقه پرسپولیس در سرکوب تظاهرات پس از انتخابات سال ۸۸ نقش زیادی داشت.

منصور ارضی، محمود کریمی با سابقه‌ی هفت‌تیرکشی و سعید حدادیان با سابقه حضور در جنگ سوریه و عبدالرضا هلالی متهم به جاسوسی برای اسرائیل

تصاویر مشترک‌شان با مداحان حکومتی منتشر می‌شود. این در حالیست که بعضی از این مداحان با نیروهای مدافع حرم در سوریه ارتباط تنگاتنگی دارند.



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»



مهدی طارمی نماد نسلی است با هویت چندگانه و مختل! پرورش یافته در نظام آموزشی جمهوری اسلامی که به قول معروف «نمی‌دانند با خود چند هستند!» او روزی به سبک و سیاق جوان‌های کوچک و خبیان‌های جوامع غربی لباس می‌پوشد و کلاه رپ بر سر می‌گذارد و با شلوارها و لباس‌های تنگ و کوتاه و پاره‌ی خود سوژه رسانه‌ها می‌شود و روزی در هیات‌های مذهبی نذری هم می‌زند و در فرصتی دیگر پس از گل زدن در مسابقه، لباسی از تصویر کشته‌های سوریه به نمایش می‌گذارد. با چنین افرادی همه کار می‌توان کرد!

آسیایی بارها به پشتوانه جو غالب در استادیوم‌های ایران پیروز میدان‌های حساس بودند، امتیازی که امسال زیر سایه‌ی سنگین حمله‌ی آتش‌به‌اختیارهای حکومت به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری سعودی در مشهد از آنها گرفته شده بود.

تیم فوتبال پرسپولیس امسال در جام باشگاه‌های آسیا مجبور بود تا تمام رقابت‌های داخل و خارج از خانه‌ی خود در برابر نمایندگان عربستان را در استادیوم‌های امارات برگزار کند، جایی که حتی اگر میزبان هم می‌بود تعداد تماشاگران عربی که از رقابای پرسپولیس حمایت می‌کردند از تماشاگران ایرانی بیشتر بود.

هیات‌ها تا سکوها همان شب که داغ شکست سنگین از نماینده‌ی عربستان بر دل فوتبال‌دوستان ایران نشست، مهدی طارمی دسته‌گل دوم خود را هم به آب داد و در اینستاگرام خودش به تبلیغ هیات عزاداری «حسن کردمین» پرداخت. کردمین که بود؟ سردسته بسیجیان و اوباشی که از دیوار سفارت عربستان در تهران بالا رفتند و ساختمان را به آتش کشیدند و دمار از روزگار روابط ایران و عربستان درآوردند که در پی آن حق برگزاری مسابقه در ایران از تیم‌های نماینده‌ی ایران در برابر نمایندگان عربستان گرفته شد.

چند سالی است بعضی بازیکنان و مربیان و ستاره‌های تیم‌های فوتبال نزدیکی زیادی با جماعت مداحان و هیاتی‌ها پیدا کرده‌اند و برخی از آنها حتی رفقای گرمابه و گلستان هم شده‌اند. اعضای فعلی و پیشین دو تیم پرسپولیس و استقلال هم از این قاعده جدا نیستند.

با این تفاوت که بازیکنان تیم پرسپولیس بیش از بازیکنان سایر

زنان شاخص

برسابه هوسپیان (۱۳۷۸-۱۲۸۵)



برسابه هوسپیان-سنجیچیان یک بانوی کارآفرین و مدرسه‌ساز ایرانی ارمنی‌تبار بود. وی دانش‌آموخته رشته علوم تربیتی از دانشگاه ژنو و مؤسس نخستین کودکانستان در ایران در سال ۱۳۱۰ خورشیدی بود. او در سال ۱۳۰۹ خورشیدی با امتیاز رسمی از وزارت فرهنگ کودکانستان شخصی خویش را به نام «کودکستان برسابه» تأسیس نمود. این مؤسسه آموزشی، نخستین کودکانستان ایرانی بود که با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ وقت تحت نام «کودکستان» در ایران شروع به فعالیت نمود و آموزش آن نیز به زبان فارسی بود. هوسپیان در سال ۱۳۳۸ خورشیدی دبستان و دبیرستانی در مجاورت این کودکانستان را تأسیس نمود. در کنار فعالیت‌های آموزشی، وی در امور اجتماعی نیز فعال بود و یکی از مؤسسان سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۷ خورشیدی محسوب می‌شود. به پاس خدمات شایان توجه برسابه هوسپیان در امور آموزشی و

۲۰ توصیه برای طراحی دکوراسیون منزل

دکوراسیون داخلی منزل امروزه تبدیل به یکی از مسائل مهم برای اکثر افراد شده است، اینکه چه ترکیب رنگی در خانه به کار بگیریم و یا چه سبک طراحی و نورپردازی استفاده کنیم همه و همه زیرشاخه‌های طراحی دکوراسیون حرفه‌ای منزل است. اگر به تغییر دکوراسیون منزل خود فکر می‌کنید، یا هدفی برای طراحی داخلی منزل جدید خود دارید، حتماً نظر کارشناسان دکوراسیون داخلی برای شما اهمیت دارد. از مهمترین نکاتی که در طراحی داخلی مورد توجه کارشناسان دکوراسیون داخلی است، ساده و کم هزینه بودن است؛ تا ضمن این که آرامش و زندگی مطلوب را برای شما به منزل بیاورد، هزینه زیادی را هم برای شما در بر نداشته باشد. در این مطلب قصد داریم ۲۰ مورد از نظرات کارشناسان دکوراسیون داخلی را برای شما جمع بندی کنیم.



- ۱- نقاشی کردن دیوارها، کارشناسان دکوراسیون داخلی بر این عقیده هستند که رنگ آمیزی دیوارها، از سریع ترین و ارزان ترین راه های به وجود آوردن تنوع در طراحی داخلی منزل است. دیوار ها را با رنگ های پرتازوی و مناسب رنگ آمیزی کنید.
- ۲- وسایل را به صورت جفت انتخاب کنید. با این کار می توانید نظم را به منزل خود دعوت کنید. استفاده از وسایل تزئینی جفت (مانند صندلی، گلدان، شعله های دیواری و دکوری های دیواری) در چیدمان و تزئین منزل مناسب است.
- ۳- خانه خود را با تزئینات طبیعی پر کنید. به گل ها و سنگ های طبیعی بیشتر فکر کنید. کارشناسان دکوراسیون داخلی بر این عقیده هستند که چرا از گیاهان وحشی و سنگ های لب رودخانه در منزل استفاده نکنند؟ طبیعت را در منزل، کنار خود داشته باشید.
- ۴- جایجایی چیدمان وسایل منزل، کمک زیادی می کند. طرحی که برای میز و میز و صندلی در نظر



عوارض سکتة

محققان کانادایی می‌گویند افرادی که یک بار سکتة مغزی کامل یا ناقص کرده‌اند، تا یکسال بعد تا دو برابر بیش از هم‌سن های خود در معرض سکتة قلبی و مغزی و خطر مرگ قرار دارند. این پژوهش مطالعاتی که در آن بیش از ۲۶ هزار نفر دارای تجربه سکتة مغزی تحت نظر قرار گرفتند، نشان می‌دهد افرادی که یک بار جان سالم از سکتة مغزی به در برده‌اند، بیش از آنچه در گذشته تصور می‌شد، در معرض خطر هستند و دستکم تا پنج سال بعد از سکتة اول، خطر همچنان بیخ گوش این بیماران است. در حال حاضر ۹۰ روز اول بعد از سکتة، دوره بحرانی برای بعضی از بیماران خاص در نظر گرفته می‌شود، اما به اعتقاد دکتر ریچارد شورتز، مدیر اصلی این تحقیق، نجات یافتگان سکتة باید تا مدت‌ها یا سال‌ها از نزدیک تحت نظر باشند. بر اساس این گزارش، ۳۶ درصد یا تقریباً یک سوم افرادی که در این تحقیق تحت نظر بودند، تا پنج سال بعد از سکتة اول، دوباره سکتة مغزی و قلبی کردند و یا جان سپردند. محاسبه منظم فشار خون، ضربان قلب و تغییر روش زندگی از جمله ورزش کردن و سیگار نکشیدن از مواردی است که به گفته دکتر شورتز، بایستی تا سال‌ها بعد از سکتة رعایت شود. بر پایه این گزارش، سکتة اولین یا دومین عامل مرگ در کشورهای در حال توسعه، به شمار می‌رود، اما در کشورهای توسعه یافته سومین یا چهارمین عامل مرگ شناخته می‌شود. دکتر مایکل هیل به مجله انجمن پزشکی کانادا گفت که بر خلاف این ذهنیت نادرست که سکتة افراد مسن را تهدید

دیواری و آباژورها می‌کند، این وضعیت تهدیدی برای روش حدس تعویض کنید! به راحتی عموم جامعه است. زدن از بین گزینه‌های می‌توانید با تغییر لامپ‌ها و رنگ آنها به نورپردازی جدیدی برسید. یک تنظیم کننده نور برای کم و زیاد کردن نور اتاق، بر روی دیوار نصب کنید. ۱۴- کارشناسان دکوراسیون داخلی پرده‌هایی تا رو زمین پیشنهاد می‌کنند. اگر پرده‌ها، پنجره‌ها، به اندازه خود پنجره‌ها است، آنها را با پرده‌هایی از سقف تا زمین جایگزین کنید. این کار از اصول دکوراسیون پرده است. به این روش پنجره‌ها بزرگ تر و زیباتر می‌شود. ۱۵- برای هماهنگی با فصول، از حوله‌هایی با رنگ‌های متناسب با



من تار توام تو بود من این بافته را نظیر، نه خوش رنگ تر و لطیف تر کس دیده از این حریر؟ نه این گونه که دل به دست تو از بوی خوش است مست تو در هیچ غلاف، غنچه بی‌زیباتر از این اسیر نه تا مونس مهربان تویی تا جان تویی و جهان تویی هست از همگان گریز من از عشق توام گریز نه چشم من و پای من تویی پیرانه عصای من تویی من کیست به جای من تویی این کالبد حقیر، نه جان- مایه به لب نهادمت نوشابه ز عشق دادمت آمیزه‌ی عشق و شور من نوشاک تو بود و شیر نه گهواره بیاورم برت تا فاش کند که مادرت چشمش ز مراقبت شبی رفته‌ست به خواب سیر، نه هستند کنار من بسی وین طرفه‌کز آن میان کسی آن لحظه که اوقتم ز پا جز دست تو دست گیر نه...



سیمین بهبهانی

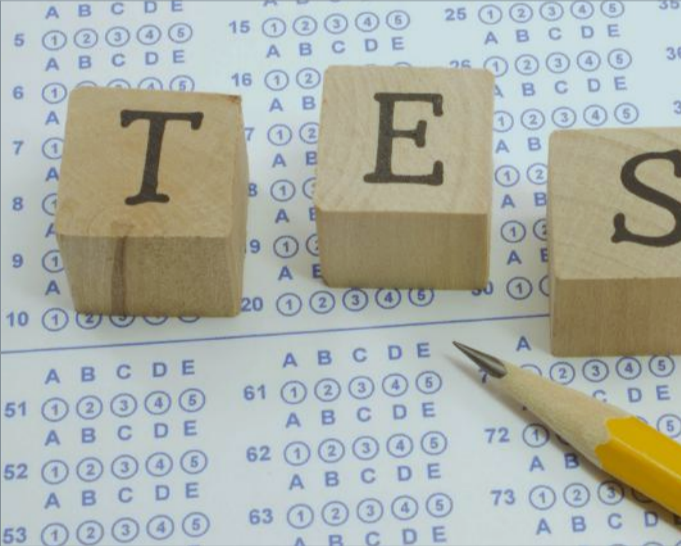
چطور می‌شود که پاسخ سوالات امتحانی را حدس زد

درست به یک سوال در یک ردیف ظاهر شوند. به نظرات درست و یکی اشتباه می‌آید، بهتر است که روی گزینه درست شرط بندی کنید.

پاسخ اشتباه را پیدا کنید

اگر یک توصیف کننده دقیق در جمله دارید، پاسخ اشتباه را حدس بزنید. این توصیف کننده‌ها جلوی استنناها را می‌گیرند و شما متوجه می‌شوید که کدام پاسخ کاملاً اشتباه است. همه چیز، همه کس، هرگز و همیشه واژه‌های توصیف کننده‌ای هستند که به شما کمک خواهند کرد. چیزهای زیادی در زندگی وجود ندارد که استننا نداشته باشد، بنابراین پاسخ‌های مطلق همیشه اشتباه هستند. وقتی یک پاسخ با توصیف کننده مطلق درست است که کاملاً شناخته شده باشد و یک واقعیت عمومی را بگوید که این برای یک سوال امتحانی مناسب نیست.

چطور شانس خود را بیشتر کنید



پاسخ درست را در جملاتی که حاوی برخی، بیشتر یا کمی هستند، پیدا کنید. در بین کلماتی که در تعارض با شرایط مطلق هستند، پاسخ‌های صحیح وجود دارد. اگر در یک بیانیه یا متنی اجازه داده شده که استنناها وجود داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که پاسخ صحیح بین آنها باشد. این تئوری در مورد کلماتی مثل معمولاً، اغلب، به ندرت، و مکرراً نیز صدق می‌کند.

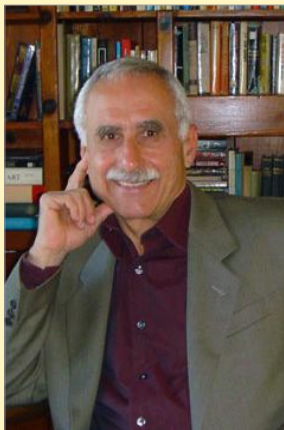
گزینه خیالی را انتخاب نکنید

اگر کاملاً تحت فشار هستید، یک گزینه را انتخاب کنید. یکی را انتخاب کنید اگر هیچ کدام از گزینه‌های پیش‌رو راهنمایی کننده نبود و شما هیچ سرخنی نداشتید. انتخاب یک گزینه ساده بهتر از اختراع یک پاسخ درست است! بنابراین طراحان سوال تمایل دارند که سوالات بیشتر شامل پاسخ‌های درست باشد تا دروغ! به عنوان مثال، وقتی در شرایطی هستید که یک گزینه اطمینان بخش نیست، یک گزینه مورد تردید است و یکی

- ۸- وسایل هم شکل بر روی سطوح بگذارید. به راحتی می‌توانید وسایلی مانند ظروف سفالی و گلدان‌ها را به جای وسایل به هم ریخته و ناهمگون، در کتابخانه و یاری شومینه قرار دهید.
- ۹- روکش های مبلمان را تعویض کنید. استفاده از پارچه های معمولی و زیبا برای روکش میبل ها و صندلی ها مقرون به صرفه است.
- ۱۰- برای وسایل مربوط به هم که معمولاً بر روی زمین پخش می‌شوند، از سید استفاده کنید. اسباب بازی های کودکان شامل این موضوع می‌شود. یک سید بزرگ برای آن ها انتخاب کنید.
- ۱۱- تابلوهای تکراری و قدیمی را با نمونه های جدید و زیبا جایگزین کنید. ظاهر منزل را بسیار تغییر می دهد.
- ۱۲- کارشناسان دکوراسیون داخلی قالیچه را پیشنهاد می دهند. از قالیچه های متناسب با اصول چیدمان مبلمان، استفاده کنید.
- ۱۳- همیشه از نورپردازی بهره بگیرید. حتی می‌توانید از چند شمع کوچک و ارزان استفاده کنید. این بدان معنی نیست که تمامی روشنایی های

همه یا هیچ مطلق باشد. وقتی که روی یک سوال چندوجهی حدس می‌زنید از فرآیند حذف استفاده کنید. به دنبال سرخنه‌های گرامری باشید و وقتی در تردید هستید جزئیات را بیشتر بررسی کنید. سوالات دو گزینه‌ای درست یا غلط ابتدا به سوالاتی که پاسخ‌شان را می‌دانید پاسخ دهید. آشکار است که می‌خواهید به اغلب سوالاتی تا جایی که زمان اجازه می‌دهد پاسخ دهید. به علاوه اینکه، پاسخ دادن به سوالاتی که جوابشان را می‌دانید، حقه نهفته در سوالاتی که نمی‌دانید را برملای می‌کنند. حدس زدن براساس یک الگو بیشتر کمک می‌کند تا اینکه اتفاقی حدس بزنید. پاسخ متناقض را انتخاب کنید وقتی همه پاسخ‌ها شبیه هم هستند. فرض کنید که پاسخ‌های بالا و پایین یک سوال شک‌برانگیز هر دو درست هستند. احتمالاً پاسخ صحیح به این سوال، باید گزینه اشتباه باشد. این احتمال خیلی کم است که همه پاسخ‌های

مردان شاخص



آلبرت محرابیان (۱۹۳۹-ایران)

آلبرت محرابیان را بی شک باید از معروفترین نامهای حوزه ارتباطات غیرکلامی و زبان بدن دانست. وی در در یک خانواده ارمنی در ایران بدنیا آمد و در حال حاضر استاد بازنشسته روانشناسی، دانشگاه کالیفرنیا است. یافته‌های او درباره پیام‌های متناقض احساسات و حالت در سمینار ارتباطات انسانی در سراسر جهان نقل شده است، و همچنین به عنوان قانون ۷٪-۳۸٪-۵۵٪ شناخته شده است.

محرابیان در مطالعات خود، به دو نتیجه‌گیری می‌رسد. اول، که در واقع سه عنصر در هر گونه ارتباط چهره به چهره وجود دارد: کلام تن صدا رفتار غیرکلامی (به عنوان مثال، بیان چهره) دوم، عناصر غیر کلامی خصوصاً برای برقراری ارتباط احساسات و نگرش مهم است، به ویژه هنگامی که آنها ناهمخوان است: اگر کلمات با لحن و رفتار غیر کلامی مخالف باشد، مردم به باور، آهنگ کلام و رفتار غیر

کلامی تمایل دارند. این چنین نیست که عناصر غیر کلامی در همه انتقال احساسات بخش عمده‌ای از پیام باشد، حتی اگر نتیجه‌گیری‌های خود را گاهی اوقات بد تفسیر کنند. به عنوان مثال، در زمان سخنرانی یا ارائه محتوای متنی سخنرانی تماماً شفاهی منتقل می‌شوند، اما نشانه‌های غیر کلامی در انتقال نگرش گوینده نسبت به آنچه آنها می‌گویند، به ویژه باور و اعتقاد راسخ خود بسیار مهم می‌باشد.



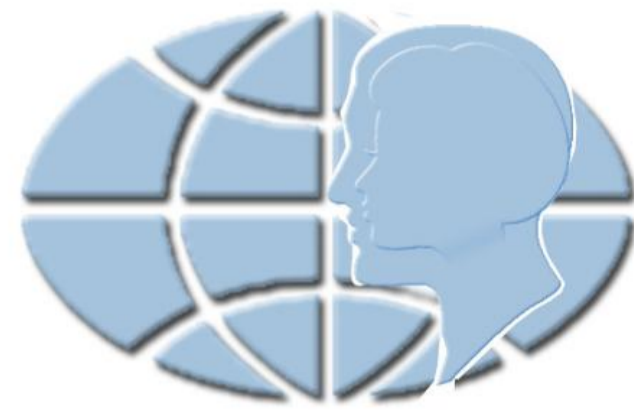
کاهش وزن برای مقابله با افزایش فشار خون

نتایج محققان دانشگاه آلاباما آمریکا نشان می‌دهد حفظ وزن سالم در میانسال می‌تواند به حفظ فشارخون پایین کمک کند. جان بوث، سرپرست تیم تحقیق، در این باره می‌گوید: «افزایش فشارخون در سنین جوانی با بیماری قلبی و سکته مرتبط است. ما در این مطالعه تأثیر بلندمدت حفظ وزن سالم را بر فشارخون بالا ارزیابی کردیم.» بوث و همکارانش در این مطالعه تأثیرات پنج رفتار سالم را بررسی کردند:

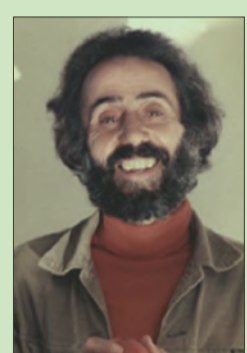
- هرگز سیگار نکشیدن
- عدم مصرف نوشیدنی‌های الکلی
- رژیم غذایی سالم
- فعالیت‌فیزیکی متوسط تا شدید به میزان ۱۵۰ دقیقه یا بیشتر در هفته
- حفظ وزن سالم.

این مطالعه شامل حدود ۴۷۰۰ فرد داوطلب ۱۸ تا ۳۰ بود. زمان آغاز مطالعه سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ بود. در طول ۲۵ سال بررسی این افراد، محققان فشار خون و رفتارهای سالم افراد را هشت بار اندازه‌گیری کردند. افراد دارای وزن سالم ۴۱ درصد کمتر در معرض ابتلا به فشارخون بالا در میانسال قرار داشتند. همچنین افرادی که حداقل چهار رفتار سالم در این دوره داشتند، ۲۷ درصد کمتر در معرض ریسک ابتلا به فشارخون بالا در میانسال قرار داشتند. محققان دریافتند حفظ فعالیت فیزیکی و تغذیه سالم ارتباط خاصی با فشارخون بهتر نداشت. اما به نظر می‌رسد حفظ وزن سالم از سایر رفتارها به مراتب مهم تر است، اما این به معنای نادیده گرفتن سایر رفتارهای سالم نیست. چراکه سایر رفتارهای سالم برای حفظ وزن متناسب بدن لازم هستند و بدون رژیم غذایی سالم و ورزش این امر محقق نمی‌شود.

حیاط خود به بیاندارید. به مقدار نور خورشید، در مناطق مختلف حیاط قبل از خریدن گیاهان توجه داشته باشید. اگر قرار است یک باغ داشته باشید، پیش از هر چیز با یک باغبان در زمینه سایه‌دار یا نوردار بودن حیاط مشاوره کنید. به طوری که بتوانید از انواع مختلف گیاهان در حیاط داشته باشید. اکثر گیاهان آپارتمانی نیاز به نور جزئی و سایه دارند تا به خوبی رشد کنند. چرا که معمولاً داخل آپارتمان‌ها نورگیر نیست و خورشید کاملاً داخل خانه نمی‌افتد. قبل از اینکه تصمیم بگیرید که یک گلدان گیاه را برای ساعت‌ها در مقابل نور مستقیم خورشید



مرد روز



سهراب سپهری

هر کجا هستیم باشم
آسمان مال من است
پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین مال من است
چه اهمیت دارد
گاه اگر می‌رویند
قارچ‌های غربت؟

من نمی‌دانم که چرا می‌گویند:
اسب حیوان نجیبی است
کیبوتر زیباست
و چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست
گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد
چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید
واژه‌ها را باید شست ...

چطور به سلامت گیاهان و باغچه خود کمک کنیم

مراقبت از گیاهان می‌تواند بسیار ارزش باشد، حتی اگر گیاه آپارتمانی فقط یک شاخه باشد و گل‌های معطر نداشته باشد. در اینجا با هم راهنمایی‌های زیادی در مورد نحوه نگهداری گیاهان را مرور می‌کنیم. بهترین راه برای داشتن گیاهانی شاداب، آب دادن به اندازه کافی، تأمین مواد مغذی و فراهم آوردن یک فضای مناسب برای رشد آنهاست. قبل از اینکه گلدان بخردید یا گیاهانی را بکارید، تحقیق کنید که چه مقدار نور و فضا لازم دارند. زمانی به گیاهان آب بدهید که خاک آن خشک باشد. می‌توانید با دست خاک را لمس کنید. زمانی به خاک کود بدهید که با آزمایش متوجه شوید که مواد مغذی خاک کم است. برای مشاوره می‌توانید از یک باغبان سوال کنید ولی برخی ترفندها را با هم در این متن می‌آموزیم.

گیاهان خود را بشناسید

مهم نیست که چقدر مراقبت و توجه نسبت به گیاهان خود دارید، آنها شاداب نخواهند بود اگر شما نیازهای خاص آنها را نشناسید. این درست است که شما یک خانه گیاهی می‌خرید یا برای داشتن یک باغ سبز در فضای باز برنامه‌ریزی می‌کنید. اما بعضی از گیاهان قادر به رشد در همه اقلیم‌های آب و هوایی دارند ولی برخی دیگر نیاز به یک محیط کنترل شده دارند تا زنده بمانند. قبل از کاشت در باغ یا اضافه کردن گیاه به مجموعه گلدان خود، در اینترنت جستجو کنید و یا از یک متخصص سوالات خود را راجع به شرایط مورد نیاز گیاهان بپرسید. به این فکر کنید که چه آب و هوایی برای گیاهان بهتر است. فقط به خاطر اینکه گیاه شما مخصوص آب و هوای محل زندگی شما نیست، دلیل نمی‌شود که نتوانید آن را پرورش دهید. اگر شرایط آب و هوا، دما و خاک را تنظیم کنید به معنای این است که کارتان ساده‌تر شده است.

برای گیاهان داخل سالن، دمای نسبتاً پایدار را حفظ کنید

برای گیاهان داخل سالن، دمای نسبتاً پایدار را حفظ کنید. گیاهان معمولاً نیاز به بیشترین نور خورشید، نور معمولی خورشید یا سایه و نور جزئی دارند. این تمایز نسبتاً ساده تأثیر زیادی بر عملکرد گیاهان دارد. قبل از خریدن گیاهان نگاهی به



بررسی متابولیسم بدن بعد از ترک سیگار

ترک سیگار شدید می‌شوند. از جمله این نشانه‌ها سردرد، تهوع یا گرفتگی عضلات است. بالا رفتن یک باره اشتها، افسردگی و ترس هم گاه از دیگر نشانه‌های ترک سیگار هستند.

۲۰ دقیقه بدون سیگار

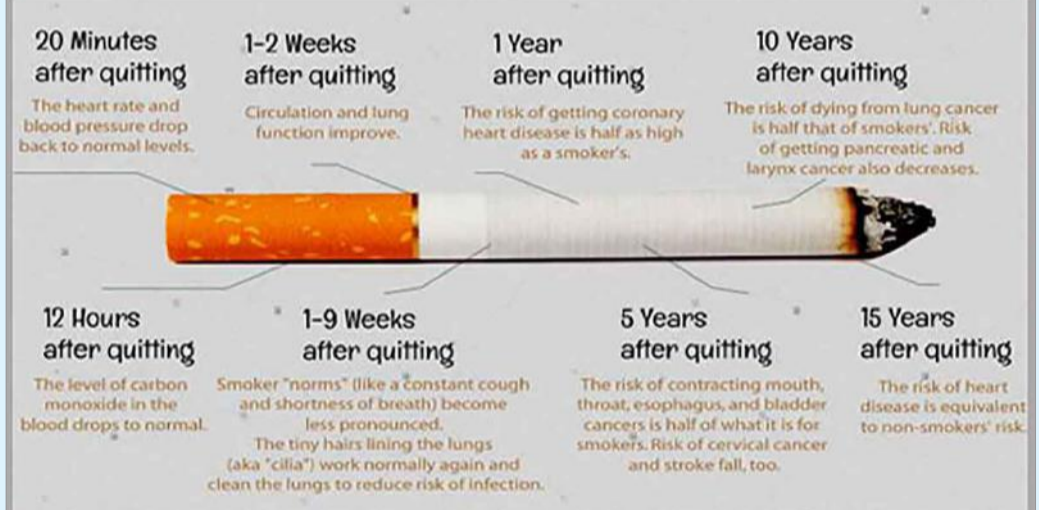
۲۰ دقیقه پس از آخرین سیگار فشار خون و ضربان قلب به حال عادی بازمی‌گردد. نیکوتین موجود در سیگار اعصاب سمپاتیک را تحریک می‌کند. این اعصاب ضربان قلب و فشار خون را بالا می‌برند و بدن را در حالت تحریک شده و آماده فرار قرار می‌دهند.

۱۲ ساعت بدون سیگار

با توقف ۱۲ ساعته کشیدن سیگار، مونوکسید کربن خون کاهش پیدا می‌کند و به اندازه طبیعی می‌رسد و در مقابل اکسیژن خون بالا می‌رود. مونوکسید کربن بخشی از دود سیگار است که وارد گردش خون می‌شود و از جذب اکسیژن توسط سلول‌های خونی جلوگیری می‌کند.

دو روز بدون سیگار

دو روز پس از آخرین سیگار کارآیی حس چشایی و بویایی بهتر می‌شود.



۱۰ سال بعد احتمال مرگ در اثر سرطان ریه ۵۰ درصد کمتر از افراد سیگاری خواهد شد.

سه روز بدون سیگار

سه روز پس از آخرین سیگار ریه‌ها آرامش پیدا می‌کنند و نفس کشیدن راحت‌تر می‌شود. حال دیگر نیکوتین در بدن نیست و در نتیجه نشانه‌های



مقامات بهداشت و درمان آمریکا در مبارزه با مرگ و میر ناشی از مصرف دخانیات تصمیم به کاهش چشمگیر میزان نیکوتین موجود در سیگار گرفته‌اند. به همین جهت ارزش سهام شرکت‌های بزرگ دخانیات بعد از این تصمیم سقوط کرده است. اسکات گوتلیب، رئیس سازمان غذا و داروی آمریکا می‌گوید: «دلیل نرخ بسیار بالای مرگ و میر و بیماری حاصل از مصرف تنباکو اعتیاد به سیگار است. این تنها محصول قانونی است که در مصرفی آگاهانه نیمی از مصرف‌کنندگان باسابقه خود را می‌کشد.»

صنعت ۱۳۰ میلیارد دلاری دخانیات ممکن است با اجرای این برنامه بسیاری از مشتری‌های خود را از دست بدهد. بعد از اعلام این برنامه توسط مقام‌های بهداشت و درمان ارزش سهام شرکت‌های بزرگ دخانیات سقوط کرد. در این راستا محققان با انجام پژوهشی نشان دادند که با ترک سیگار چه اتفاقی در بدن رخ می‌دهد؟

قرار دهید، این موضوع را در ذهن نگه دارید که ممکن است شرایطی پیش بیاید که به مدت طولانی‌تری در زیر نور خورشید باقی بماند. اگر متوجه شده‌اید که برگ گیاهان شما نازک شده و به سمت نور گرایش دارند، باید آنها را نزدیک نور خورشید قرار دهید، چرا که کمبود نور دارند.

گیاهان را در آب غرق نکنید

مردم کم‌کم دارند به قاتلان سریالی گیاهان بدل می‌شوند. به آنها بیش از حد کم یا زیاد آب می‌دهند. باغبان‌ها یا صاحبان باغ گیاهان معتقدند که مردم بیش از حد ضروری به گیاهان آب می‌دهند. آب برای گیاهان مفید است ولی می‌تواند به آنها نیز صدمه بزند. تحقیق کنید که گیاهان شما به چه مقدار آب نیاز دارند. می‌توانید یک مدت زمان خاص را در نظر بگیرید و یک مقدار معین آب به گیاهان بدهید، اگر پس از گذشت این موعده، گیاهان کاملاً خشک بودند پس بدین معناست که نیاز به آب دارند. لازم است تا کف ظرف گلدان را سوراخ کنید تا آب اضافی از آن خارج شود.

فدر و نادال قهرمان دو نفره تنیس پراگ



نادال و فدر پس از پیروزی، پراگ

فدر ۳۶ ساله و نادال ۳۱ ساله این اولین بار بود که دو عجوبه جمعا عنوان قهرمانی ۳۵ گراند اسلم تنیس جهان برای یک تیم بازی تنیس را در اختیار دارند.

در نخستین دوره مسابقه‌های تنیس جام لیبر در پراگ پایتخت جمهوری چک بین تیم‌های تنیس اروپا و بقیه دنیا، تیم اروپا ۱۵ بر ۹ برنده شد. راجر فدرر تنیس‌باز سوئیس و نفر دوم جهان، نیک کریوس تنیس‌باز استرالیایی را ۴ بر ۶، ۷ بر ۶ و ۱۱ بر ۹ مغلوب کرد.

جان ایسرن تنیس‌باز آمریکایی ۷ بر ۵ و ۷ بر ۶ بر رافائل نادال نفر اول رده‌بندی تنیس جهان پیروز شد. جالب‌ترین بازی این تورنمنت که به نام راد لیبر اسطوره استرالیایی تنیس جهان نام‌گذاری شده در قسمت دو نفره بین راجر فدرر و رافائل نادال از تیم اروپا مقابل سم کوثری و جک سوک تنیس‌بازان آمریکایی از تیم بقیه دنیا بود. این مبارزه ۶ بر ۴، ۱ بر ۶ و ۱۰ بر ۵ به سود فدرر و نادال پایان یافت.

تیم ملی کشتی فرنگی ایران قهرمان مسابقات عشق آباد شد



تیم ملی کشتی فرنگی ایران

دریافت کردند. تیم کشتی آزاد و فرنگی و تیم کشتی سنتی دخترها در بازی‌های داخل سالن ترکمنستان مجموعا ۱۲ مدال طلا، ۶ مدال نقره و ۲۷ مدال برنز به دست آوردند.

تیم ملی کشتی فرنگی ایران در مسابقات کشتی بازی‌های داخل سالن عشق‌آباد ترکمنستان با دریافت شش مدال طلا و دو مدال نقره به مقام قهرمانی رسید.

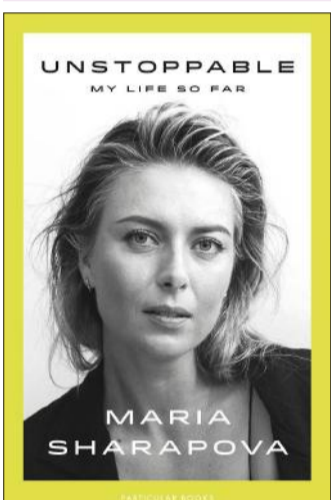
در وزن‌های ۵۹ و ۶۶ کیلوگرم به ترتیب محسن حاجی‌پور و امین سوری مدال نقره گرفتند.

در وزن ۷۱ کیلوگرم فرشاد بلفکه به مدال طلا رسید. در وزن ۷۵ کیلوگرم پژمان پشتام نیز صاحب مدال طلا شد.

در وزن ۸۰ کیلوگرم مهدی ابراهیمی مدال طلا به گردن آویخت. در وزن‌های ۸۵ کیلوگرم، ۹۸ کیلوگرم و ۱۳۰ کیلوگرم به ترتیب سامان عزیزی، امیر حسین حسینی و بهنام مهدی زاده هم مدال طلا

کتاب خاطرات شاراپووا:

وقتی وارد نیویورک شدم جا نداشتم بخوابم



کاولنیکف تنیس‌باز معروف روس که با خانواده او آشنایی داشت آینده درخشانی برای وی در عرصه تنیس پیش‌بینی کرد. شاراپووا می‌نویسد، من و پدرم بدون مادرم که صدور روادیدش به تاخیر افتاده بود در حالی که فقط هفتصد دلار پول داشتیم بدون آنکه یک کلمه انگلیسی بدانیم شبانگاه وارد فرودگاه فلوریدا شدیم.

آشنایی که قرار بود در فرودگاه منتظر ما باشد به قول خود وفا نکرده بود. ما نمی‌دانستیم چکار باید بکنیم و به کجا باید برویم. زن و شوهری روسی که در هواپیما در کنار ما نشسته بودند و در طول پرواز داستان زندگی ما را شنیده بودند با لطف و انسانیت بسیار من و پدرم را به اتاق هتل خود بردند و ما نخستین شب اقامت‌مان را در ایالات متحده کف اتاق آنها روی زمین به صبح رساندیم. شاراپووا در این کتاب که عنوان «توقف‌ناپذیر» را برای آن انتخاب کرده از روزی صحبت می‌کند که در فینال مسابقات گراند اسلم ویمبلدون در سال ۲۰۰۴ که هفده سال داشته سرینا ویلیامز ستاره بی‌رقیب تنیس آن زمان را مغلوب کرده به حدی که پس از این شکست ضربه روحی سنگینی به سرینا وارد شده که هرگز

ماریا شاراپووا برنده پنج گراند اسلم تنیس و یکی از سه جوان‌ترین دختران تنیس‌باز برنده گراند اسلم، پردرآمدترین، شیک‌پوش‌ترین و به روایتی زیباترین ورزشکار زن جهان است. او مدتی نیز نفر اول رده‌بندی تنیس زنان جهان بود.

شاراپووا به دنبال آزمایش دوپینگ در جریان بازی‌های تنیس گراند اسلم استرالیا در سال ۲۰۱۶ به دلیل استفاده از داروی ملدنیم برای دو سال از شرکت در مسابقات محروم شد اما بعد از تقاضای تجدید نظر از این حکم مدت محرومیت او به ۱۵ ماه کاهش یافت. او پس از پایان محرومیت در چند تورنمنت تنیس بازی کرد. تنیس‌باز روس تبار مقیم آمریکا در مدتی که اجازه حضور در مسابقات را نداشت فرصت نمود تا کتاب خاطرات خود را که مدت‌ها در صدد انتشار آن بود منتشر نماید. در این کتاب می‌خوانیم که چند ماه پس از انفجار راکتور هسته‌ای چرنوبیل که خانواده شاراپووا در ۳۰ کیلومتری آن زندگی می‌کردند به دنیا آمد و به دنبال این حادثه پدر و مادر ماریا تصمیم گرفتند به آمریکا مهاجرت کنند و هنگامی که شاراپووا شش سال و نیمه بود به آمریکا کوچ کردند.

در آخرین سال اقامت آنها در روسیه

کدام فوتبالیست بهترین بازیکن سال می‌شود؟ نیمار، رونالدو یا مسی؟



نام برترین فوتبالیست‌های سال ۲۰۱۷ با رای مریبان، کاپیتان‌های تیم‌های ملی، ۲۰۰ روزنامه‌نگار سرشناس در سراسر دنیا انتخاب و روز ۲۳ اکتبر طی مراسمی در لندن اعلام خواهد شد.

فوتبالیست‌هایی که به مرحله نهایی رسیدند از میان این افراد برگزیده شده‌اند: دروازبانان: جیان لویجی بوفن، دیوید دهیا، کیلور ناولس، مانوئل نویر، جان اوبلاک.

دفاع‌ها: دیوید آلابا، جوردی آلبا، دنی آلوز، جروم بوتانگ، لئوناردو بوناجی، دنی کارواهل، جرجیو کیلینی، دیگو گودین، مت هاملز، فیلیپ لام، دیوید لویز، مارسلو، خاویر ماسکرانو، پپه،

از میان ۵۵ بازیکن دستچین شده برای انتخاب بهترین فوتبالیست سال ۲۰۱۷ سه ستاره پرتوفدار، لیونل مسی، کریستیانو رونالدو و نیمار به مرحله نهایی راه یافتند.

جا از این سه تن، فدراسیون جهانی فوتبال اسامی سه نفر بهترین دروازه‌بان‌ها را نیز اعلام کرده است.

عنوان بهترین بازیکن سال ۲۰۱۶ نصیب کریستیانو رونالدو فوتبالیست پرتغالی شد که توانسته بود همراه رئال مادرید قهرمان لالیگا (لیگ برتر فوتبال اسپانیا)، لیگ قهرمانان، جام باشگاه‌های جهان، سوپر کاپ اسپانیا و سوپر کاپ اروپا شود.

لیونل مسی فوتبالیست اهل آرژانتین سال گذشته با بارسلونا برنده کوپا دل ری شد و برای چهارمین بار عنوان آقای گل لالیگا را بدست آورد.

نیمار بهترین بازیکن کنونی برزیل همراه بارسلونا قهرمان کوپا دل ری شد. او در سال ۲۰۱۶ بیست گل زد و بیست و یک پاس او به گل انجامید. نیمار در حال حاضر برای پاریس ژرمن بازی می‌کند.

سه نامزد انتخاب شده از بین دروازه بانان پیشنهادی نیز عبارتند از: جان لویجی بوفن از تیم یوونتوس ایتالیا، نویر دروازبان بایرن مونیخ و ناولس دروازبان رئال مادرید.

قهرمان المپیک و جهان در بخش مراقبت‌های ویژه



عباس زندی برنده مدال طلای کشتی جهان و بازی‌های آسیایی در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۸، سرمربی تیم ملی کشتی ایران در مسابقات المپیک ۱۹۶۴ ژاپن و ۱۹۶۸ مکزیک در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان جم تهران بستری است. زندی چهار بار پهلوان ایران شده و صاحب دو بازوبند پهلوانی نیز هست. او پیش از انقلاب افسر ارتش بود و درجه سرهنگی داشت. عباس زندی ۸۶ سال دارد. وی در سال ۱۳۲۸ در نوزده سالگی پهلوان ایران شد. امام علی حبیبی اسطوره زندگی گفت استاد همیشه الگوی ما بود. او بزرگ کشتی ایران است و با غلامرضا تختی دوستی بسیار صمیمانه داشت و اینکه برخی می‌گویند آن دو با هم اختلاف داشتند دروغ است.

اریکسون یک و نیم میلیون دلار برای جانشینی منصوریان می‌خواهد



سون یوران اریکسون، سرمربی سوئدی پیشین تیم‌های ملی انگلیس و شیلی و باشگاه منچستر سیتی، در گفتگو با مسؤولان باشگاه استقلال یک و نیم میلیون دلار که معادل پنج میلیارد و پانصد میلیون تومان است برای یک فصل و نیم کار در ایران دستمزد خواسته است. اریکسون پنج سال سرمربی تیم ملی انگلیس بود. او زمانی که سردار رویانیان مدیریت باشگاه پرسپولیس را بر عهده داشت به تقاضای وی در جزیره کیش با او دیدار کرد اما آنها برای سرمربی‌گری پرسپولیس به توافق نرسیدند. اریکسون ۶۹ ساله زمانی که سرمربی تیم بنفیکای پرتغال بود با این تیم مقام دوم لیگ اروپا و لیگ قهرمانان اروپا را به دست آورد. او مدتی نیز هدایت تیم‌های سمپدوریا و آ.ث. رم را عهده‌دار بود. در این میان همانطور که انتظار می‌رفت استخدام فلاح تریم، سرمربی پیشین تیم‌های ملی ترکیه و آ.ث. میلان، به دلیل آنکه مبلغ هنگفتی درخواست کرده بود منتفی شده است.

پنجمین بازی‌های آسیایی وزنه‌برداری: مرادی رکورد جهان را شکست



سهراب مرادی، قهرمان وزنه‌برداری، دسته ۹۴ کیلوگرم ایران و برنده مدال طلای المپیک ریودوژانیرو، با رکورد ۴۱۳ کیلوگرم مدال طلای وزن ۹۵ کیلوگرم بازی‌های آسیایی داخل سالن ترکمنستان را از آن خود کرد. مرادی در حرکت یک ضرب ۱۸۵ کیلو و در حرکت دو ضرب ۲۲۸ کیلوگرم وزنه برداشت و در مجموع یک کیلوگرم رکورد جهان را ترقی داد. رکورد قبلی جهان در دسته وزن ۹۴ کیلوگرم، با بلند کردن وزنه ۴۱۲ کیلوگرمی در اختیار کاکیبوس کالیا، وزنه بردار یونانی، قرار داشت. مسابقات داخل سالن ترکمنستان تا ۲۷ سپتامبر ادامه خواهد داشت.

نتوانستم سلطانی‌فر را ببینم. به نظرم رسانه‌ها هم درباره دلایل استعفای من بهتر است از وزیر و معاونانش سوال ببرند. بهتر است دیگر با این اتفاقی که رخ داد، مسئولی حرف از حمایت از مدیریت بانوان و جوانگرایی در بخش مدیریتی نزند، چون من این شاخصه‌ها را داشتم اما به این شکل کنار رفتم.» این رئیس سابق فدراسیون چوگان گفت: «همه افراد تعدادی بدخواه دارند. اگر یک زن باشی و موفق شوی که چه بدتر. متأسفانه برخی آقایان نمی‌توانند ببینند که یک زن مدیر موفق شده و به جایگاهی دست پیدا کرده است. من از کسی اسم نمی‌برم اما وقتی مطمئن شدم، قطعاً اسامی این افراد را به رسانه‌ها می‌گویم.»

وی درباره فعالیت‌هایش در فدراسیون چوگان اظهار داشت: «وقتی نمی‌خواهند چوگان موفق باشد، من چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ من یک ریال حقوق نگرفتم و هیچ چشم‌داشتی هم نداشتم. خودشان نمی‌خواهند چوگان پیشرفت کند و من هم دیگر با این وضع کاری از دستم بر نمی‌آید. در این یک‌سال و نیم کارهای زیادی انجام دادیم. مدرسه چوگان را افتتاح کردم و جام جهانی را در تهران برگزار کردیم. این مسائل واقعا دیده نمی‌شود که مرا به این راحتی کنار گذاشتند؟ حالا دیگر من هر جایی بروم و شکایت کنم، فایده‌ای ندارد، چون مدیران بالادستی من نمی‌خواهند به کاری که داشت به موفقیت ختم می‌شد، ادامه دهم.»

وکیل گیلاتی دکترای دندان پزشکی دارد و از مجموع ۱۵ رأی مجمع فدراسیون چوگان با ۱۳ رأی برای مدت چهار سال به ریاست این فدراسیون برگزیده شد.



گلنار وکیل گیلاتی

حواشی درست کرده‌اند. درباره انتشار عکس‌های خصوصی‌اش گفته که این عکس‌ها بحث مهمی نیست اما برخی این مسئله را بزرگ کردند.

رئیس برکنار شده فدراسیون چوگان گفت: «به دنبال این هستیم که اصل ماجرا متوجه شوم و سپس درباره آن صحبت کنم. من کار خلافی نکردم که از کسی بترسم و این حرف‌هایی هم که مطرح می‌شود، درست نیست.»

وکیل گیلاتی به برخی تهدیدها نیز اشاره کرده و گفته است: «منی‌خواهم بگویم چه کسی اما برخی افراد در این مدت مرا بارها تهدید کردند و گفتند استعفا بده. از برخی ابزارهای ناجوانمردانه علیه من استفاده کردند اما من حاضر به استعفا نشدم، چون می‌خواستم به کارم ادامه دهم. هیچ‌کسی از وزارت ورزش با من تماس نگرفت و من بی‌صبرانه منتظر توضیح مسئولان هستم.»

وی در این باره که سعی کرده با وزیر ورزش صحبت کند ولی موفق نشده، اظهار داشت: «من ۲ ماه است که از وزیر ورزش وقت ملاقات خواستم و هنوز

رئیس برکنار شده فدراسیون چوگان: برایم پاپوش درست کردند

● «منی‌خواهم بگویم چه کسی اما برخی افراد در این مدت مرا بارها تهدید کردند و گفتند استعفا بده.»

● «متأسفانه برخی آقایان نمی‌توانند ببینند که یک زن مدیر موفق شده و به جایگاهی دست پیدا کرده است.»

گلنار وکیل گیلاتی رئیس برکنار شده فدراسیون چوگان می‌گوید عکس‌های شخصی‌اش را منتشر کردند تا به استعفا مجبورش کنند. فدراسیون چوگان گویا به دلیل انتشار عکس‌های خصوصی وی، جایگزینی برای وی منصوب کرده. گزارش ایسنا، گلنار وکیل گیلاتی رئیس فدراسیون چوگان پس از ۱۷ ماه ریاست بر فدراسیون چوگان از این سمت کنار گذاشته شد و احمد گواری به عنوان سرپرست این فدراسیون منصوب شد. رسانه‌های داخلی ایران گزارش کردند که گلنار وکیل گیلاتی رئیس جوان فدراسیون چوگان پس از تنها ۱۷ ماه ریاست بر این فدراسیون برکنار شد.

وکیل گیلاتی در واکنش به این خبر اعلام کرد که در چند ماه اخیر برخی به دنبال برکناری‌اش بوده‌اند و برایش

بن سلمان، نایب امام زمان و آیت الله هار اغافلگیر کرد: هم با حضور خانم هادر ورزشگاه و هم با صدور مجوز رانندگی!



زنان در ورزشگاه بزرگ ریاض، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۷

دور نیست روزی که شاهد صدور فرمان آزادی پوشش در عربستان سعودی باشیم!

هرگاه گزارش سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران و انجمن‌ها و نهادهای مردم نهاد ضد سرکوب و اختناق رژیم‌های دیکتاتوری در اعتراض به صدور احکام اعدام و زندان‌های طولانی مدت برای مخالفان حکومت در ایران منتشر می‌شود مقامات رژیم ضمن دفاع از رفتار تلافی‌جویانه با منتقدین و ناراضیان و محکوم کردن آنها به زندان‌های همراه با شکنجه و جلوگیری از دیدار آنان با خانواده خود ادعا می‌کنند آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در ایران بیشتر از عربستان سعودی است و سعی می‌کنند با مثال آوردن از حکومت آل سعود و تراشیدن یک شریک جرم برای خود به دنیا بگویند رژیم دیگری نیز هست که پرونده‌اش در رفتار ظالمانه با زنان از ما قطورتر است. آنها در عین حال امریکا و متحدانش را متهم می‌کنند به دلیل هم‌پیمان بودن عربستان با آنها از رژیم آن کشور انتقاد نمی‌کنند. اما به نظر می‌رسد محمد بن سلمان ولیعهد جوان و جدید عربستان و برگزارکننده جشن بزرگ هفتاد و هشتمین سالگرد حکومت پادشاهی آن کشور با حضور خانم‌ها در ورزشگاه عظیم ریاض، زشتی رفتار سران حکومت ایران را با زنان به رخ ولی فقیه، سرداران و امام جمعه‌های آن کشیده باشد.

این در حالیست که سخت‌گیری نسبت به زنان در عربستان و محرومیت‌های آنان از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اجبار به پوشاندن سر تا پای خود زیر انبوهی از لباس و روسری و مقنعه اتفاق تازه‌ای نیست. زندگی زنان عربستانی همیشه همین‌چنین بوده است اما تبدیل ناگهانی کشوری مانند ایران با تمدن و فرهنگ سه هزار ساله و وابستگی جدایی‌ناپذیر به جشن‌ها و سنت‌های ایرانی و غیرمذهبی مانند عید نوروز، چهارشنبه سوری و سیزده بدر و امثال آن با تحمیل روش زندگی قرون وسطایی و عقب‌افتاده شبه جزیره عربستان در ۱۴۰۰ سال پیش با نیت انتقام‌جویی و تسویه حساب با سیستم پادشاهی یکی از جنایات

تاریخ بشر به حساب می‌آید. هر وقت خبرنگاران خارجی از مسئولان جمهوری اسلامی درمورد نادیده گرفته شدن توانایی‌های خانم‌ها در ایران و توصیه رهبر حکومت به همفکرانش برای پرداختن به امور خانه‌داری و مراقبت از فرزندان می‌پرسند، جواب می‌شنوند که ۶۵ درصد از قبول‌شدگان در امتحانات ورودی دانشگاه‌ها در ایران را دخترها تشکیل می‌دهند، در حالی که نه تنها رهبر رژیم و آیت‌الله‌ها در استقبال دخترها برای ورود به دانشگاه کوچک‌ترین سهمی ندارند بلکه یکی از دلایل هجوم بانوان برای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها دور ماندن از خانه و فرار از تصبات آزاردهنده خانواده است که در مواردی به خودکشی دختران نوجوان می‌انجامد.

چند روز پیش شرکت دختران و زنان سعودی در مراسم سالگرد تاسیس حکومت پادشاهی در آن کشور در یک استادیوم فوتبال، نایب امام زمان، سرداران، آیت‌الله‌ها و امام جمعه‌های او را غافلگیر کرد و جالب اینجاست که برخلاف ادعای مقامات جمهوری اسلامی که حضور بانوان در استادیوم‌ها باعث بروز حوادث ناخوشایند خواهد شد هیچ‌گونه اتفاقی در آن جشن شلوغ و پرشور و هیجان رخ نداد.

بعضی از بانوان و دختران حاضر در این مراسم در مصاحبه با خبرنگاران خارجی گفته‌اند امیدواریم که اجازه حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها مقدمه امتیازات دیگری در آینده‌های نزدیک برای زنان در کشور ما باشد. هنوز زمان زیادی نگذشت که مجوز رانندگی زنان نیز توسط ملک سلمان صادر شد و امکان رانندگی خانم‌ها نیز در این کشور که برای هر تصمیم زنان می‌بایست یک قیم مرد تصمیم

تاریخ بشر به حساب می‌آید. هر وقت خبرنگاران خارجی از مسئولان جمهوری اسلامی درمورد نادیده گرفته شدن توانایی‌های خانم‌ها در ایران و توصیه رهبر حکومت به همفکرانش برای پرداختن به امور خانه‌داری و مراقبت از فرزندان می‌پرسند، جواب می‌شنوند که ۶۵ درصد از قبول‌شدگان در امتحانات ورودی دانشگاه‌ها در ایران را دخترها تشکیل می‌دهند، در حالی که نه تنها رهبر رژیم و آیت‌الله‌ها در استقبال دخترها برای ورود به دانشگاه کوچک‌ترین سهمی ندارند بلکه یکی از دلایل هجوم بانوان برای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها دور ماندن از خانه و فرار از تصبات آزاردهنده خانواده است که در مواردی به خودکشی دختران نوجوان می‌انجامد.

در کمتر از سه هفته سومین هلی کوپتر نظامی در ایران سقوط کرد



داشت در حین یک پرواز آزمایشی در اورمیّه دچار سانحه شد و سقوط کرد. خلبان و کمک خلبان زنده ماندند، اما مهندس فنی هلی کوپتر گروهان ابوالفضل بیگی‌نیا جان خود را از دست داد. فرماندهان ارتش فقط سقوط این هلی کوپتر را تایید کردند، اما جزئیات سقوط را فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا سپاه اعلام کرده است. پیش از این در روزهای ۱۵ و ۲۰ شهریور نیز یک فروند هلی کوپتر و ۲۱۴ و یک کبرا متعلق به هوانیروز و هسا به ترتیب در منطقه‌ی اسپیران

هلی کوپتر هوانیروز ارتش با سه سرنشین در اورمیّه سقوط کرد.

در این حادثه مهندس فنی هلی کوپتر جان باخت و دو خلبان نجات پیدا کردند.

یک فروند هلی کوپتر از نوع ۲۱۴ متعلق به هوانیروز ارتش ظهر پنج‌شنبه ششم مهر ماه به علت نقص فنی سقوط کرد و یک کشته برجای گذاشت. این هلی کوپتر که سه سرنشین

فائزه رفسنجانی: صیغه همان دوستی دختر و پسر است!



فائزه هاشمی رفسنجانی را رک‌گو و نترس معرفی می‌کنند. وی در ماجرای سال ۸۸ با معترضین به حکومت جمهوری اسلامی همصدایی و توهین‌های بسیار رکیک مانند «فائزه فاحشه» را نیز تحمل کرد. فائزه چند سالی روزنامه «زن» را منتشر می‌کرد اما به دنبال فشارهای آخوندهای حکومتی و اصرار پدرش انتشار آن را متوقف نمود. او از پیشگامان دوچرخه‌سواری خانم‌ها و مشوق آنان برای پوشیدن شلوار جین است.

فائزه اولین عضو خانواده رفسنجانی است که مرگ پدرش را مشکوک دانست.

وی به روزنامه انتخاب گفته است مادرم هر وقت مرا می‌بیند می‌گوید چرا جوراب پایت نیست، چرا ماتیک زدی، چرا دست‌هایت بیرون است، چرا با مردها حرف می‌زنی، چرا می‌خندی و خیلی ایرادات دیگر. جواب من هم به او این است اینها هیچ‌کدام خلاف دین نیست.

فائزه همچنین گفته مردم خیلی به ما محبت دارند اما حکومت بعد از فوت پدرم پنج عضو خانواده ما را ممنوع‌الخروج کرده است. آنها فکر می‌کنند ما اسنادی در اختیار داریم که می‌خواهیم آنها را منتشر کنیم. وی اضافه کرده در دوران حیات

پدرم با حمایت و استفاده از نفوذ او برای ورزش خانم‌ها کارهای زیادی صورت گرفت. حتی به شهرهای مختلف می‌رفتم، مقامات شهر و امام جمعه‌ها را می‌دیدم و برای فراهم کردن امکانات ورزشی برای دختران محلی از آنها کمک می‌گرفتم. اما بعد از فوت پدر مرتب برای ما حضاریه می‌فرستند و وقتی به آنجا می‌رویم گزارش‌های کذب جلوی ما می‌گذارند. به نظر فائزه صیغه یا ازدواج موقت روش بسیار خوبی برای آشنایی زن و شوهرهای آینده است تا یکدیگر را خوب بشناسند. دقیقا مانند دوستی و معاشرت دختر و پسرها پیش از ازدواج! در حالی که نه تنها بخش مهمی از جامعه از به دلیل اینکه خود حکومت نهادهای رسمی برای صیغه‌های چند دقیقه‌ای و یک ساعته از جمله در کنار امام‌زاده‌ها و اماکن زیارتی راه انداخته، ازدواج موقت را فحشای شرعی می‌نامند بلکه درست به همین دلیل صیغه سبب از هم پاشیده شدن خانواده‌هایی می‌شود که مردانش هوس زنان صیغه‌ای می‌کنند! صیغه پیش از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بر افتاده بود و از نظر اجتماعی کاری مذموم به شمار می‌رفت و زنان صیغه‌ای و مردانی که به این کار اقدام می‌کردند آن را از چشم دیگران پنهان می‌کردند.

جراحان شیرازی به وصیت خانم معلم یاسوجی عمل کردند



معصومه آقایی آموزگار دبستان دخترانه یاسوج وصیت کرده بود پس از مرگ اعضای بدن او به نیازمندان پیوند عضو اهدا شود. این بانوی نیکوکار که بیست سال در مدارس منطقه تدریس کرده بود چند روز پیش در حادثه تصادف اتومبیل جان خود را از دست داد و چون کارت مخصوص اهدای اعضای بدن به همراه داشت جراحان دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز با پیوند پنج عضو بدن وی، دو قرنیه چشم و دو کلیه و کبد این خانم به نیازمندان به آنان زندگی تازه بخشیدند.

دختر افسرده از مرگ پدر به توصیه دوست پسرش خودکشی کرد!



دختری که از مرگ ناگهانی پدر خود بسیار متأثر بود خودکشی کرد. او روزها به گورستانی که پدرش در آنجا دفن شده بود می‌رفت و مدتی طولانی بر سر مزار او می‌نشست. دختر که افسردگی شدید داشت یکی از روزهای که به گورستان رفته بود با پسری که در فضای مجازی با او ارتباط داشت تماس گرفت و برای رهایی از ناراحتی روانی خود از او کمک خواست. پسر او را تشویق به خودکشی با خوردن قرص برنج کرد. دختر جوان نیز به گفته دوست پسرش عمل کرد و جان خود را گرفت. دوست اینترنتی دختر پس از بازداشت توسط پلیس در جریان بازجویی گفت قصدش از این توصیه به دختر فوت‌شده تنها یک شوخی بوده است!

دانش آموز همکلاسی خود را کشت



یک دانش‌آموز در یکی از مدارس سراوان در جریان درگیری با همکلاسی خود با ضربات چاقوی او جان باخت. نام نوجوان کشته شده حسین صابری است و در هنرستان هاشمی‌نژاد این شهر تحصیل می‌کرد. او روز یکشنبه پس از پایان کلاس درس هنگام خروج از ساختمان مدرسه پس از دقایقی جر و بحث با همکلاسی خود با ضربات چاقوی وی به قتل رسید. پلیس ساعتی بعد قاتل را دستگیر کرد.

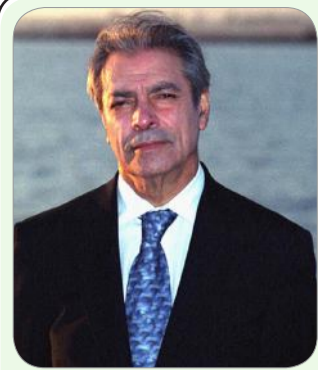
پسری خواهر و شوهر خواهر خود را با ضربات چوب و چاقو به قتل رساند



زیادی به آنها زدم اما متوجه شدم شوهر خواهرم هنوز نفس می‌کشد بنابراین چاقویی از آشپزخانه آوردم و چندین ضربه از روی پتو به بدن او وارد کردم.

پسری خواهر و شوهر خواهر خود را با ضربات چوب و چاقو به قتل رساند

پسر جوانی در هفته نخست مهرماه خواهر و شوهر خواهر خود را که به تازگی ازدواج کرده بودند به قتل رساند. او هنگامی که زن و شوهر در خواب بودند با ضربات متعدد چماق و چاقو به طرز فجیعی آنها را به قتل رساند و فرار کرد. بستگان و آشنایان مقتولین به پلیس گفتند کسی که زن و شوهر جوان را به قتل رسانده، به احتمال زیاد سعید، برادر دختری است که به قتل رسیده؛ زن و شوهر جوان با سعید و مادر او در شهر مشهد و در خانه‌ای نزدیک آرامگاه فردوسی زندگی می‌کردند. پلیس سعید را بازداشت کرد. وی در جریان بازجویی‌ها به کشتن زوج جوان اعتراف و انگیزه جنایت را اختلافات خانوادگی مطرح کرد.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «ایندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

جنبش سبز به‌عنوان مخالف و جایگزین

باز نشر

کیهان لندن شماره ۱۲۸۶ - ۱۹ آذرماه ۱۳۸۸

یا خواندن دعای کمیل کمتر می‌توان کرد؟ رژیم‌هایی که هر روز بیشتر به سرنیزه متکی می‌شود هر روز تحمل مخالفت را بیشتر از دست می‌دهد و مخالفت را در معنای تنگ‌تری تعریف می‌کند. در چنین رژیم‌هایی، اگر دیر ماندند، هر چه ممنوع نبود اجباری می‌شد و هر چه خوشایند هر صاحب قدرتی نبود کار گناهکار را به گولاگ می‌کشاند. رژیم اسلامی بر همان راه می‌رود - ساختن جامعه‌ای هنگ‌آسا regimented که در آن خرافات، جای آگاهی و شعور اجتماعی را بگیرد، و دست وزی‌رسان حکومتی اراده و کوشش فردی را خفه کند. (جمهوری اسلامی گولاگ خود را نیز با زندان‌هایی که هم اکنون شهرت جهانی یافته‌اند ساخته است). پس از تجربه شش ماهه

نخستین حکومت جای‌ش را به آمادگی داده است. اما جنبشی که انتخابات آن تقلب تاریخی نیز برایش بهانه‌هایی بود؛ و رهبری نداشت که اراده عمومی را در خود متبلور سازد لزوماً به دلیل اعلام نکردن خواست‌های مشخص بر پایه خواست‌های مشترک جنبش (به تقریب، زیرا جنبش و خواست‌های‌ش را دقیقاً نمی‌توان تعریف کرد) لازم است و در نبود آن مردم سردرگم نمی‌شوند؟ آیا می‌باید اولویت این مرحله مبارزه شکست دادن احمدی‌نژاد و رسیدگی به جنایات رژیم در این شش ماهه باشد؟ آیا به اصطلاح مقدس رژیم برای تظاهرات بهره گرفته شود؟ آیا اکنون که رژیم توانسته است کنترل خیابان را در دست گیرد بجای ادامه تظاهرات، مرحله نافرمانی مدنی و اعتصابات فرانسیده است؟ آیا کسانی که، بیشتر از بیرونیان، می‌گویند این کارها سودی ندارد و رژیم را می‌باید با انقلاب برانداخت؛ یا آنها که هر روز بیشتر به خشونت رانده می‌شوند حق ندارند؟ آیا پخش خبرها و تصویرهای سرکوبگری رژیم مایه ترسانیدن مردم نمی‌شود؟

این پرسش‌ها و ماندن‌های آنها بجاست و بر زبان بسیاری از کوشندگان بیرون نیز می‌آید - همین پس که انسان دمی خود را در ایران تصور کند. شاید بد نباشد همچنان خود را در ایران بگذاریم و پاسخ‌هایی بیابیم. نخست برنامه و خواست مشخص در این مرحله. در نگاه اول هیچ چیز منطقی‌تر از این نمی‌نماید که هر جنبشی برای رسیدن به هدف روشنی است. روشن بودن هدف، بسیج همگانی را میسر می‌سازد و انرژی مبارزه را تمرکز می‌دهد. می‌گویند انتخابات در ۲۲ خرداد چنین نقشی داشت. اکنون که مردم خواست‌های مشخصی ندارند جنبش از آن شور و عظمت افتاده است.



گذشته دیگر نمی‌توان انتظار داشت هیچ گزاشی به ملایمت در دستگاه سرکوبگری مانده باشد. خامنه‌ای بیش از همه و احمدی‌نژاد نه کمتر از او هر مخالفتی را می‌خواهند ریشه‌کن کنند. قدرت جنبش در خواست‌ها، بهتر است بگوئیم، آرزوهایی است که زمان بر نمی‌دارند و سده‌ها را - در مورد ما پنج سده - در بر می‌گیرند نسل پس از نسل و توده‌های بزرگ را به حرکت در می‌آورند. ما خود تازه به این حرکت نیفتاده‌ایم. چهار نسل ایرانیان بیش از صد سال است که سرکوران و افتان و خیزبان بر همان مسیر گام زده‌اند. میراث و بار این صد ساله اکنون در دست و بر دوش این نسل آخری است از همه پیشینیان خود آگاهتر - به لطف همان میراث و بار - و دریغ است که باز با پامال کم ظرفی و ناشکیبایی که فزونی طلبی شود. شکست دادن احمدی‌نژاد با همه فوریت و اهمیت که دارد عملاً قابل تعریف نیست. مجموعه کنش‌های جنبش سبز، همان ادامه جنبش، موقعیت او را ضعیف و به شکست دادن او کمک می‌کند. کم‌خطرتر نیز هست. راه سبز امید نیز که از رویارویی با خامنه‌ای پر امید دارد آسانتر می‌تواند سیاست‌ها و اقدامات احمدی‌نژاد را زیر انتقاد و حمله ببرد و بجای سخنرانی در کلیات، مبارزه را زنده‌تر و به رویادهای روز نزدیکتر سازد. جنبش سبز از اینکه نقش یک نیروی مخالف و جایگزین alternative را بگیرد و زبان اعتراض گروه‌های گوناگون اجتماعی باشد زبان نخواهد کرد.

شهروندی آماده‌تر می‌سازد بیش از خواست‌های محدود لازم دارد.

مانیفستی برای جنبش

برای چنین جنبشی بی‌مرز که تا آینده امتداد دارد یک بیانیه کلی، یک مانیفست که فلسفه آن را بیان کند مناسبتر خواهد بود - مانیفستی که نه دستور کار روزانه بلکه الهام بخش همه کسانی باشد که خواست‌های ویژه خود را نیز دارند یا ممکن است پیدا کنند. فردا که شرایط اقتصادی برای گروه‌های بزرگ اجتماعی طاقت‌فرسا از گردهم شاعرها ناچار عوض خواهد شد ولی آن مانیفست خواهد ماند - حتی پس از پیروزی، و به‌ویژه پس از پیروزی. چنان مانیفستی همان بهتر که در خود ایران نوشته و امضا شود، و دربر گیرنده کلی‌ترین خواست‌های یک جامعه شهروندی، و نه گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی، یعنی حقوق سلب نشدنی برابر همه افراد، و حق مردم بر حکومت بر خود، و دور از هر مصالحه و چانه‌زنی بر اصول و ابهام در آرمان باشد. اگر هر روز خواست معینی مانند انتخابات مردم را بسپح نکنند نامید نباید شد. نمی‌باید فراموش کرد که گفتار مطالبه محور و نه مسائل انتخاباتی، آغازگر جنبش سبز بود که بهانه‌اش انتخابات شد. انتخابات همیشه در جمهوری اسلامی بوده است. این بار آرزوی سوزان حقوق بشر و دموکراسی بود که توده‌هایی را نخست به حوزه‌های رای گیری و سپس به خیابانها کشاند. امروز آن آرزوها هر چه شده باشد سوزان‌تر است و خشمی خاموش و فرونشستنی بر آن افزوده شده است. یک جنبش ملی در زیر یک رژیم فاشیستی به هر نام، بیش از این لازم ندارد. بقیه‌اش را گندیدگی گریز ناپذیر نظام سباهی - امنیتی - جرم‌کرانی فراهم خواهد کرد.

این پرسش‌ها و ماندن‌های آنها بجاست و بر زبان بسیاری از کوشندگان بیرون نیز می‌آید - همین پس که انسان دمی خود را در ایران تصور کند. شاید بد نباشد همچنان خود را در ایران بگذاریم و پاسخ‌هایی بیابیم. نخست برنامه و خواست مشخص در این مرحله. در نگاه اول هیچ چیز منطقی‌تر از این نمی‌نماید که هر جنبشی برای رسیدن به هدف روشنی است. روشن بودن هدف، بسیج همگانی را میسر می‌سازد و انرژی مبارزه را تمرکز می‌دهد. می‌گویند انتخابات در ۲۲ خرداد چنین نقشی داشت. اکنون که مردم خواست‌های مشخصی ندارند جنبش از آن شور و عظمت افتاده است.

این پرسش‌ها و ماندن‌های آنها بجاست و بر زبان بسیاری از کوشندگان بیرون نیز می‌آید - همین پس که انسان دمی خود را در ایران تصور کند. شاید بد نباشد همچنان خود را در ایران بگذاریم و پاسخ‌هایی بیابیم. نخست برنامه و خواست مشخص در این مرحله. در نگاه اول هیچ چیز منطقی‌تر از این نمی‌نماید که هر جنبشی برای رسیدن به هدف روشنی است. روشن بودن هدف، بسیج همگانی را میسر می‌سازد و انرژی مبارزه را تمرکز می‌دهد. می‌گویند انتخابات در ۲۲ خرداد چنین نقشی داشت. اکنون که مردم خواست‌های مشخصی ندارند جنبش از آن شور و عظمت افتاده است.

بهران، مصادف شده بود با جشن تولد سلطان احمدشاه (شنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۳ - دهم ژوئیه ۱۹۱۵). کوشش زیادی به کار رفت که تا قبل از فرا رسیدن جشن، تکلیف دولت روشن شود. عین‌الدوله کنار آمدن با مجلس را مشروط بدان می‌کرد که استیضاح پس گرفته شود و استیضاح دیگری در کار نیاید. ضمناً حاضر به کنار گذاشتن هیچ کدام از اعضای کابینه نبود. مجلسیان زیر بار این شروط نمی‌رفتند و پیشنهاد رئیس‌الوزرا دایر به تغییر سمت فرمانفرما از وزارت داخله به وزارت جنگ نیز قانع‌شان نکرد. در نتیجه، عین‌الدوله فقط پذیرفت برای حفظ ظاهر، با اعضای کابینه در مراسم سلام رسمی به‌مناسبت تولد پادشاه شرکت کند و دو روز بعد، به‌طور قطع کناره‌گیری کرد. «ادامه دارد»

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۸)

باز نشر

کیهان لندن شماره ۱۲۱۹

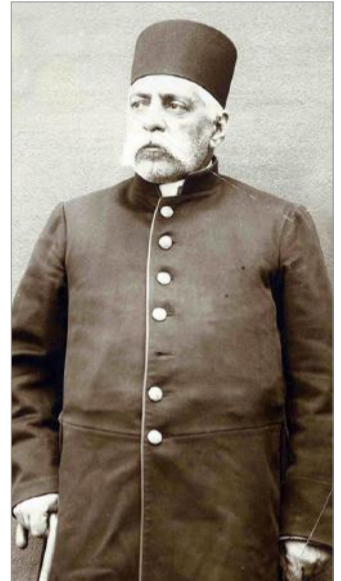
احمد احرار

ایران فاقد نیروی لازم برای حفظ بیطرفی است و تصمیم گرفته‌اند قوای نظامی در گیلان و مازندران پیاده کنند. دولت جدید برای اثبات اقتدار خود و اقدام مقتضی در برابر چنان حوادث، ضمن معرفی کابینه و ارائه برنامه دولت برای کسب رأی اعتماد، از مجلس اختیارات تام خواست. همین درخواست، نخستین برخورد مجلس را با دولت در پی داشت. دموکرات‌ها شدیداً با تفویض اختیارات تام به مخالفت برخاستند و عین‌الدوله را متهم کردند که قصد دارد با استفاده از اختیارات، همانند دوران صدارتش در عهد استبداد، رفتاری خشونت‌آمیز و مستبدانه در پیش گیرد. گروهی از وکلای اکثریت نیز در این تکرانی با دموکرات‌ها شریک بودند و دادن اختیارات تام به دولت را، در شرایطی که مجلس وجود داشت و رقابت دول خارجی در ایران به مرحله اوج خود رسیده بود، مقتضی نمی‌دانستند.

روزنامه «عصر جدید» در پایان مصاحبه با وزیر مختار آلمان، عقیده او را درباره بیطرفی ایران و تشکیل کابینه جدید به‌ریاست عین‌الدوله جویا می‌شود. پرنس رویس می‌گوید «هر یک از دول متخاصم لازم است که بیطرفی ایران را کاملاً محترم شمارند و نه آنکه از ضعف مادی ایران استفاده کرده در مقام نقض بیطرفی او برآیند. مسأله توقیف قنصل آلمان در بوشهر و مساعی در دستگیری قنصل آلمان در تبریز علناً مخالفت با بیطرفی ایران بوده است. انگلیسها قنصل ما را در بوشهر متهم به تحریکات برضد متفقین می‌کنند و من سؤال می‌کنم اگر به یک اتهام انگلستان اجازه یک چنین اقدامی در یک مملکت بیطرفی به‌خود می‌دهد، چرا قنصل‌های خود را که علناً در تمام نقاط ایران تحریکات به‌ضد آلمان و اتریش و عثمانی می‌کنند، ممانعت نمی‌کنند؟ هر کس تحریکات قنصل انگلیسی را در کرمانشاهان و اقدامی که میان طوایف آنجا کرده و پولهایی که برای این کار به‌مصرف رسانده کم و بیش شنیده و می‌داند و از این مسائل گذشته، می‌گفتند مساعی نمایندگان دولتین روس و انگلیس در تشویق به ارتکاب یک کودتایی در مرکز (اشاره به اقدام برای روی کار آوردن سعدالدوله) خیلی در بدو ورود اسباب تعجب و حیرت من شد، خصوصاً از طرف دولتی که خود تا حدی در استقرار مشروطیت ایران دخالت داشته است. این مسأله خیلی غریب بود که عنواناتی از قبیل تعطیل مجلس و توقیف جراید و غیره به‌میان بیاید و من گمان می‌کنم در ایران هیأت دولتی که بخواهد زمام مملکت را به‌دست بگیرد نه فقط باید مورد اطمینان شخص اعلیحضرت باشد بلکه باید اطمینان ملت ایران را نیز به خود جلب کند. به این جهت است که نظر به جنبه بیطرفی و شخصیتی که در شاهزاده عین‌الدوله ملحوظ است من گمان می‌کنم که ایشان موفق به تشکیل یک حکومت مقتدر بشوند.» سخنان اطمینان‌بخش، چه از جانب متفقین و چه از سوی متحدین، دایره به رعایت بیطرفی و احترام به حدود و حقوق ایران تعارفی بیش نبود. هر دو طرف از تدارکات یکدیگر برای اعزام نیرو به ایران خبر داشتند و حمله متقابل را تدارک می‌دیدند. سلیمان میرزا، لیدر فراکسیون



عبدالمجید میرزا عین‌الدوله



عبدالحسین میرزا فرمانفرما

عین‌الدوله به حضور شاه رفت و استعفا کرد در حالی که برنامه دولت هنوز در دستور مذاکرات مجلس قرار داشت. احمدشاه، رئیس مجلس را در جریان امر قرار داد و از وی خواست برای رفع بحران چاره‌جویی کند. مؤتمن‌الملک، همراه با تنی چند از نمایندگان به دیدار عین‌الدوله شتافت و در پی یک گفت و گوی طولانی به توافق رسیدند که لفظ «اختیارات» در برنامه دولت به «اقتدار» تبدیل شود. بر اساس این توافق، ساعت ۶

عین‌الدوله به حضور شاه رفت و استعفا کرد در حالی که برنامه دولت هنوز در دستور مذاکرات مجلس قرار داشت. احمدشاه، رئیس مجلس را در جریان امر قرار داد و از وی خواست برای رفع بحران چاره‌جویی کند. مؤتمن‌الملک، همراه با تنی چند از نمایندگان به دیدار عین‌الدوله شتافت و در پی یک گفت و گوی طولانی به توافق رسیدند که لفظ «اختیارات» در برنامه دولت به «اقتدار» تبدیل شود. بر اساس این توافق، ساعت ۶



بعداظهر روز بعد، برنامه دولت در جلسه علنی مجلس شورای ملی با قید اقتداراتی که به‌منظور اجرای آن درخواست شده بود به‌تصویب رسید. بحران بعدی را در روابط دولت و مجلس، عبور نیروهای تحت فرمان حسین رئوف‌بیک از مرز و درگیری آنها با عشاشر ایرانی در کرمانشاه و کردن به‌دنبال آورد.

بعداظهر روز بعد، برنامه دولت در جلسه علنی مجلس شورای ملی با قید اقتداراتی که به‌منظور اجرای آن درخواست شده بود به‌تصویب رسید. بحران بعدی را در روابط دولت و مجلس، عبور نیروهای تحت فرمان حسین رئوف‌بیک از مرز و درگیری آنها با عشاشر ایرانی در کرمانشاه و کردن به‌دنبال آورد.

چرا» می‌باشد که با صدای دلنشین بنان و آهنگ زیبای استاد خالقی جادوانی گردیده است.

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
سنگدل، این زودتر می‌خواستی حالا چرا
پری دفعات بعد با دسته گل به دیدار
شهریار می‌رود و به این ترتیب دوستی دو
یار از سر گرفته می‌شود. با بازگشت این
غزل رمیده به سوی شهریار، شور و شوق
عشق جوانی دوباره بر سر شاعر باز می‌گردد.
غزل‌های «اشک شوق»، «طغرای زمان» به
نظر می‌رسد که محصول این دوران خوشی
دوباره یافته، باشند. در آنها او از این که خدا به
ناله‌های زار و دل بیمار او جواب مثبتی داده و
تمام نقشه‌های رقیب را نقش بر آب کرده است
شکرگزاری می‌کند. خیلی خوشحال است از
این که می‌بیند از این به بعد خواهد توانست
آن دست‌هایی را که در فراق او به سر و سینه
خود می‌کوفت حالا می‌تواند به گردن او ببازد
و چنگ و طره‌های او بزند و لذا از اشک و غم
وداعی جاودانه می‌کند.

**دیر آمدی که دست ز دامن ندارم
جان مژده داده‌ام که چو جان در برآرم**

یا در غزل طغرای زمان:
**آمد آن شاهد دل برده و جان باز آورد
جانم از نو به تن آن جان جهان باز آورد**
برای این که عهد و پیمان محبت را با پری
قوی تر گرداند غزل «انسان باش» را می‌سراید
که در آن ضمن بیان گذشت و بخشش خود
از بی‌مهریهای قبلی، به او نوید وصال ابدی
می‌دهد:

**خدای را پس از این پای بند پیمان باش
من از گذشته گذشتم تو هم پیشیمان باش**
رموز عشق ز دیوان شهریار آموز
به فیض این چمن ای گل هزارستان باش
دقیقا معلوم نیست این دوره خوشی و وصال
چقدر طول کشیده است ولی اصل مسلم آن
است که او دوباره متوجه بعضی تغییرات در
رفتار پری می‌گردد.

پری و چراغعلی خان

در یکی از ملاقات‌هایش با پری، مطلع
می‌گردد که او را خواستگاری دیگر پیدا شده
است. این شخص سرتیپ چراغعلی خان
معروف به «امیراکرم» یکی از پسرعموهای
رضاشاه بود. وی شخص بسیار متعذب و
مقتدری بود که «چهار راه امیراکرم» هم به
نام او نامگذاری شده است. شهریار احساس
می‌کند پری تمایلی به این ازدواج نشان
می‌دهد ولی برایش در واقع معلوم نبود
این تمایل از دل خود پری برخاسته بود و
یا تحت تأثیر فشار و ارباب پدر این عکس
العمل را نشان می‌دهد. به هر صورت این
پیش آمد منجر به صحبت‌ها و گاهی گلایه‌ها
و مجادله‌های چندی بین این دو می‌گردد
که شاعر از آنها در چندین غزل ذکری به
میان آورده است. ولی این تلاشهای شاعر
بی‌نتیجه بود و به وی اطلاع داده می‌شود که
پری تصمیم به ازدواج با سرتیپ چراغعلی
خان گرفته است. آگاهی بر این تصمیم، آه
آتش‌افروزی از سینه شاعر بیرون می‌آورد
که تمام خاکسترهایی را که بر خاطرات تلخ
گذشته به امید از یاد بردن آنها، انباشته بود
کنار می‌زند و آنها را سوزانده‌تر از گذشته
شعله‌ور می‌گرداند:

**من جفا دیدم و وفا کردم
تو وفا دیدی و جفا کردی
من به جور از تو بر نمی‌گردم
تو هم از جور بر نمی‌گردی**
آگاهی بر تصمیم پری شاعر را از عالمی
که در خیال برای خود ساخته بود به دنیای
واقعیت‌ها باز می‌گرداند و می‌بیند که زر و زور،
ذوق و صفا و هنر را شکست می‌دهد.

**چو در بستی به روی من به کوی صبر رو کردم
چو در مانم بنخسیدی به درد خویش خو کردم**
شهریار در غزل‌های چندی در مورد عهد
این تصمیم پری سخن گفته است و در عهد
قدیم با یادآوری عهد و پیمانی دوباره که بسته
بودند به تلخی از این که بی‌زر و سیم است
شکوه می‌کند.

و در غزل «کودک قرن طلا» هم به سختی
از این تصمیم پری انتقاد می‌کند.

**تا که ز مردی مرانه ز رونه سیم است
شعم مردم به رهگذار نسیم است
یار نشد طالب قصیده که یارو
کودک قرن طلا و طالب سیم است
عشق و وفا کودکان تازه چه دانند
کاین همه آیین لوطیان قدیم است**

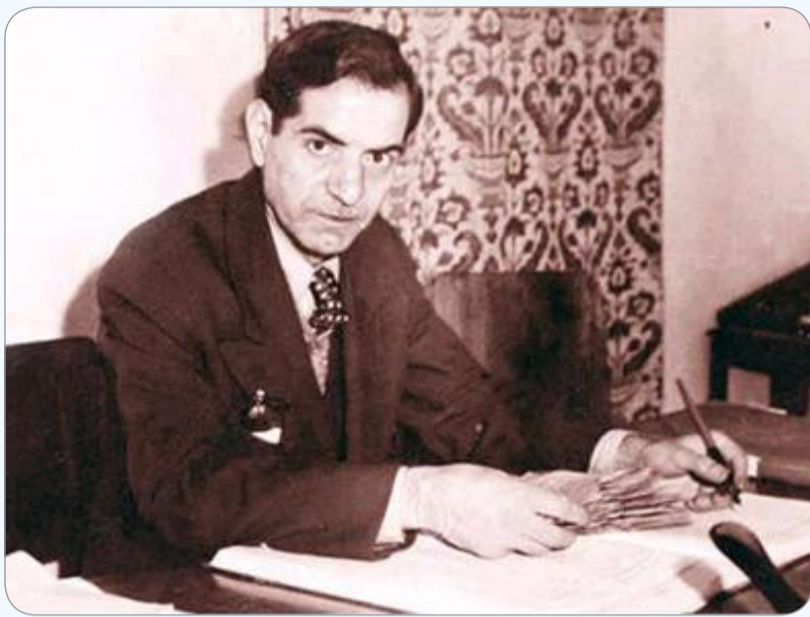
از این بی‌حاصلی عشق گلرخان در غزل
«مرد محبت» به طور جالبی سخن می‌راند
و همان جا به طور جالبی به کوتاه کردن
موهای او اشاره کرده است که بر آشفتنگی
او بیشتر می‌افزاید و به او و خودش توصیه
چندی می‌کند:

**جز ندامت هیچت از عشق سمن مویان نزاید
ای دل دیوانه رویای پری دیدن نباید
«دنباله دارد»**

داستان دلدادگی و شکست عشقی شهریار (۳) آمدی جانم به قربانت، ولی حالا چرا...



رقیب عشقی شهریار، وزیر قدرتمند دربار بود!



به نظر می‌رسد منظور اصلی تبعید کنندگان
شهریار که عبارت بود از دور کردن او از پری
می‌برد و از اشعاری چند از او و خانه و محلی
که او ساکنش بود صحبت کرده است و تصویر
کمال‌الملک را با اشعار خود ترسیم کرده است...
در یکی از این ملاقاتها سعی کرده است ببیند
مگر او بتواند علاجی برای دوری و تبعیدش بکند
و ماحصل مکالمه با او را در آخرهای «آخرین
خاطره بهجت آباد» این چنین آورده است:

کمال‌الملک نقاش معروف که او هم در تبعید
بسر می‌برد آشنا می‌شود و از محضر او استفاده
می‌برد و در اشعاری چند از او و خانه و محلی
که او ساکنش بود صحبت کرده است و تصویر
کمال‌الملک را با اشعار خود ترسیم کرده است...
در یکی از این ملاقاتها سعی کرده است ببیند
مگر او بتواند علاجی برای دوری و تبعیدش بکند
و ماحصل مکالمه با او را در آخرهای «آخرین
خاطره بهجت آباد» این چنین آورده است:

**بهرت آباد و لب استخر و این زیر چنار
انتظار آخرین کز آخرین دیدار یار
قدرتی یا در میان آورده پر خوف و خطر
سرنوشت مبهمی ما هر دو را در انتظار
گر بیاید، بهر تودیع و وداع آخریست
ورنه بگذشته است کار از کار بخت نابکار
اشک ریزانند و با من هم خداحافظ کنان
بهرت آباد و لب استخر و این زیر چنار**

او در زیر درخت چناری که با ورزش باد سرد
پاییزی برگهای خود را یک یک از دست می‌داد
با دلی بیقرار سعی می‌کند که آرام بایستد ولی
تلاطم درونی نمی‌گذارد که او روی پاها بند
بشود. تیرگی بر همه جا مسلط می‌شود و او
فشار سنگینی بر شانه‌هایش حس می‌کند،
باد آب استخر را در آن تاریکی به تلاطم در
می‌آورد ولی او سوز و سرمای باد را که هم
چون نیش خاری به صورتش زده می‌شود در
اثر حرارت حاصله از تلاطم درونی خود، درک
نمی‌کند. می‌گوید غیر از چشم خدا و اختران
و من در آن جا چشم دیگری باز نبود و تازه
چشمان اختران هم به علت سنگینی خوابی که
داشت بر آنها تسلط پیدا می‌کرد خمار شده و
سوسو می‌زدند، گاه گاه نوای یکنواخت جویبار
را صدای ناله مرغی به هم می‌زد و در این میان
او در حالی که هیکل نحس درختان، سد راه
دید او شده بودند با چشم و گوشي دوخته به
راه سعی می‌کرد شبی را تشخیص دهد و
صدای پایش را بشنود ولی بی‌نتیجه:

**من چو غواصی که ناگه رفته در کام نهنگ
یا کسی که خود زده ناگه به آبی بی‌گدار
صبح دیروزم گشوده پا به دژبانی ز بند
صبح فردا نیز باید بندم از این شهر، بار
باید بیرون شداز این شهرویک جادست‌شست
از همه چیز جهان چو نان که از یار و دیار
وه چه تاریخی ترین شب می‌گذارد عمر من
تا که طوفانی ترین بادی بماند یادگار**

شهریار همیشه در دوری و فراق پری از
طولانی بودن آن شب‌های جان فرسا شکایت
کرده بود ولی این تنها شبی در عمرش بود
که نمی‌خواست به پایان برسد، چون تمام
امیدهایش به این دیدار وابسته بود و گاهی از
مغزش افکاری نظیر انتقام، و انتحار و تسلیم و
رضا به قضا، خطور می‌کرد. ولی همگی آن افکار،
با بلندشدن بانگ خروسی که دمیدن صبح را
خبر می‌داد مغز او را می‌آزرده.

در پناه شب امید آخرین دیدار هست
**پایدار ای صبح و ما را در پناه شب گذار
ای سحر، امشب خدا را پرده از رخ وامگیر
وامگیر این آخرین امیدم از دیدار یار
فرصت یک بار دیدن نیز با این دست باخت
طالع این پاکباز بدقمار بد بیار
آسمان دیدار آخر نیز کرد از من دریغ
تا کند سوز و گدازم سکه‌ای کامل عیار
صبح با چشمی دریده گفت دیگر جیم شو
کز الف این جا به گوش آویزه سازد چوب دار
نیشخند صبح بی‌انصاف گویی صاعقه است
آخرین امیدم از وی خرمی شد تار و مار
سرفکندم پیش و رفته رفته سوی سرنوشت
ورد آهم دم به دم ای روزگار، ای روزگار**

شهریار و کمال‌الملک
و به این ترتیب شهریار برای حفظ حیات خود
و تحت تأثیر آن تهدیدها به تبعید به خراسان در
حالی که کمتر از یک سال به پایان تحصیلات
پزشکی خود داشت راضی می‌شود. در خراسان
به سن ۲۶ سالگی در ثبت اسناد نیشابور مشغول
کار می‌شود و در همان جا بود که با استاد

بهرت آباد است، شب نیمه است و من چشم انتظار
**انتظار آخرین کز آخرین دیدار یار
قدرتی یا در میان آورده پر خوف و خطر
سرنوشت مبهمی ما هر دو را در انتظار
گر بیاید، بهر تودیع و وداع آخریست
ورنه بگذشته است کار از کار بخت نابکار
اشک ریزانند و با من هم خداحافظ کنان
بهرت آباد و لب استخر و این زیر چنار**



زی کمال‌الملک هم رفته که شاید او کند
**رخصت برگشت را فکری به حال این فکر
در نیشابور ایام او به تلخکامی و تیره روزی
سپری می‌گردید. تنها دلخوشی او دیدار اهل
علم و معرفتی بود که در بازگشت از زیارت
مشهد به دیدار کمال‌الملک می‌آمدند و او هم
با آنها در می‌آمیخت...**

رفتار ساکنین نیشابور در شهریار تاثیر
منفی عجیبی می‌گذارد و او تضاد عجیبی در
زیبایی‌های طبیعی اطراف شهر با ساکنین توی
شهر در می‌یابد و هیچ کس را مناسب همدمی
خود در نمی‌یابد و همیشه برایش این سوال
 مطرح بود که به چه گناهی به این چنین کیفر
 گرفتار شده است و البته بعداً جواب خود را
 درمی‌یابد:

«این ناراحتی‌های من محصول درک و فهم
است» و آرزو می‌کند کاش درک و فهمش کم
بود تا کمتر ناراحتی می‌کشید. در قطعه ۸۰
بیتی «در نیشابور» از این برداشت‌های شاعر
تبعیدی مطلع می‌شویم:

**ز وطن دور و ز یاران مهجور
با دلی رنجه و جانی رنجور
در دیاری که در او آدم نیست
ور کسی هست مرا همدم نیست**
شهریار مثنوی مفصل ۲۰۸ بیتی «غروب
نیشابور» را یک عصر که به وقت غروب آفتاب
احساس دل‌گرفتگی شدیدی می‌کند و به کوه
پناه می‌برد تا از سکوت آرامش بخش آنجا
درون تلاطم خود را ساکت گرداند، سروده
و می‌گوید:
**یاد یار آمد و آزد دلم
شد گرفتار زد و خورد دلم**

با وجود تمام بی‌مهری‌های دلبر که موجب
آزردگی دل شاعر می‌شود ولی دل او هنوز
در بند عشق پری است و نمی‌تواند به ندای
عقلش که به او دستور می‌داد دل از او برکند
جواب مثبت بدهد. او همیشه این امیدواری
را داشت که بالاخره روزی این گل بی‌وفا سر
مهر و وفا با قمری بی بال و پرش خواهد آمد
و تنها نگرانیش این بود که نکند آن روز خیلی
دیر شده باشد و در «اشک ندامت» از این
احساس‌ها این چنین سخن می‌گوید.

**شهریارا گله از گیسوی یار این همه بگذار
کاخر این قصه به پایان رسد این غصه سر آید**

شهریار از این حریف که پری را از دستش
درآورده با عناوین مختلف نام برده است و
با طی زمان این عناوین در اشعارش عتاب
آمیزتر و کوبنده‌تر گردیده‌اند. به تدریج رقیب
به «رقیب سفله» و «گدا» و «اهرم» و
«دیو» تبدیل می‌شود و جالب این جاست
که نه تنها در آن زمان بلکه حتی تا مدت‌ها
بعد از کشته شدن این رقیب، او از این رقیب
مستقیماً نامی نبرده است تا این که به ذکر
خاطره‌ای از آقای پرویز سیاهپوش در کتاب
زندگانی ادبی و اجتماعی استاد شهریار تدوین
آقای احمد کاویان‌پور می‌رسیم. آقای پرویز
سیاهپوش می‌نویسد:
«... روزی در محضر استاد شهریار صحبت
از عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار مقتدر
رضاشاه پهلوی و مرد دوم مملکت در آن زمان،
به میان آمد و از استاد پرسیدم: تیمورتاش که
بی‌اندازه مقتدر بود چطور مرد؟ استاد گفت:

جد من او را کشت. گفتم چطور؟ استاد به
ترکی جوابی دادند که ترجمه فارسی آن به این
قرار است: «... زن او قابل این که میان مردم
ظاهرش بکند نبود. پس از آن که بی‌اندازه
ترقی کرد ظاهر شدن در مجالس با آن زن
کسر شأنش می‌شد... به معشوق من که از هر
حیث شایسته‌تر و برازنده‌تر بود بند کرد، با
این که از روابط ما و علاقه‌مان به یکدیگر خبر
داشت...» و بعد استاد خاطره تلخ ماجرای به
زندان رفتن و ترک تحصیل اجباری و تبعیدش
به خراسان را این چنین شرح داد:

«... در سال آخر مدرسه عالی طب که به
امتحان آخر سال ۱۳۰۸ و فارغ‌التحصیل شدنم
بیش از چند ماهی نمانده بود و در بیمارستان
شماره یک ارتش، رو به روی خیابان عباس آباد
که حالا بیمارستان شماره ۵۰۱ ارتش است
مشغول کار بودم، روزی رئیس بیمارستان
مرا به اطاق خود خواست، وارد که شدم
دیدم سرگردی آن جا نشسته است. رئیس
بیمارستان با قیافه‌ای ناراحت و حالی پریشان
که می‌کوشید پنهان کند به من گفت: «جناب
سرگرد با شما کاری دارند، با ایشان بروید
ببینید چه کار دارند» سرگرد مرا یک راست
به زندان دربار تهران برد و زندانی شدم.
تیمور تاش دستور داده بود مرا در آن جا
زندانی و مسموم بکنند یا بکشند.

مادر پری که از جریان آگاه شده بود بر سر
و صورتش زده و شیون کنان گفته بود: «این
سید بیچاره چه کنایه کرده، نفرین او ما و
شما را زیر و رو می‌کند این چه کاریست که
می‌کنید، مبادا دستتان به خون او آلوده شود».
تیمور تاش گفته بود: به شرطی که از
تهران بروم».

داستان زندگی تیمورتاش چه از نظر
سیاسی و اجتماعی و زندگی شخصی نوشته
شده است و در عیاشی و زن‌بازی و خودخواهی
و استبداد بالفطره او همگان متفق‌القولند، او را
به تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۱۲ به اتهام ارتشا در یک
محکمه علنی محاکمه و محکومش کردند و
در ۹ ماه مهر ۱۳۱۳ در زندان قصر مسمومش
کردند و قتلش را خودکشی جلوه دادند.

این تصمیم تیمورتاش به شهریار ابلاغ
می‌شود و او که می‌بیند برای حفظ جان
خود از مرگ باید دست از تحصیل و دوست
و آشنایان تهرانی بردارد و از پری دور شود،
به این کار رضایت می‌دهد ولی به عنوان
آخرین تقاضا از مادر پری می‌خواهد که
ترتیب ملاقات او را با پری بدهد تا او بتواند
برای آخرین بار از او تودیع بکند. مادر به این
امر موافقت می‌کند و قرار ملاقات به شب
در پارک بهجت‌آباد که یکی از میعادگاه‌های
این دو دلناده بود، گذاشته می‌شود ولی این
هم همانند سایر پیش‌آمدهای این عاشق
دلسوخته به ناکامی انجامید و شاعر بی‌نوا تا
دمیدن صبح به انتظار تلخ در زیر درختان
چنار، قافیق و ساعت‌ها را می‌گذراند ولی از
پری خبری نمی‌شود، حالا معلوم نیست این
بدقولی از جانب مادر پری بود که به ترس از
ایادی تیمورتاش این ملاقات را به پری نگفت
و یا خود پری نخواست و یا نتوانست به این
ملاقات بیاید. به هر حال، ماحصل این انتظار
یک قطعه ۴۷بیتی «آخرین خاطره بهجت
آباد» بود که ابتدا شاعر آن را به ترکی و بعدها
«در حدود ۴۵ سال بعد» به فارسی سرود و
در آن با مهارت خاصی در نهایت ظرافت، از
این انتظار تلخ نافرجام و امیدهای بر باد رفته
و احساسات مختلفی خود سخن رانده و گویی
همه آنها را نقاشی کرده است:

شهردار تهران: امکان تأمین تجهیزات آتش نشانی را نداریم

● شهردار تهران می‌گوید بدهی ۹ هزار میلیاردی حاصل از مدیریت سابق شهرداری مانع از تأمین نیازهای آتش‌نشانی شده است.

● نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته که شهردار سابق بودجه آتش‌نشانی را غیرقانونی جابه‌جا کرده است.

شهردار تهران می‌گوید شرایط مالی سخت شهرداری تهران در سال جاری مانع افزایش اعتبارات آتش‌نشانی و تأمین تجهیزات این سازمان است. پروانه مافی نماینده مجلس شورای اسلامی هم گفته، در دوران محمدباقر قالیباف، بودجه و اعتبارات آتش‌نشانی جابه‌جا شده است.

در حالی که آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو، مسئله کمبود امکانات و تجهیزات سازمان آتش‌نشانی تهران و نایمن بودن ساختمان‌های پایتخت را به طور علنی نشان داد، محمدعلی نجفی شهردار تهران در آستانه روز آتش‌نشان با بیان اینکه در سال ۹۶ امکان تأمین تجهیزات موردنیاز آتش‌نشانی وجود ندارد، گفت: «در سال جاری ما با معضل مالی روبرو هستیم و نمی‌توانیم در این زمینه اقدام لازم را انجام بدهیم.»

شهردار تهران افزود: «در ۶ ماهه ابتدایی سال ۹۶ تنها ۷۲ درصد منابع مالی شهرداری تهران محقق شده است ضمن اینکه ما در بخش تأمین منابع طرح‌های عمرانی تحت فشار قرار داریم.»

نجفی اعلام کرد که در حال حاضر نیز شهرداری حدود ۹ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار است که این نیز برای شهرداری مشکلاتی را به باور آورده است!

از سوی دیگر پروانه مافی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از کمبود امکانات آتش‌نشانی گفت که پس از وقوع حادثه آتش‌نشان به محل اعزام می‌شود، اما حتی یک شیلنگ مناسب برای امدادسانی ندارند، چطور می‌توان انتظار خدمات‌رسانی در سطح قابل قبول را داشت، به طور حتم این نقاط ضعف و اشکالات هیچ توجیه قانونی ندارد. مافی با بیان اینکه مدیران شهری برای تأمین تجهیزات مناسب آتش‌نشانی اهتمام و اصرار کنند، گفت: «متأسفانه در دوره گذشته در شهرداری برخی بودجه‌ها و اعتبارات جابه‌جا شد، یعنی منابع و بودجه‌ها به جای هزینه در محل اصلی در حوزه‌های دیگر مصرف شد؛ به عنوان مثال برای آتش‌نشانی نیز چنین اتفاقی رخ داد، به طور حتم این رویه از نظر محاسبات عمومی دارای اشکال جدی و تخلف علنی است.»

ایران، کشوری که از عضو تیم ملی اش پول می‌گیرد تا او را به مسابقه بین‌المللی بفرستد!



● فدراسیون تیر و کمان در اقدامی عجیب از ملی‌پوشان خواسته است ۱۶ میلیون تومان به حساب این فدراسیون واریز کنند تا آنها را به مسابقات قهرمانی جهان در آرژانتین بفرستد.

● شرط پراخت هزینه برای اعزام ملی‌پوش به مسابقات یاروهای خارجی نخستین بار نیست که از سوی این فدراسیون صورت می‌گیرد.

فدراسیون تیر و کمان در اقدامی عجیب از ملی‌پوشان خود خواسته است ۱۶ میلیون تومان به حساب این فدراسیون واریز کنند تا آنها را به مسابقات قهرمانی جهان در آرژانتین بفرستد.

به گزارش خبرگزاری مهر، این نخستین بار نیست که فدراسیون تیر و کمان هزینه اعزام ورزشکاران به مسابقات را از آنها دریافت می‌کند. در اقدام دیگری اواخر بهار این فدراسیون اعزام کمانداران رده‌های سنی نوجوانان و جوانان به اردوی آماده‌سازی کره جنوبی را مشروط به پرداخت ۴ هزار دلار از طرف آنها کرد. با خبری شدن اقدام فدراسیون تیر و کمان، رئیس فدراسیون اعلام کرد: «اصلاً برنامه‌ای برای اعزام کمانداران این رده سنی به اردوی کره جنوبی نداریم که بخواهیم بابت آن از ورزشکاران پولی دریافت کنیم.»

اما حالا دوباره ورزشکاران از شرط پرداخت هزینه برای اعزام آنها به بازی‌های قهرمانی آرژانتین سخن می‌گویند. خبرگزاری مهر گزارش داده است شماره حسابی از طرف فدراسیون تیر و کمان برای واریز مبلغ ۱۶ میلیون تومان مورد نظر در اختیار برخی کمانداران گذاشته شده است. مسئولان فدراسیون ضمن تأکید بر اینکه موضوع نباید توسط کمانداران و خانواده‌های آنها رسانه‌ای شود، به آنها اعلام کرده‌اند در صورت عدم واریز این مبلغ اعزامشان لغو خواهد شد و افراد دیگری جایگزین خواهند شد. نکته قابل توجه اینست که هزینه تعیین شده از سوی فدراسیون آنقدر زیاد است که تأمین و پرداخت آن برای خانواده خیلی از کمانداران نوجوان و جوان، آن هم در زمان کوتاه، راحت نیست اما پرواضح است که فدراسیون قصد دارد با کمک گرفتن از ورزشکاران در این مسابقات حضور داشته باشد.

پاسخ سوالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳

۱- دگرباره ۲- میمون یا یوزینه ۳- ۸۰۰ میلیون جلد ۴- فرانتس کافکا
۵- لرستان ۶- ۷۴ سال ۷- کریستوفر پلامر ۸- مجید به ۹- امام موسی صدر ۱۰- ابيجان

پاسخ وجه اشتراک

اینان همگی در نقش «تارزان» بازی کردند

گفتگو با بابک کلهر درباره‌ی «مرگ یک پادشاه»



برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.

و پاسخ آنها را در اختیار مخاطبان و کاترین دروای با بابک کلهر درباره «مرگ یک پادشاه» گفتگو کرده است.

«مرگ یک پادشاه» نخستین فیلم بابک کلهر است که به داستان بیماری سرطان محمدرضا شاه پهلوی و روند درمان آن پس از خروج وی در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ از ایران به دلیل اوج گرفتن انقلاب اسلامی می‌پردازد. فیلم محصول سال ۲۰۱۷ است و نخستین بار قرار است ۱۵ نوامبر در سالن «لامل» در بورلی هیلز کالیفرنیا به نمایش درآید. پس از آن، این فیلم در شهرهای دیگر آمریکا اکران خواهد شد.

بابک کلهر در این فیلم تلاش می‌کند حقایق پشت پرده‌ی درمان شاه را در سفرهای اجباری ۱۹ ماهه‌ی وی به کشورهای مختلف از طریق مصاحبه با چهره‌های برجسته‌ی پزشکی که در جریان بیماری شاه بودند در میان بگذارد

بدرفتاری فدراسیون سوارکاری با اسب‌های ستاره تیم ملی فوتبال



سردار آزمون و اسب‌هایش

سردار آزمون بازیکن تیم روبین کازان روسیه و گلزن پرتعداد تیم ملی ایران در روسیه زندگی می‌کند اما «سریک» و «شامبوم» اسب‌های گران‌قیمت او در کورس‌های اسب‌دوانی در ایران شرکت می‌کنند. اخیراً فدراسیون سوارکاری ایران از این دو اسب آزمایش دوپینگ به عمل آورده و آنها را به دلیل استفاده از مواد ممنوعه در مسابقات اسب‌دوانی محروم کرده است.

این محرومیت البته رسماً اعلام نشده چون این کار مستلزم طی مراحلی است. اما فوتبالیست معروف تیم ملی گفته است فدراسیون سوارکاری عمداً «سریک» را دوپینگ اعلام کرده است در حالی که با هزینه خود نمونه خون اسب‌ها را برای آزمایش فرستادم و جواب آزمایش منفی بود.

او ضمناً به تصمیم فدراسیون سوارکاری به خاطر عدم اجازه خروج

سردار آزمون بازیکن تیم روبین کازان روسیه و گلزن پرتعداد تیم ملی ایران در روسیه زندگی می‌کند اما «سریک» و «شامبوم» اسب‌های گران‌قیمت او در کورس‌های اسب‌دوانی در ایران شرکت می‌کنند. اخیراً فدراسیون سوارکاری ایران از این دو اسب آزمایش دوپینگ به عمل آورده و آنها را به دلیل استفاده از مواد ممنوعه در مسابقات اسب‌دوانی محروم کرده است.

این محرومیت البته رسماً اعلام نشده چون این کار مستلزم طی مراحلی است. اما فوتبالیست معروف تیم ملی گفته است فدراسیون سوارکاری عمداً «سریک» را دوپینگ اعلام کرده است در حالی که با هزینه خود نمونه خون اسب‌ها را برای آزمایش فرستادم و جواب آزمایش منفی بود.

او ضمناً به تصمیم فدراسیون سوارکاری به خاطر عدم اجازه خروج

سردار آزمون بازیکن تیم روبین کازان روسیه و گلزن پرتعداد تیم ملی ایران در روسیه زندگی می‌کند اما «سریک» و «شامبوم» اسب‌های گران‌قیمت او در کورس‌های اسب‌دوانی در ایران شرکت می‌کنند. اخیراً فدراسیون سوارکاری ایران از این دو اسب آزمایش دوپینگ به عمل آورده و آنها را به دلیل استفاده از مواد ممنوعه در مسابقات اسب‌دوانی محروم کرده است.

این محرومیت البته رسماً اعلام نشده چون این کار مستلزم طی مراحلی است. اما فوتبالیست معروف تیم ملی گفته است فدراسیون سوارکاری عمداً «سریک» را دوپینگ اعلام کرده است در حالی که با هزینه خود نمونه خون اسب‌ها را برای آزمایش فرستادم و جواب آزمایش منفی بود.

او ضمناً به تصمیم فدراسیون سوارکاری به خاطر عدم اجازه خروج

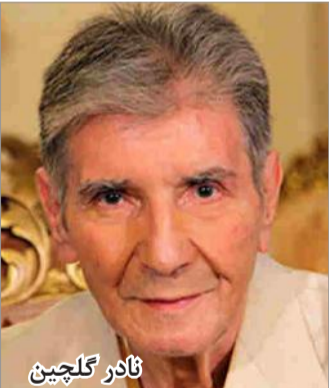
در فراز و فرود آوازها

همگامی او با مردم در جریان جنبش سبز شگفت‌انگیز بود. هنگامی که رئیس جمهور «منتخب»، مردم را خس و خاشاک نامیده بود او نیز خود را از همان مردم دانست.

شجریان نشان داد که از آغاز کار آوازخوانی برخورد با بی‌عدالتی و ناهنجاری را برنامه کار خود قرار داده

از صفحه ۵

از موسیقی نو و کمی بهره‌ور از موسیقی عرفانی راه تازه‌ای را پیش پای خوانندگان گذاشت. خوبی کار شهیدی این بود که علاوه بر خواندن، خود نیز با نواختن آشنا بود و عود خود را از عود عرب جدا می‌کرد. یعنی سازی را که به ایرانیان تعلق داشت و نفوذ اعراب در ایران اصالت آن را مخدوش کرده بود



نادر گلچین

سازگار بی‌بهره ماند. گلچین پس از انقلاب گرفتار پیچ و خم‌های احمقانه امنیتی شد و گویا به همین جهت بیست سالی از فعالیت در زمینه موسیقی محروم گشت. بار دومی نیز گویا امنیتی‌ها به سراغش آمده بودند تا آنچه را تا به حال در حق او نکرده بودند به ثمر برسانند. با این‌همه خانواده‌های گلچین اعم از آواز یا تصنیف با آنکه از نظر کمی به پای دیگران نمی‌رسید ولی از نظر کیفی سرآمد همه آنها بود.

همان‌طور که گفتیم چرخه فعالیت هنری در هیچ شرایطی از چرخش باز نمی‌ماند. آنگاه راه رفتگان را پیش خواهند برد و در پیروی از آنان به شیوه‌های تازه‌ای می‌رسند که آینده موسیقی سنتی ایران را تضمین خواهد کرد. تنها یادم آن باشد که هنر تنها از نوآوری باقی می‌ماند.

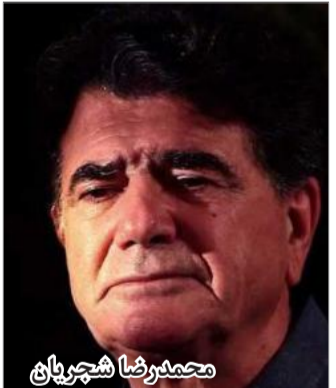


عبدالوهاب شهیدی

از نو در جایگاه خود نشاندید و عود تازه را پشتوانه موفقیت کار خود قرار داد. او نیز خوشوقتانه در قید حیات است و دگرگونی‌های پیشنهادی در موسیقی سنتی را شهادت می‌دهد. برای او نیز تندرستی آرزوی منم.

بديبایری‌های آوازخوان

خواننده دیگری که همین چند روز پیش از میان مارفت نادر گلچین بود. او یکی از خوش‌صداترین و در عین حال بدبیارترین خوانندگان سنتی معاصر به شمار می‌رود. صدایی داشت کاملاً دگرگونه با ویژگی‌های برانگیزاننده که می‌توان گفت نظیرش از نظر این ویژگی‌ها اگر نایاب نباشد کمیاب است. از جمله در هر فتره از صدایش تحریر سنتی را جریان می‌داد و تحریر را تنها برای آخر جملات نمی‌گذاشت. این تمهید شادابی ویژه‌ای برای صدای او فراهم می‌آورد. نخستین بديبایری



محمدرضا شجریان

است. انتخاب شعر در پیوند با موسیقی یکی از راه‌های انتقاد تمثیلی و سرپسته از سیاه‌کاری‌ها شد و ترانه‌های او از این جهت ارزش فراوان پیدا کرد. شجریان علاوه بر کار آواز، دست به کار دیگری نیز زد که همانا ساختن سازهای جدید سنتی بود. با ورود سازهای جدید به گروه موسیقی از یک سو تنوع صوتی برای شنوندگان بیشتر شد و از سوی دیگر امکان آهنگسازی برای آهنگسازان گسترده‌تر.

از این بابت نیز نامش در تاریخ موسیقی سنتی باقی خواهد ماند. شجریان اگر از نی‌نقاده بود طرح‌های دیگری نیز برای نوآوری در ذهن خود داشت. برایش تندرستی آرزوی منم. عبدالوهاب شهیدی کم و بیش همزمان با شجریان وارد میدان موسیقی سنتی شد و با بهره‌گیری از یکی دو شیوه ناشناخته کمی برخوردار



باید. ولی خب وقتی هزاران نفر می آیند و اعتراض می کنند، دنیا هم می بیند. بالاخره همه داستان این است که این حکومت و لابی هایش و دلالت هایش در خارج به دنبال این هستند که فرهنگ ذلت را جا بیاورند، می خواهند بگویند روحانی نماینده مردم ایران است، ایرانیان به همین حکومت و به این جناح و آن جناح اش تن داده اند. یعنی به این رژیم راضی شده اند. بنابر این همین نه گفتن، یعنی چنین چیزی نیست، راه های دیگری هم هست، که مقابل کل حکومت ایستاد. این قبیل تظاهرات این پیام روشن را به دنیا دارد که همه مردم زیر بار این حکومت نرفته اند، و خیلی ها هستند که در مقابل تمامیت این حکومت ایستاده اند، خب این پیام روشنی به دنیا دارد، دنیا هم بالاخره دنبال این می گردد که با مردم ایران متحد شود.

● منصور اسانلو: برای جلوگیری از نابودی ایران باید هر چه در توان داریم هزینه کنیم

منصور اسانلو، فعال شناخته شده کارگری نیز در تظاهرات علیه روحانی حضور داشت، و به پرسش خبرنگار کیهان لندن پاسخ داد.

● آیا حضور شما در این تظاهرات جنبه فردی دارد؟ و انگیزه شما از حضور در این تظاهرات چیست؟

به نوعی هم فردی است و هم کاملاً جمعی. من تجربه های زیادی در ایران دارم به خاطر حجم وحشتناک سرکوبگری، کشتار مردم، نابود کردن حقوق کارگران، از بین رفتن کشور، از بین رفتن منابع طبیعی، از بین رفتن فرهنگ مردم، تا جایی که مادران نطفه ها را در شکم شان می فروشند، قرنیه چشم می فروشند، مواردی که قبلاً وجود نداشت. این حکومت از دید من چنان فاسد و وحشتناک است که حضورش هر چقدر بیشتر ادامه پیدا کند، نه فقط نابودی انسان، بلکه نابودی جغرافیای میهن من است، نابودی کل منطقه و به نوعی جهان است. با استفاده از امکانات وسیع مالی و اقتصادی که در ایران، به واسطه فروش نفت وجود دارد، رژیم توانسته به جای اینکه به جامعه این سودها و امکانات را برگرداند، همه اینها را خرج هزینه های نظامی کند و نیروی نظامی به نقاط مختلف خاورمیانه فرستاده اند.

ادامه این حکومت مساوی است با نابودی همه چیز. از ادامه این حکومت، و آن چیزی که من شخصا حس کردم در زندگیم، در کشتن برادرم، در شکنجه دادن خودم، پلیدی هایی که در زندان دیدم، در جامعه دیدم، در محل کار دیدم، این است که این حکومت به طور سیستماتیک، انسانیت، مروت، و هستی را مورد خطر قرار داده است.

به همین دلیل فکر می کنم، هر فردی باید به این نتیجه برسد همان طور که من رسیدم. جدا از هر حزب و سازمان، گروه، اندیشه و ایدئولوژی، دین و نژاد، نابودی ایران با این حکومت حتمی است. نابودی انسانیت در ایران، که البته چیزی هم از آن نمانده است، با ادامه این حکومت حتمی است.

احساس می کنم برای جلوگیری از این نابودی باید هر چه در توان داریم هزینه کنیم. حضور من در اینجا در ادامه دیگر تلاش هایی است که در حد توان انجام می دهم.

در تظاهرات علیه حسن روحانی در نیویورک، به غیر از «سازمان مجاهدین خلق ایران» و دیگر سازمان های عضو «شورای ملی مقاومت»، «حزب ایران آباد» و هواداران «عرفان حلقه» نیز حضور داشتند.



نگاهی همراه با گفتگو به اعتراضات علیه حسن روحانی در نیویورک

لندن: هستیم که حقایق را به گوش جهانیان برسانیم

لیلا جدیدی عضو کمیته مرکزی سازمان چریک های فدایی خلق ایران و عضو هیئت دبیران نشریه «نبرد خلق» که سازمان او میز کتابی را نیز در تظاهرات بر پا کرده بود، در پاسخ به پرسش خبرنگار کیهان لندن، مبنی بر اینکه انگیزه حضورشان در این تظاهرات چیست و چرا فکر می کند حضور در چنین تظاهراتی مهم است، گفت: «رژیم های دیکتاتوری همیشه تصور می کنند، که با زدن، کشتن و یا اختناق و سرکوب می توانند صدای مردم را خفه کنند؛ به همین جهت است که ما می خواهیم نشان دهیم که صدای مردم را اگر در داخل ایران با سرکوب خشن می خواهند خفه کنند، ولی ما می ایم اینجا تا صدای سرکوب شده مردم کشورمان را به گوش مردم جهان برسانیم، و نشان بدهیم که ایرانیان در تبعید در صحنه مبارزه هستند، و زمانی که روحانی می آید دروغ تحویل سران کشورها می دهد، ما اینجا هستیم که حقایق را به گوش جهانیان برسانیم.»

● حسن داعی: دنیا به دنبال این می گردد که با مردم ایران متحد شود

حسن داعی فعال شناخته شده سیاسی نیز در تظاهرات علیه حسن روحانی حضور داشت و به دو پرسش خبرنگار کیهان لندن پاسخ داد.

● آقا داعی، حضور شما در این تظاهرات جنبه فردی دارد؟

بله؛ من با چند نفر از همسایگان دو سال است که می آیم اینجا. هر دو بار هم قبل از من بسیاری از هموطنان دیگر با گرایش های مختلف فکری هستند، که باعث افتخار است، و هم خودم را بخشی از این جمع می دانم. با هر فکر و عقیده ای که هستند. ما آمده ایم که در یک عبارت بگوییم روحانی نماینده مردم ایران نیست.

● از دید شما تا چه اندازه شرکت در چنین تظاهراتی اهمیت دارد؟

اهمیت اش زیاد است، به نوعی که حتی اگر یک نفر هم بیاید بگوید «نه» به این جمهوری اسلامی، باید

ورزشی ایران در المپیک ۱۹۷۶ مونترال و بازی های آسیایی ۱۹۷۴ (تهران) مسئول کمیسیون ورزش «شورای ملی مقاومت» (که ستون اصلی آن سازمان مجاهدین است)، تنها سخنرانی بود که به فارسی سخن گفت، وی نخست خطاب به همفکران خود گفت: «... شما عمل و با پشتکارتان ثابت کردید که فرزندان راستین رهبران آزادی خواه و انسان دوست، از کورش کبیر تا دکتر مصدق بزرگ، و اکنون حامی خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت برای آزادی ایران عزیزمان هستید...»

مسلم فیلابی در پایان سخنان خود تأکید کرد: «... ما از سران همه کشورها که در نیویورک گرد آمده اند، می خواهیم به ماشاات با ملاها پایان دهند، و بیش از این خود را به ننگ رژیم ملاها آلوده نکنند، و شورای ملی مقاومت را به رسمیت بشناسند...»

● پهلوان فیلابی در گفتگو با کیهان لندن: به نظر می آید مردم با حرارت بیشتری به صحنه بیایند

پهلوان فیلابی دقایقی بعد از سخنرانی خود، در پاسخ به پرسش خبرنگار کیهان لندن، مبنی بر این که تفاوت تظاهرات امسال با سال های پیش در چیست، گفت: «مقاومت ما را سال ها محدود کردند، قبلاً تظاهرات که برگزار می کردیم، در این حد خبرنگار نمی آمد، بازتاب زیادی هم نمی یافت، تفاوت این است که الان بسیاری از خبرنگارهای بین المللی ما را انتشار می دهند. آن هم در شرایطی که رژیم در خاورمیانه و جهان بی ابروتر از قبل شده، و جز امثال ترویس های حزب الله لبنان و حوثی های یمن چیزی برایش باقی نمانده است. یادمان هم باشد که با مشکلات ساختاری که رژیم با آن روبروست و فشاری که آمریکا روی سپاه گذاشته، به نظر می آید مردم با حرارت بیشتری به صحنه بیایند.»

● سازمان چریک های فدایی خلق ایران در گفتگو با کیهان

از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در این تظاهرات خوانده شد. در قسمت هایی از این پیام آمده بود: «... جامعه جهانی باید این رژیم را وادار سازد که کشتار و سرکوب اعتراض های حلقه طلبانه مردم و هم چنین جنایاتش در کشورهای منطقه را متوقف کند...»

رژیم آخوندی در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارد و بیش از هر زمان محتاج رابطه با کشورهای غربی است. انتظار مردم ایران است که:

دولت های دموکراتیک در جهان، هرگونه معامله اقتصادی با این رژیم را به توقف شکنجه و اعدام مشروط کنند، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسند، سازمان ملل متحد یک کمیسیون مستقل تحقیق در مورد قتل عام ۶۷ تشکیل دهد و شورای امنیت با تشکیل یک دادگاه ویژه یا ارجاع قتل عام ۶۷ به دادگاه جنایی بین المللی، ترتیبات محاکمه سران این رژیم را فراهم کند.

همه دولت ها و به ویژه ایالات متحده باید راه هرگونه معامله با سپاه پاسداران را ببندند. تنها راه حل مشکلات در خاورمیانه، خلع ید از این رژیم در عراق و سوریه و یمن و اخراج پاسداران است...»

به زیر کشیدن رژیم، امروز بیش از هر زمان دیگر در دسترس است. این را در مقاومت قهرمانانه و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و در جنبش اعتراضی مردم کردستان علیه کشتار بی رحمانه کولبران می توانید ببینید. این آمادگی اجتماعی در تظاهرات اعتراضی غارت شدگان، معلمان، پرستاران، کارگران و دانشجویان بیش از گذشته خود را نشان می دهد. همه اینها گواه این حقیقت است که مردم ایران، بیش از هر زمان دیگری خواستار تغییر اساسی هستند...»

● پهلوان فیلابی: از سران همه کشورها می خواهیم «شورای ملی مقاومت» را به رسمیت بشناسند

پهلوان مسلم اسکندر فیلابی (دارنده ۴ مدال طلای آسیایی، پهلوان کشوری و پرچمدار کاروان

خلق ایران، به زودی سرنگون است»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه، زنده باد ارتش آزادی».

تظاهرکنندگان حسن روحانی را ترویس خواندند، و خواستار «تغییر رژیم» شدند. شعاری که به زبان انگلیسی پشت لباس های متحدشکل زردرنگ تظاهرکنندگان نیز درج شده بود.

● حضور مقامات آمریکایی و وزیر خارجه پیشین ایتالیا

عده ای از مقامات آمریکایی و همچنین وزیر خارجه پیشین ایتالیا در این تظاهرات سخنرانی کردند. جولیه ترنزی، وزیر خارجه پیشین ایتالیا، بر «پیگیری کشتار ۶۷» تأکید کرد، و الیوت انگل نماینده مردم ایالت نیویورک در کنگره آمریکا نیز از برگزاری «انتخابات آزاد» در ایران حمایت کرد.

● جان بولتون: شعار ما باید این باشد که رژیم چهلمین سالگرد خود را در سال ۲۰۱۹ جشن نخواهد گرفت

جان بولتون سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد، از دیگر سخنرانان این تظاهرات بود که در قسمتی از سخنان خود اظهار داشت: «فکر می کنم مهم است که ما روی فوریت براندازی ملاها از قدرت تأکید کنیم، و پیشنهاد من این است که شعار ما باید این باشد که رژیم چهلمین سالگرد خود را در سال ۲۰۱۹ جشن نخواهد گرفت... به نظر من مهم است که آمریکا به عنوان سیاست رسمی خود اعلام کند که رژیم باید عوض شود.»

● سناتور پیشین آمریکا، مریم رجوی را «یگانه رهبر آزادی ایران» لقب داد

از دیگر مقامات آمریکایی حاضر در تظاهرات، سناتور پیشین جوزف لیبرمن، و رابرت تورسلی بودند. تورسلی، مریم رجوی را «یگانه رهبر آزادی ایران» لقب داد.

● مریم رجوی: مردم بیش از هر زمان دیگری خواستار تغییر اساسی هستند

● حسن داعی: ما آمده ایم بگوییم که روحانی نماینده مردم ایران نیست.

● منصور اسانلو: این حکومت چنان فاسد و وحشتناک است که حضورش هر چقدر بیشتر ادامه پیدا کند، نابودی جغرافیای میهن من و نابودی کل منطقه و به نوعی جهان است.

● پهلوان فیلابی: رژیم در خاورمیانه و جهان بی ابروتر از قبل شده، و جز امثال ترویس های حزب الله لبنان و حوثی های یمن چیزی برایش باقی نمانده.

● لیلا جدیدی: ما می آیم اینجا تا صدای سرکوب شده مردم کشورمان را به گوش مردم جهان برسانیم

● پیام مریم رجوی: به زیر کشیدن رژیم، امروز بیش از هر زمان دیگر در دسترس است.

● جان بولتون سفیر پیشین آمریکا: آمریکا به عنوان سیاست رسمی خود اعلام کند که رژیم ایران باید عوض شود شعار ما باید این باشد که رژیم چهلمین سالگرد خود را جشن نخواهد گرفت.

وفا آذربهری - حضور حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، برای شرکت در هفته و دومین اجلاس عمومی مجمع سازمان ملل متحد، با اعتراض ایرانیان معترض همراه شد. سازمان جوامع ایرانیان آمریکا، نزدیک به سازمان مجاهدین خلق ایران، روز چهارشنبه ۲۰ سپتامبر برابر با ۲۹ شهریور، تظاهراتی را در مقابل مقرر سازمان ملل متحد در نیویورک سازماندهی کرده بود، که تقریباً ۴ ساعت به درازا کشید.

● سازمان جوامع ایرانیان آمریکا: روحانی بیشتر از احمدی نژاد اعدام کرده است

امیر عمادی، از سوی سازمان جوامع ایرانیان آمریکا، در ابتدای مراسم به زبان انگلیسی چنین گفت: «۴۰۰۰ هزار نفر در دوره روحانی اعدام شده اند، بیشتر از دوره احمدی نژاد، بیشترین تعداد اعدام نسبت به جمعیت در جهان... این تظاهرات در بیست و نهمین سالگرد قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در ایران برگزار می شود... هم چنان همان قاتلان در راس حکومت هستند، و بسیاری از وزرای کابینه روحانی، عضو کمیته های مرگ بوده اند...»

● تظاهرات علیه روحانی با سرود «ای ایران» و پرچم های سه رنگ شیر و خورشید نشان

تظاهرات با سرود «ای ایران» با صدای مرضیه رسمی تر شد. در محوطه بیش از هر چیز، پرچم های سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران مشاهده می شد، و همچنین تصاویر کشته شدگان مجاهدین جلب نظر می کرد. تصاویر معدودی نیز از مسعود و مریم رجوی دیده می شد، و خبری هم از پرچم «سازمان مجاهدین خلق ایران» نبود.

● تظاهراتی با شعار «روحانی قاتل است، کل نظام باطل است»

تظاهرکنندگان به دو زبان فارسی و انگلیسی شعار می دادند: «روحانی قاتل است، کل نظام باطل است»، «سلام به جان جانان، ایستاده ایم تا پایان»، «خامنیه ای بداند به دست